

سید علی حسینی

نقشه‌ی نقش برآب

مروری بر بیانات

حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)

رهبر معظم انقلاب پیرامون فتنه سال ۸۸

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



تقریباً و نشر آراء حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای



مؤسسه پژوهشی فرهنگی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خاتمی‌هاشمی (مدظله العالی)

نقش‌های نقش بر آب

(مروری بر بیانات حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب پیرامون فتنه سال ۸۸)

گردآورنده: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار
حضرت آیت‌الله العظمی خاتمی‌هاشمی (مدظله العالی)
(www.khamenei.ir)

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۲۵-۳

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطار، شماره‌ی ۷
تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

صندوق پستی: ۶۱۳ - ۱۳۱۸۵

پست الکترونیکی: Book@khamenei.ir

مقدمه

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی(ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام(ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در دوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد.

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را بر عهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبت‌های و موضوعات مختلف می‌نماید.

سال ۱۳۸۸ یکی از مهمترین مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی ایران به شمار

می‌رود.

بروز فتنه‌ی بزرگ و سازمان‌یافته‌ای که دشمنان قسم‌خورده‌ی این انقلاب و سرزمین، سالها برای آن برنامه‌ریزی و آماده‌سازی کرده بودند کشور و همه‌ی آحاد جامعه را در معرض آزمونی بزرگ و سرنوشت‌ساز قرار داد. به مدد لطف و عنایت الهی و برکات خون شهیدان و با رهبری حکیمانه و بی‌نظیر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، انقلاب اسلامی این گردنه‌ی دشوار را پشت سر نهاد.

کتاب حاضر حاوی فرازهای مهمی از رهنمودهای معظم‌له در طول یک سال و نیم گذشته و حاوی درس‌هایی ماندگار از این دوران حسّاس است.

و من الله التوفیق

سرانقلاب اسلامی

فهرست مطالب

| | |
|---|-----------|
| مقدمه | ۱۵ |
| فصل اول: دهمین انتخابات ریاست جمهوری | ۲۳ |
| ۱. اهمیت انتخابات | ۲۳ |
| ۱.۱. انتخابات، پایه نظام اسلامی است | ۲۳ |
| ۱.۲. مسئله‌ی حساس مهم سرنوشت‌ساز کشور | ۲۵ |
| ۱.۳. آزمون بزرگ ملت ایران در چشم دشمن | ۲۶ |
| ۱.۴. آبرو و وسیله عزت ملی | ۲۶ |
| ۱.۵. شاخص رشد ملی ما | ۳۶ |
| ۲. چالش | ۳۸ |
| ۲.۱. تلاش دشمن برای تعطیل یا سرد کردن انتخابات | ۳۸ |
| ۲.۲. سعی دشمنان برای بدنام و مخدوش کردن چهره انتخابات | ۳۹ |
| ۳. وظیفه مردم | ۴۰ |
| ۳.۱. حضور در انتخابات با همه قوا و نشاط | ۴۰ |
| ۳.۲. انتخاب فرد اصلاح | ۴۳ |
| ۳.۳. مراقبت از ایجاد مجادله و درگیری بین هواداران | ۴۵ |
| ۴. وظیفه نامزدها | ۴۷ |

- ۴۷.....توجه به حفظ اقتدار ملت ایران در تبلیغات، اظهارات و حضور خود
- ۴۸.....متوصل نشدن به نفی دیگری برای اثبات خویش
- ۴۸.....رعایت چهارچوبهای شرعی در مناظرات و نطقهای خود
- ۴۸.....جلوگیری از تبدیل اختلاف نظرها به اغتشاش و درگیری
- ۴۹.....رعایت انصاف در عملکرد و تبلیغات
- ۴۹.....آسیب شناسی
- ۴۹.....ناسپاسی برخی دوستان و تکرار حرفهای دشمن برای خدشه در انتخابات
- ۵۱.....موضوع رهبری در انتخابات ریاست جمهوری
- ۵۳.....پیش‌بینی؛ شرکت با شور، با علاقه و صمیمی مردم در انتخابات
- فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۹ خرداد.....**
- ۵۵.....۱. تبیین و تحلیلها
- ۵۵.....۱،۱. اثبات مصونیت ایران در برابر تهاجم سیاسی و روانی
- ۵۶.....۱،۲. نمایش حکم فرمایی مردم‌سالاری در نظام اسلامی و به رخ عالم کشیدن آن
- ۵۷.....حضور مردم در خیابانها بدون درگیری
- ۵۷.....قاعده مردم‌سالاری؛ تقدم اکثریت بر اقلیت در مقام عمل
- ۵۸.....مردم‌سالاری دینی، راه سوم!
- ۶۰.....۱،۳. بی‌نظیر بودن انتخابات دهم
- ۶۴.....۱،۴. حضور مردم پای صندوق رأی، در مواقعی که کشور احتیاج به فریادرس مقابل بدخواهان دارد
- ۶۱.....۱،۵. آشکاری امید و شادابی مردم و اعتماد آنها به جمهوری اسلامی
- ۶۲.....۱،۵. نمایش تعهد جمعی همه‌ی آحاد و شور، شعور و تعهد سیاسی جوانان
- ۶۳.....۱،۷. تعلق همه‌ی رأی‌دهندگان چهار نامزد به جبهه‌ی انقلاب
- ۶۳.....۱،۸. تعلق همه‌ی کاندیداها به نظام
- ۶۴.....۱،۹. آزاد، جدی و شفاف بودن رقابتهای
- ۶۵.....۱،۹،۱. نقاط مثبت مناظرات
- ۶۸.....۱،۹،۲. آسیبها و عیوب مناظرات
- ۷۰.....۲. آسیب‌شناسی
- ۷۰.....۲،۱. تصور اینکه ۲۴ میلیون یک طرفند و ۱۴ میلیون طرف دیگر

- ۲,۲. تبدیل فضای مردمسالاری بعد از انتخابات به فضای خصومت و تقابل..... ۷۱
- ۲,۳. تلاش بعضی افراد برای از بین بردن آرامش و وحدت ملی..... ۷۲
- ۲,۴. رسیدن دامنه افراطی گری نخبگان سیاسی به جاهای بسیار حساس..... ۷۴
۳. توصیه ها..... ۷۴
- ۳,۱. حمایت یک پارچه‌ی همه از رئیس جمهور منتخب و کمک به او..... ۷۴
- ۳,۲. حفظ اتحاد ملی و جلوگیری از انشقاق و دشمنی..... ۷۵
- ۳,۳. کمک نکردن به تشنج‌آفرینی..... ۷۶
- ۳,۴. حلم و بردباری و ترویج آن میان نخبگان و آحاد مردم..... ۷۶
- ۳,۵. موضع صریح گرفتن (نخبگان)..... ۷۷
۴. جهت‌گیری دشمن..... ۷۷
- ۴,۱. تلاش برای نمایش انتخابات به عنوان دعوی بین طرفداران و..... ۷۷
- ۴,۲. تردید در انتخابات و در هم شکستن اعتماد مردم به نظام و هدف آنها..... ۷۸
- ۴,۳. تلاش برای موج‌سواری با مشاهده‌ی اعتراض بعضی نامزدها..... ۷۹
۵. تذکرات..... ۸۰
- ۵,۱. دو جناح و دو گروه همدیگر را عصبانی نکنند..... ۸۰
- ۵,۲. مخدوش و خراب نکردن رأی چهل میلیونی..... ۸۱
- ۵,۳. یادآوری آخرین وصایای امام(ره)..... ۸۱
- ۵,۴. مشاهده دست‌های دشمن..... ۸۲
۶. هشدارها..... ۸۲
- ۶,۱. هوشیاری و مواظبت برای جلوگیری از اشتباه..... ۸۲
- ۶,۲. خاتمه دادن به اردو کشی خیابانی..... ۸۳
۷. راهکار، رسیدگی از راه قانونی..... ۸۴
- فصل سوم: حوادث پس از انتخابات..... ۸۹**
۱. فتنه، ماهیت حوادث بعد از انتخابات..... ۸۹
- ۱,۱. معنای فتنه..... ۹۰
- ۱,۲. توطئه‌های پشت فتنه سال ۸۸..... ۹۲
- ۱,۳. نقش جوانان در به سامان رساندن فتنه ۸۸..... ۹۴
- ۱,۴. عبور از فتنه سال ۸۸ یک امتحان الهی برای دستیابی به تعالی و ترقی..... ۹۴
۲. ماجرا..... ۹۶

- ۲,۱. شروع طراحی‌ها و برنامه‌ریزی دشمن از قبل از انتخابات..... ۹۷
- ۲,۲. تجاوب (پاسخ دادن) نسبی جمعی از مردم تهران..... ۹۹
- ۲,۳. زیر سوال رفتن اصل حضور مردم در انتخابات بدون استدلال و به دروغ..... ۹۹
- ۲,۴. دخالت دشمن..... ۱۰۱
- ۲,۵. وقوع برخی تخلفات و جنایات در خلال حوادث پس از انتخابات..... ۱۰۴
۳. کلید فهم، اصلی و فرعی کردن حوادث پس از انتخابات..... ۱۰۴
۴. بازیگران..... ۱۰۶
- ۴,۱. کارنامه مردم و خواص..... ۱۰۶
- ۴,۲. کارنامه نامزدهای معترض و هواداران..... ۱۰۹
- ۴,۳ و ۴,۴. اغتشاشگران..... ۱۱۴
- ۴,۵. نقش دشمن..... ۱۱۴
- ۴,۶. نیروهای امنیتی، انتظامی و بسیج..... ۱۱۸
- ۴,۷. رسانه‌های داخلی..... ۱۱۸
۵. راهکارها..... ۱۲۲
- ۵,۱. پایبندی به قانون و پرهیز از قانون..... ۱۲۲
- ۵,۲. ابراز اعتماد نخبگان به نظام..... ۱۲۵
- ۵,۳. کسب بصیرت..... ۱۲۶
- ۵,۴. روشنگری و بصیرت‌بخشی..... ۱۲۸
- ۵,۵. تلاش برای حفظ آرامش در جامعه..... ۱۲۹
- ۵,۶. حفظ درهم تنیدگی ابعاد جمهوری اسلامی..... ۱۳۲
- ۵,۷. ایجاد فضای حسن ظن و برادری در جامعه..... ۱۳۴
- ۵,۸. فراموش نکردن اصول..... ۱۳۷
- ۵,۹. برخورد صحیح با نظرات مخالف..... ۱۳۸
- ۵,۱۰. اتحاد مردم و جریانهای سیاسی در برابر مخالفان نظام و کشور..... ۱۴۱
- ۵,۱۱. پرهیز از شایعه‌پراکنی علیه مسئولان و ایستادگی در برابر جنگ روانی..... ۱۴۴
۶. مواضع نظام..... ۱۴۵
- ۶,۱. انجام رسیدگی به اعتراضات تنها از طریق قانونی..... ۱۴۵
- ۶,۲. برخورد با اخلاط‌گرا و مجرمان..... ۱۴۶
- ۶,۳. برخورد با مجرمان پشت پرده حوادث..... ۱۴۶

| | | |
|------|---|-----|
| ۶,۴ | حمایت از آسیب‌دیدگان جانی، مالی و آبرویی | ۱۴۸ |
| ۶,۵ | محاسبه اقدامات و مواضع خصمانه بیگانگان در روابط آینده | ۱۴۸ |
| ۶,۶ | برخورد با تخلفات و جنایات صورت گرفته در خلال حوادث | ۱۴۹ |
| ۶,۷ | پابندی به جذب حداکثری و دفع حداقلی | ۱۵۰ |
| ۷ | پیام‌ها، تجربه‌ها و درسها | ۱۵۲ |
| ۷,۱ | قدرت جمهوری اسلامی در به صحنه آوردن مردم | ۱۵۲ |
| ۷,۲ | اثبات جمهوریت نظام | ۱۵۴ |
| ۷,۳ | وجود اعتماد متقابل میان مردم و نظام اسلامی | ۱۵۵ |
| ۷,۴ | وجود نشاط و امید در مردم | ۱۵۷ |
| ۷,۵ | هوشیاری و بیداری ملت | ۱۵۸ |
| ۷,۶ | امکان ضربه زدن دشمن حتی در بهترین شرایط | ۱۵۸ |
| ۷,۷ | وجود خطرهای بزرگ پس از پیروزیهای بزرگ | ۱۶۰ |
| ۷,۸ | تغییر اولویت دشمن به مواجهه نرم با جمهوری اسلامی | ۱۶۲ |
| ۷,۹ | آشکار شدن عظمت نظام و انقلاب اسلامی برای دشمن | ۱۶۴ |
| ۷,۱۰ | احتمال منتهی شدن لغزشهای کوچک به لغزشهای بزرگ | ۱۶۵ |
| ۷,۱۱ | امکان متوجه نبودن کسی که در داخل، محور توطئه قرار گرفته است | ۱۶۷ |
| ۷,۱۲ | نمایش تبدیل نظام به یک مجموعه ضد ضربه و مصون از | ۱۶۸ |
| ۷,۱۳ | شناختن ضعف هایمان | ۱۷۱ |
| ۸ | سرانجام | ۱۷۱ |
| ۸,۱ | حل شدن حوادث در هاضمه‌ی نظام | ۱۷۱ |
| ۸,۲ | حماسه ۹ دی | ۱۷۲ |
| ۸,۳ | حماسه ۲۲ بهمن، اتمام حجت بر همه! | ۱۷۷ |
| ۸,۴ | اثبات ماندگاری انقلاب اسلامی | ۱۷۹ |
| ۸,۵ | اثبات ایستادگی ملت ایران | ۱۸۱ |
| ۸,۶ | تقویت بیشتر جمهوری اسلامی | ۱۸۲ |
| ۸,۷ | گشوده شدن فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران | ۱۸۳ |
| ۸,۵ | فصل چهارم: کسب بصیرت | ۱۸۵ |
| ۱۸۵ | معنا و ابعاد بصیرت | ۱۸۵ |
| ۱۸۶ | سطوح بصیرت | ۱۸۶ |

۳. اهمیت بصیرت..... ۱۹۲
۴. ضرورت بصیرت..... ۱۹۴
- ۴,۱. هوشیاری در برابر فریبکاری دشمن..... ۱۹۴
- ۴,۲. احتیاج هر گونه حرکت عمومی به بصیرت عمومی..... ۱۹۵
- ۴,۳. زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز..... ۱۹۷
- ۴,۴. تشخیص دوست از دشمن..... ۱۹۸
- ۴,۵. مشتبه شدن حق و باطل..... ۲۰۰
۵. مصادیق..... ۲۰۱
- ۵,۱. شناخت استکبار..... ۲۰۱
- ۵,۲. شناخت جمهوری اسلامی و سخن تازه‌ای که در عرصه سیاسی..... ۲۰۷
- ۵,۳. غافل نشدن از تلاش دشمن برای ایجاد اختلاف..... ۲۰۸
- ۵,۴. خطا نکردن در شناخت دوست از دشمن..... ۲۱۰
- ۵,۵. لحظه‌شناسی..... ۲۱۱
- ۵,۶. پرهیز از افراط و تفریط..... ۲۱۲
۶. نتیجه فقدان بصیرت..... ۲۱۳
- ۶,۱. وارد شدن بلاهایی بر ملتها و خطا بر اثر بی‌بصیرتی..... ۲۱۳
- ۵,۲. احتمال قدم گذاشتن در راه بد ولو با نیت خوب..... ۲۱۴
- ۶,۳. صحبت به نفع دشمن در عین نداشتن نیت بد..... ۲۱۴
۷. الزامات کسب بصیرت..... ۲۱۵
- ۷,۱. حفظ هوشیاری بیش از پیش..... ۲۱۵
- ۷,۲. شجاعت در فهم و نترسیدن از اهل فتنه..... ۲۱۸
- ۷,۲,۱. اختلال در فهم انسان در صورت وجود ترس..... ۲۱۸
- ۷,۲,۲. ضرورت تقوا و نترسیدن از اهل فتنه..... ۲۱۹
- ۷,۲,۳. شجاعت امام خمینی (ره) و ملاحظه‌کار نبودن او..... ۲۲۰
- ۷,۲,۴. تلاش اهل فتنه و دشمن برای نشاندن ترس خود در دل نخبگان..... ۲۲۰
- ۷,۲,۵. کنار کشیدن به هنگام فتنه..... ۲۲۲
- ۷,۳. توکل، اعتماد و حسن ظن به خدای متعال..... ۲۲۳
- ۷,۴. تلاش برای افزایش آگاهی..... ۲۲۳
- ۷,۵. تلاش و مجاهدت..... ۲۲۴

| | |
|----------|---|
| ۲۲۴..... | ۷,۶. شاخص قرار دادن عقل و خرد..... |
| ۲۲۵..... | ۷,۷. لحظه‌شناسی..... |
| ۲۲۶..... | ۷,۸. برنامه‌ریزی بلندمدت برای بصیرت یافتن..... |
| ۲۲۷..... | ۸. معیار؛ توجه به خشمگینی و شعف دشمنان..... |
| ۲۲۸..... | ۹. وظیفه خواص؛ فهم و تبیین حقایق و ایجاد بصیرت در خود و دیگران..... |
| ۲۳۱..... | فصل پنجم: جنگ نرم |
| ۲۳۱..... | ۱. جنگ نرم؛ دارای خطری برابر با جنگ نظامی..... |
| ۲۳۲..... | ۲. منشأ جنگ نرم؛ شکست دشمن در مواجهه سخت با نظام و عمیق و..... |
| ۲۳۳..... | ۳. معنای جنگ نرم..... |
| ۲۳۴..... | ۴. هدف دشمن از جنگ نرم..... |
| ۲۳۴..... | ۵. خطوط اصلی در جنگ نرم..... |
| ۲۳۴..... | ۵,۱. غیبارپراکنی در فضای سیاسی کشور..... |
| ۲۳۶..... | ۵,۲. اختلاف و تفرقه در جامعه..... |
| ۲۳۷..... | ۵,۳. خدشه در نشانه‌های امید و القای یأس به جامعه..... |
| ۲۴۰..... | ۵,۴. انصراف ذهن مردم از دشمنی دشمن..... |
| ۲۴۱..... | ۶. راههای مقابله با جنگ نرم دشمن..... |
| ۲۴۱..... | ۶,۱. ایجاد بصیرت و تدبیر..... |
| ۲۴۲..... | ۶,۲. اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور..... |
| ۲۴۲..... | ۷. دانشجویان؛ افسران جوان جبهه جنگ نرم..... |
| ۲۴۲..... | ۷,۱. معنای افسری..... |
| ۲۴۳..... | ۷,۲. الزامات افسری در جبهه جنگ نرم..... |
| ۲۴۴..... | ۸. نقش اساتید در فرماندهی جبهه جنگ نرم..... |
| ۲۴۶..... | ۹. نقطه پایان؛ پیشرفت و رسیدن ما به اقتدار همه‌جانبه..... |

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ایستاده در جایگاه خطیب جمعه، پیشاروی هزاران تن از مؤمنان نمازگزار فرمود:

«تن دادن به مطالبات غیرقانونی زیر فشار، شروع دیکتاتوری است... این تصوّر غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می‌کنند و مسئولین را مجبور می‌کنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند... بنده زیربار بدعتهای غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوب‌های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی مصونیت نخواهد داشت»

یک هفته از انتخابات ۲۲ خرداد سپری شده بود و هفت روز سراسر هیجان، التهاب، حیرت و تردید و آشوبی که از برخی دل‌های بیمار و کینه‌جو برمی‌آمد و در شعله‌های خشم جماعتی بازی‌خورده و غفلت‌زده زبانه می‌کشید و به جان شهر شرر می‌زد. و آنک در هفتمین روز، امام مردم در میعاد آدینه، از فراز منبر جمعه، با اّمّت خویش سخن می‌گفت. کلامش، زبان حال و ترجمان بغض فروخورده و دل‌دردمند مردمانی بود که آرزو

داشتند به شکرانه‌ی حماسه بزرگ انتخابات که با ثبت رکورد چهل میلیونی حضور به دست آمده بود، جشن پیروزی برپا کنند اما با دریغ و افسوس لحظه‌های ناب این ایام را لگدکوب تمناهای شیطانی اهالی توهم می‌یافتند. راهبر، اما در آینه حکمت و تجربه، آتش فتنه‌ای را می‌دید که آتشگیره‌های آن جهل بود و عصبیت و عقده‌های انباشته شده در سینه‌ی پرکینه‌ی دشمنان خارجی و ضدانقلابیون و نیز انقلابیون پشیمان و به تجدیدنظر رسیده در حقانیت راه طی شده.

«آقا» می‌دید که دغدغه‌های بیست سال پیش او، چگونه اکنون جامه تحقق بر تن کرده و تهاجم نرم دشمن، آتش به خرمن ایمان و وفاداری جماعتی از دوستان دیروز - مدعیان پرادعای انقلاب - افکنده و آنان را در مرداب هواهای نفسانی، رفاه‌زدگی و غوطه در چرب و شیرین دنیا زمین‌گیر کرده است.

در این بیست سال پس از کوچ روحانی آن راحل عظیم - که رضوان خدا نصیب او باد - بارها هشدار داده و بر خواص و عوام نهیب زده بود که از کید اهریمن غافل نباشند که این بار، آنچه بیش از هرچیز، آماج ضربات کین‌توزانه‌ی دشمن قرار می‌گیرد، آرمان‌ها و ارزش‌های اعتقادی و انقلابی ملت است و هیچ کس از این تیرباران فرهنگی خصم در امان نیست، مگر آنان که در روزگار فتنه، خود را به سلاح «بصیرت» و سپر «صبر» تجهیز کرده باشند و این زلال کلام امیر (ع) بود که بر زبان نایب امام عصر (عج) جاری می‌شد و گوش جان مخاطبان حق‌پذیر را می‌نواخت: «الا و لا یَحْمِلُ هذا العَلمُ الا اهلُ البصر و الصّبر» ایها الناس! شما را به روشن‌بینی و تعبّد فرا می‌خوانم که جز از این راه، شما را یارای بر دوش کشیدن بار سنگین ایمان و پایداری در ایام فتنه نیست. باور دشمن، این بود که با گذشت سی سال از

ظهور انقلاب و سپری شدن دو دهه از رحلت خمینی کبیر (ره)، دیگر رمقی در جان نظام اسلامی نمانده و اینک موسم انتقام از آیین امام فرا رسیده است. تاریخ گواهی داده است که برخلاف رهبران نخست هر نهضت که موسس و بنیانگذارند، پیش‌روی رهبران ثانی، راه، بسی دشوار و پرسنگلاخ است و این فرصتی است تا به نام مصالح‌اندیشی، راهبر را ناگزیر از تن دادن به شرایط ناخواسته و ناگوار سازند.

فریب‌خوردگان دشمن پیش از این گفته بودند که چاره را باید در نظریه «فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا» جست. و اکنون عرصه را برای عملی ساختن این ترفند شیطانی فراهم یافتند. با خود اندیشیدند که نظام از جماعت خشمگین به فریاد آمده در کف خیابان، متزلزل می‌شود. پس به جای پی‌گیری قانونی شبهه‌ی ثقلب در محافل و مراکز رسمی حکومت، فریب‌خوردگان بازی ثقلب را باید به کوی و برزن فراخواند و پشتوانه لشکر اعتراض و اغتشاش را مقدمه‌ای برای تسلیم انقلاب مردم در برابر خواسته‌های غیرقانونی خویش قرار داد.

یک بار در واقعه ۱۸ تیر ۷۸ این ترفند را آزموده بودند. وقتی آتش فتنه در آن چند روز طوفانی از هر سوی شهر زبانه کشید، نفراتی از موجهین را ظاهراً با پیام مصلحت‌اندیشی و در باطن، برای به تسلیم کشاندن جانشین امام، نزد ایشان گسیل داشتند. پیک‌ها، حرف‌های خود را از موضع دلسوزی! بیان داشتند و پاسخ شنیدند که: با قبول این پیشنهادها، که بوی تسلیم در برابر باج‌خواهی دشمن از آن به مشام می‌رسد، آیا خود شما، از این پس حاضرید پشت سر من نماز بگذارید؟!

همان روز بود که رهبر در اجتماع شورانگیز دانشجویانی که برخی از آنان زخم فاجعه‌ی اسفبار ۱۸ تیر را بر تن و دل داشتند، پس از تبیین صحنه و

رویاریوی دو جبهه که یکی وفاداری به انقلاب و راه امام را مقصد خویش گرفته بود و دیگری کمر به هدم ارزش‌های برآمده از اسلام و انقلاب بسته بود، دل‌گفته‌های تا آن روز ناگفته را در قالب گزارش به محضر مولا و سید خویش (حضرت صاحب الامر(عج)) عرضه داشتند... شد آنچه باید می‌شد. فردای آن روز بود که مردم شهر خود، برای برچیدن بساط فتنه، آستین بالا زدند و ساعاتی نگذشت که طومار فتنه‌گران به دست مردم درهم پیچیده شد.

سال ۸۸، از آن واقعه‌ی تیرماه ۷۸ یک دهه گذشته بود. بار دیگر مردم در برابر آزمونی دشوار قرار گرفته بودند. پیروان نظریه‌ی فشار و چانه‌زنی، این بار صریحتر فرمان صادر کرده بودند: «تجمع و آشوب در خیابان، چانه‌زنی و کسب امتیاز در بیت رهبری». همه چیز در خدمت این اندیشه پلید، به میدان آورده شد؛ از لشکر بی‌خبر و غافل، تا انواع امکانات رسانه‌ای و تدارکات ضروری برای اغتشاش و بلوا و دستمایه فریبی به وسعت و بزرگی «اتهام تقلب در انتخابات». دشمن این بار بسی پیچیده‌تر و با بهره‌گیری از تجربیات رنگارنگ انقلاب‌های مخملی وارد عمل شد و هر روز شیوه‌ای تازه در پیش گرفت. مدعیان غافل نیز دست در دست شیطان گذاشتند. تکیه بر نمادی که ریشه در اعتقادات شیعی و عاطفی مردم داشت، عامل انسجام‌بخش جمع‌های پراکنده‌ای بود که بسیاری از آنها نیرنگ تقلب را باور کرده بودند. سحره‌ی فرعون با چیره‌دستی هر چه تمامتر، صحنه را آراسته و زمینه باورپذیری دروغ را در اذهان ساده و بی‌اطلاع فراهم کرده بودند. اهالی جبهه حق اما، با دلی پر خون و در عین حال امیدوار به فضل و نصرت پروردگار، اعجاز الهی را به انتظار نشسته بودند تا همچون عصای موسی (ع) اژدهاگون، مارهای خوش خط و خال ساحران را ببلعد.

آبشار کلام بصیرت‌افزای پیشوای ملت در روز ۲۹ خرداد و از آن پس تا هشت ماهی که در خیابان‌ها، جدال بر سر آینده جهان، جریان داشت، باطل السحر همه نیرنگ‌های جادویی شیطان بزرگ و اصحاب ریز و درشت داخلی و خارجی‌اش شد.

اگر جاری حکمت آقا در خطبه‌های علی‌گونه‌ی جمعه ۲۹ خرداد نبود، چگونه متصور بود که طی یک روز ظرفیت فتنه و آشوب به یک دهم تقلیل پیدا کند؟ آری، نود درصد آنها که تا روز قبل سیاهی‌لشکر بلوای خیابانی شده بودند، با غیرشرعی و غیرقانونی تلقی شدن این کار در کلام خطیب آن روز جمعه، دیگر به قافله‌ی اهل غفلت نپیوستند.

در آن هشت‌ماه سرنوشت‌ساز و از آن پس نیز تا امروز، سخنان مقتدای مردم، در جمع‌ها و مناسبت‌های مختلف، هر یک، نسخه‌ای برای درمان دردی و چاره‌ای برای شکستن بن‌بستی و پاسخی برای پرسش‌ها و ابهامات برجامانده در دلها بوده است. گفته‌های ایشان که با چیش هنرمندانه کلمات و عبارات، همچون همیشه همراه است، در این دوره زمانی از پیوستگی معنایی و ترتیب و انسجام خاصی بهره می‌گیرد، آن‌گونه که می‌توان از خلال کلام ایشان، عمق تاریخ و حوادث و رویدادهای آن ایام را مروری عالمانه کرد.

علاوه بر این، در بازخوانی این گفتارهای پی‌درپی، بر چگونگی راهبری جامعه در قضایای فتنه نیز می‌توان آگاهی یافت. اگر چه رمز و رازهای هدایت کشتی انقلاب به دست سکandar حکیم آن را صرفاً در کلام او نمی‌توان جست و باید نقبی به دیگر وجوه این راهبری که در مکتوبات، انتصابات، تصمیمات، ارتباطات و اقدامات ایشان مستتر است، گشوده شود، با این همه، حقایق بسیاری درباره مسائل دوران فتنه در سخنان مشحون از حکمت و صداقت رهبری پرهیزگار انقلاب نهفته است که مطالعه چندباره

آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

مسائلی از قبیل: معیارها و شاخص‌های انتخاب آگاهانه و مسئولانه، تأکید بر قانون به مثابه اصلی‌ترین وسیله عبور از اختلافات دل‌آزار، یادآوری ضرورت پرهیز از تشنج و برخورد احساساتی، دوری از فضای سوءظن و شایعه، تکیه بر وحدت و انسجام بر پایه اصول انقلاب اسلامی، دعوت همگان به اجتناب از پیروی هوای نفس، تأکید بر حفظ حقوق همگان و پرهیز از ظلم، حتی به متهمان و مجرمان، ضرورت شناخت دشمن و درنیفتادن به دام و سوسه‌های شیطانی او، داشتن مرزبندی با بیگانگان معاند و عناصر ضدانقلاب، اصرار بر موضع حق و تسلیم‌ناپذیری در برابر زیاده‌خواهان و باجگیران، رونمایی از ترفندهای پنهان دشمنان برای برهم زدن انسجام ملت، تأکید بر اهمیت آگاهی به منزله ابزار خشتی‌سازی عملیات روانی دشمن، پاسداری از مرزهای اعتقادی، اخلاقی و معنوی جامعه، پرهیز مسئولان و مقامات کشور از تشدید و عمده کردن اختلافات فیما بین، القای امید و اجتناب از یأس، تکیه بر بصیرت و تقوا به مثابه کارآمدترین سلاح مقابله با فتنه، تقویت روحیه‌ی همگانی و وعده نصرت الهی، تلنگر به خواص جامعه برای عقب‌نماندن از حرکت عمومی ملت، تذکر درباره افراط و تفریط‌ها و دوست را به جای دشمن فرض کردن به خاطر خطاهای خرد و اندک، نصیحت و اندرز به راه‌گم‌کردگان و دمیدن روح امید در عناصر نادم و توبه‌کار از گذشته ناصواب، تأکید بر حفظ آرامش و امنیت کشور، لزوم عبرت‌آموزی از گذشته و درس گرفتن از تاریخ، تمرکز بر تبلیغ و تبیین برای زدودن شبهات و تردیدها، اعلام آمادگی برای قبول انتقادات، غیرت‌ورزی بر مبانی انقلاب و جایگاه رفیع بنیانگذار راحل نظام، اشاره به سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی، اجتناب از نشان دادن مسائل فرعی به جای مسائل اصلی و... اینها امتهات مباحثی

است که در دوران پرتهاپ و تلاطم فتنه، در گفتارهای گوناگون رهبری، بیش از سایر مطالب، بدان اشارت رفته و چه بسا بتوان گفت که این کلمات، رمز عبور از فتنه ۸۸ بوده است و پیشوای خبیر انقلاب به مدد این سخنان الهی، دست جامعه را در بحبوحه میدان‌داری شک و تردید گرفت و مردم خود را از عقبه‌های دشوار فتنه و شبیخون دشمن به سلامت عبور داد.

در شامگاه نهم دی‌ماه، روزی که ایران، پرشورترین حماسه حضور و قیام مردمی را برای تحکیم بیعت با نظام و رهبر انقلاب اسلامی تجربه کرد؛ دشمن، مبهوت مانده بود و اصحاب فتنه سرسام گرفته از هیاهوی جشن ملی و گریزان از چراغان دل‌های مؤمنان پایدار و ایرانیان وفادار، به کنج انزوا و خلوت سوت و کور و شام سیاه و غریبانه خود پناه برده بودند و آنگاه، گوش شهر، پیام سپاس شادمانه مردی را می‌نیوشید که پیش از آن در نیمروز واپسین آدینه خردادماه، صدای بغض‌آلود نجوایش پژواکی چنین در گوش جان اهل ولاء داشت: «ای سید ما، مولای ما... صاحب ما تویی... ما این راه را ادامه خواهیم داد... در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما!»

و دعای مولا، مستجاب شد.

محمدحسین صفار هرنندی

فصل اول

دهمین انتخابات ریاست جمهوری

موضوع دیگر در زمینه‌ی مسائل داخلی کشور، مسئله‌ی انتخاباتی است که ما در پیش داریم؛ که یک اشاره‌ای هم به آن مسئله بکنم. البته تا انتخابات وقت هست؛ اگر عمری بود، عرایضی را که لازم بدانم، با مردم عزیزمان در میان میگذارم - دیر نیست - لیکن چند نکته را عرض میکنم.

۱. اهمیت انتخابات

۱.۱. انتخابات، پایه نظام اسلامی است

اولاً انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. پایه‌ی نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمیشود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت میگیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع

مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است. اینکه شما توانسته‌اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرتها نترسید، اینکه ابرقدرتها هم غیر از نهیب نتوانستند ضربه‌ی اساسی به شما بزنند، اینکه جوانان کشور در ورود به میدانهای گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان میدهند، ناشی از مردم‌سالاری دینی است؛ این را باید خیلی قدر بدانیم.

انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است؛ مثل اینکه شما سرمایه‌ی سنگین و عظیمی را در بانک می‌گذارید، بانک با آن کار میکند و شما از سودش استفاده میکنید؛ انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه‌گذاری عظیمی را میکند، سپرده‌گذاری بزرگی را انجام میدهد و سود آن را میبرد. آراء یکایک شما مردم سهمی است از همان سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری. هر رأیی که شما در صندوق می‌اندازید، مثل این است که یک بخشی از پول آن سپرده را دارید تأمین میکنید. یک رأی هم اهمیت دارد.

هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان میدهد؛ انتخابات این است. بنده همواره در درجه‌ی اول در انتخابات سعیم بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است.

مسئله فقط یک مسئله‌ی سیاسی و فردی و اخلاقی محض نیست؛ یک مسئله‌ی همه‌جانبه است. انتخابات با سرنوشت مردم سر و کار دارد؛ خصوصاً انتخابات ریاست جمهوری که سپردن قوه‌ی اجرایی کشور به

دست یک نفر و یک مجموعه است که کشور را برای مدت چند سال اداره کنند؛ اینقدر انتخابات اهمیت دارد.^۱

۱،۲. مسئله‌ی حساس مهم سرنوشت‌ساز کشور

مسئله‌ی حساس مهم سرنوشت‌ساز کشور ما انتخابات است در همه‌ی دوره‌ها؛ چه انتخابات مجلس و مجلس خبرگان و چه بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که چند روز دیگر است. چند تا نکته را من در باب انتخابات می‌گویم:

نکته‌ی اول این است که از دو سه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم. گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است. گاهی گفتند: این یک بازی کنترل شده‌ی درون حکومت است؛ گفتند: این کاندیداها خودشان دارند بازی میکنند؛ نامزدهای مختلف که می‌بینید با هم اختلاف نظر دارند، اینها همه ظاهرسازی است، بازی است. گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت؛ هر وقتی یک چیزی گفتند. مقصود از همه‌ی این تخریبه‌ها یک چیز است و او اینکه میخواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایندانی نکنند؛ این را میخواهند. من به شما عرض میکنم: عزیزان من! ملت عزیز ایران! ملت باهوش و بیدار ایران! ملت تجربه شده و آزموده‌ی ایران که در طول این سی سال از این همه گردنه‌های سخت عبور کردید! بدانید؛ با مردم‌سالاری شما مخالفند.^۲

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۸۸/۱

۲. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

۱.۳. آزمون بزرگ ملت ایران در چشم دشمن

یک رأی هم اهمیت دارد. هرچه انتخابات پر شورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند.^۱

انتخابات یکی از آزمونهای بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند. از حدود یک سال پیش، دستگاههای تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با یک شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاههای امنیتی‌شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه‌زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حساسند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه‌های گوناگون خارجی - که بسیاری از اینها دل پرکینه و پردشمنی‌ای نسبت به ملت ایران دارند - نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بی تفاوت نیستند و سعی میکنند اغراض خودشان را عمل کنند.^۲

۱.۴. آبرو و وسیله عزت ملی

انتخابات یکی از شاخصهای رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی میروند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم‌گیری قائل است؛ میخواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند.^۳

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۸۸/۱

۲. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۸۸/۲/۲۲

۳. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۸۸/۲/۲۲

برادران و خواهران عزیز! اسلام برای ساخت یک جامعه‌ی سرافراز و پویا خصوصیات را ترسیم کرده و راه رسیدن به آنها را برای ملت مسلمان و امت اسلامی در طول تاریخ تبیین کرده است. یکی از این نشانه‌ها و خصوصیات عزت ملی است؛ عزت. همچنانی که یک فرد مایل است ذلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ یک ملت هم این است که عزیز باشد و ذلیل نباشد. عزت ملی چیست؟ عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به میراث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه میکند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: «يقولون لئن رجعنا الى المدينة ليخرجنَّ الأعدَّ منها الأذلَّ و لله العزَّة و لرسوله و للمؤمنين و لكنَّ المنافقين لا يعلمون». منافقان با خودشان گفتگو میکردند که ما عزیزیم و مسلمانها را - که ذلیلند - از مدینه خارج خواهیم کرد! خداوند به پیغمبر وحی فرستاد که اینها اینجور میگویند، لیکن نمیفهمند و نمیدانند؛ آنکه عزیز است مؤمنانند؛ عزت از آن خداست و از آن پیامبر خدا و از آن مؤمنان بالله. این یک تابلو درخشانی است که همیشه جلوی چشم امت اسلامی باید قرار داشته باشد؛ «عزت ملی». اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته‌های خود - به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود - به چشم حقارت نگاه کند، آنها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت براحتی در چنبره‌ی سلطه‌ی بیگانگان قرار میگیرد.

استعمارگران از قرنهای شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرق - از

جمله سرزمینهای اسلامی - شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملتها ببندند و آنها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. اینها عبرت‌آموز است؛ کار به جایی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، یک روشنفکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! اینجور اعلان کردند. این فریاد مذلت‌بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیس براحتی میتواند بر همه چیز او - نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او - تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را بعنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر آمریکا - در میان بگذارد و در واقع از او استعجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ دردبار گذشته‌ی ماست. این ضد عزت ملی است. حکومت‌های دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملت ایران را از اریکه‌ی عزت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

وقتی یک چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی

آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکر مآب میشود: در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره‌ی رام؛ «اسد علیّ و فی الحروب نعامه». همان رضاخانی که بخصوص در نیمه‌ی دوم سلطنتش آنجور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود - که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند؛ توی خانه‌های خودشان پدر به فرزند و فرزند به پدر اعتماد نمی‌کرد - در مقابل یک پیغام ساده‌ی انگلیسی‌ها که گفتند «باید از سلطنت کناره‌گیری»، مثل موش مرده از سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد! همین طور محمدرضای پهلوی؛ محمدرضای پهلوی در سالهای دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادیخواهان - خشن؛ بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم - وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع میکرد و از آنها حرف میشنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملتی است که از عزت ملی محروم است.

یکی از اساسی‌ترین قلمهائی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد، احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به ملت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار میکند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف میکنند که در مقابل ملت ایران، تهدید آنها، قدرت نظامی آنها و تبلیغات سیاسی آنها هیچ تأثیری ندارد؛ ملت ایران راهی را و هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهد رسید.

آنچه مهم است حفظ این عزت ملی است. برادران و خواهران من! مردم

عزیز کردستان و ملت بزرگ ایران! این را همه باید توجه کنیم، این عزت ملی را باید حفظ کنیم. عزت ملی فقط با زبان و با ادعا و با شعار حفظ نمیشود؛ امروز اگر ملت ایران عزیز است و در سیاستهای بزرگ جهانی دارای نفوذ است، علتش در ایمان او، و در عمل و ابتکار او، و در اقدام شجاعانه‌ی او، و در وحدت و یکپارچگی اوست. هر کدام از این عوامل را که از دست بدهیم عزت ما دچار تهدید میشود. اگر ما وحدت خودمان را از دست بدهیم، اگر ایمان خودمان را از دست بدهیم، اگر روحیه‌ی کار و تلاش خودمان را - که بحمدالله امروز در مجموعه‌ی عظیم ملت، بخصوص در نسل جوان محسوس است - از دست بدهیم، عزتمان را از دست خواهیم داد. این یک نقطه‌ی اساسی برای تحلیل حوادث سیاسی - بخصوص برای جوانها - است.^۱

در جمع‌بندی توصیه‌های امام و شعارهای امام و مطالباتی که ایشان از مردم، از مسئولان، از آحاد مسلمانان جهان داشته‌اند، دو پرچم برافراشته را در دست امام ملاحظه میکنیم. در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: یک پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته‌ی به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست. پرچم اول که در حقیقت یک بُعد از دعوت امام و نهضت امام است، مربوط به امت بزرگ اسلامی است. پرچم دوم هم اگرچه که مربوط به ملت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون یک تجربه‌ی عملی از تحرک حیات‌بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت‌ساز است.

۱. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۸۸/۲/۲۲

چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه‌ی عملی بیداری اسلام و تحقق اسلام بود، بنابراین اگرچه که به طور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است، اما نتیجه‌ی آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است.

وجه دوم مربوط به عزت ایران و ایرانی است. اولین کار و مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در این بخش دوم انجام داد، این بود که احساس حقارت را از ملت ایران گرفت و از روح آنها زدود؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. ملت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت میکرد؛ خودکم‌بینی احساس میکرد؛ از جنگهای دوران قاجار بگیرد و آن شکستهای سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمیشد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمدرضا، با حضور آمریکائیا، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم میکردند، مردم احساس میکردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود، تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملت ایران با آنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷ - در طول بیست و چهار سال - بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند.

از طرفی روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم این‌جور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید

تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتی کار را به جایی رسانند که یک وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند خط را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپائی‌ها را بیاوریم و از آنها تقلید بکنیم؛ کار را به این جا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید: شما میتوانید، ما میتوانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید.

این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملت عزیز و قدرتمند بشود. خوب، ما در دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذی‌قیمت را داشتیم، همین استعدادهای درخشان و نیروی انسانی با استعداد را داشتیم؛ اما در عین حال یک ملت دست‌سوم، گمنام در دنیا، توسری‌خور قدرتهای بزرگ، زیر یوغ یک حکومتی که فاسد بود، دست‌نشانده بود، متصل به دشمنان ملت بود، زندگی میکردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که میتواند. امام ملت ما را به این باور رساند که

میتواند بایستاد؛ میتواند مقاومت کند؛ میتواند کشور خود را آزاد کند؛ میتواند نظامی را که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند؛ میتواند در دنیا، در سیاستهای بین‌الملل اثر بگذارد، که همین جور هم شد. این همان عزت ملی است که من بیست روز قبل از این در سندج در بین برادران کُردمان این مسئله را مطرح کردم. عزت ملی خیلی برای یک کشور مهم است. این عزت ملی فقط حرف هم نیست. این ترجمه‌ی عملی در همه‌ی عرصه‌های زندگی ما دارد.

عزت ملی در مدیریت کشور به این معناست که یک دولت، یک نظام، به ملت خود متکی باشد، به مردم متکی باشد.

عزت ملی در مسائل اقتصادی به این است که کشور به قدرت خود کفائی برسد، بتواند اگر چیزی از دنیا نیاز دارد، بگیرد، چیزی هم دنیا به او نیاز داشته باشد و در مقابل از او بگیرد؛ مغلوب نباشد، مقهور نباشد.

عزت ملی در عرصه‌ی علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالم محقق او سعی کند مرزهای علم را درنوردد - همین چیزی که ما گفتیم نهضت نرم‌افزاری و تولید علم - و علم را تولید کند. آن کسانی که دانش را به این نقطه رسانند، انسانهایی بودند که از لحاظ متوسط استعداد از ما اگر عقب‌تر نبودند، جلوتر نبودند. ما قرن‌ها سابقه‌ی درخشان علمی در تاریخ داریم و امروز هم باید بتوانیم علم را بسازیم، به وجود بیاوریم، کشف کنیم و در بنای علمی دنیا سهم عمده‌ای داشته باشیم؛ این میشود عزت.

عزت یک ملت در سیاستهای گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولتها و قدرتها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. یک دولت، یک نظام در مقابل قدرتها آنچنان ظهور کند که نتواند در هیچ مسئله‌ای اراده‌ی خودشان را بر او تحمیل کنند.

عزت ملی در عرصه‌ی فرهنگ به این است که یک ملت به سنتهای خود پایبند باشد، برای آنها ارج قائل باشد، مقلد فرهنگهای بیگانه و مهاجم نشود. این چیزی است که متأسفانه کشور ما در قبل از انقلاب، در طول صد سال یا بیشتر در مقابل این طوفان و این موج ویرانگر فرهنگ غرب، غرق شد که آثارش را ما هنوز هم داریم تحمل میکنیم؛ رنجهایش را ما هنوز هم داریم میبریم. عزت ملی به این است که یک ملت به سنتهای خود اهمیت بدهد، احترام بگذارد، افتخار کند و به اینکه دیگران بگویند آقا شما مرتجعید، اعتناء نکنند. امروز بعضی از کشورهای اروپائی کارهایی میکنند که اگر آنها را در مقابل یک آدم عاقل متعارف بگذارید، جز خنده‌ی تمسخرآمیز کاری نمیکند. میگوئیم: چرا میکنید؟ میگویند: این سنت ماست! به سنتهای خودشان پایبندند؛ سنتهای کهنه‌ی پوسیده. آن وقت اگر ملت‌های دیگر به سنتهای خودشان احترام بگذارند، پایبند باشند، آنها را طعن و تمسخر میکنند که چرا. نه، این خودباختگی مخالف با عزت ملی است. عزت ملی آن وقتی است که یک ملت در مقابل فرهنگ دیگران خودباخته نباشد؛ این عزت ملی است. در همه‌ی عرصه‌های زندگی عزت ملی ترجمه میشود، معنا دارد، مصداق دارد.

در نحوه‌ی اداره‌ی کشور و ارتباط با انسانها، عزت ملی به این است که تک‌تک انسانها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند. «اما اخ لك في الدين و اما نظير لك في الخلق»؛ اگر هم‌دین شماست، مورد احترام است؛ اگر هم‌دین شما هم نیست، مورد احترام است. در جامعه هر که انسان است، مورد احترام است؛ مورد تکریم است؛ این ایجاد عزت ملی میکند. اینها ابعاد گوناگون عزت ملی است که رهنمود امام بود؛ انگشت اشاره‌ی امام بود.

نظام اسلامی هم در این سی سال با همین اعتماد به نفس پیش رفت.

البته فراز و نشیب داشت، افت و خیز داشت؛ اما توقف نداشت؛ ملت توقف نکردند. این عزت ملت ما امروز در دنیا هم منعکس است. من قبول نمیکنم حرف آن کسانی را که تصور میکنند ملت ما به خاطر پایبندی به مبانی و اصول خود، در دنیا خوار شده است، از چشم افتاده است؛ ابداً. ما دشمن داریم. دشمنان ما یک جبهه‌ی متحدی هستند متشکل از قدرتهای مداخله‌گر و زورگوی عالم. اینها وقتی ببینند یک کشوری از مدار آنها خارج شد - کشورهائی که اینها به عنوان اقمار خودشان در مدار خود نگه داشته بودند - مثل کشور ایران که با انقلاب اسلامی از مدار آنها خارج شد، سعی میکنند با او مقابله کنند، او را بکوبند؛ تحقیر میکنند؛ وسائل تبلیغاتی‌شان هم زیاد است. این معنایش این نیست که ما عزت خودمان را از دست دادیم. نه، در اعماق دل همان کسانی که دشمن اسلام و دشمن جمهوری اسلامی هستند، احترام امام و ملت ایران رسوخ یافته است.

راه این ملت بزرگ ما که پرورده‌ی بیانات امام و هدایت‌های امام است، برای رسیدن به اوج اعتلاء و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت ملی را در همه‌ی عرصه‌ها حفظ کند. این ملت میتواند به اوج اعتلاء برسد، که وقتی یک ملت قوی شد، اعتلاء مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد. یعنی آسیب‌پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمیکنند. اگر ملت ما میخواهد به امنیت کامل برسد، اگر میخواهد دشمنان دیگر جرأت تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود. اگر پیشرفت و عدالت را میخواهد، همین راه را باید برود. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزشهای اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارک امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان‌بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار

در طول زمان میشود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان‌بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر درمان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه‌ی خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد. استخوان‌بندی مستحکم نظام اسلامی‌ای را که امام آن را به ما یاد داده است، باید حفظ کنیم. من خدا را شکر میکنم که در طول این سی سال، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند به قدر وسع خودشان این راه را دنبال کنند، تعقیب نکنند. البته کم و زیاد داشته است، افت و خیز بوده است؛ در یک دوره بهتر، در یک دوره کمتر، اما این حرکت به طور مستمر ادامه پیدا کرده است تا امروز، و به توفیق الهی به همت شما مردم، بخصوص به همت شما جوانها، این راه همچنان تا پیروزی نهائی ادامه پیدا خواهد کرد.^۱

۱.۵. شاخص رشد ملی ما

عزیزان من! ملت ما در طول تاریخ چند قرنی خود یک عنصر بی‌تأثیر در نظام مدیریت کشور بود. چرا؟ چون خاصیت حکومت استبدادی این است؛ خاصیت حکومت پادشاهی این است. ملت، کاره‌ای نیست. حال ملت چگونه خواهد بود؟ بسته به انصاف آن کسی که آن بالا نشسته است. اگر یک وقتی اقبال ملت بلند باشد، یک نفر دیکتاتوری بر سر کار بیاید که یک مقداری رحم در دلش باشد - مثلاً حالا در تاریخ ما کریم‌خان زند را اسم می‌آورند - خوب، یک مقدار وضع مردم بهتر خواهد شد. اما اگر چنانچه کسانی مثل رضاخان قلدر و ناصرالدین شاه و سلاطین گوناگون دیگر - مستبدین - بر سر کار باشند، اینها کشور را ملک خودشان میدانند، ملت را هم که نقشی نداشتند، رعیت خودشان میدانند.

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

تاریخ را نگاه کنید - نمیگویم تاریخ قرنهای متمادی را؛ تاریخ همین دوران مشروطه به این طرف را - مشروطه اسماً در کشور به وجود آمد؛ اما از وقتی که رژیم پهلوی بر سر کار آمد، انتخابات به معنای یک حرکت نمایشی محض تلقی شد؛ جز در یک برهه‌ی کوتاهی در دوران نهضت ملی؛ در دوران دو ساله‌ای که یک مقدار اوضاع بهتر بود؛ ولی آن هم اشکالات فراوانی داشت؛ مجلس را تعطیل کردند، اختیارات مجلس را به دولت دادند که اینها در زمان مصدق انجام گرفت. در بقیه‌ی این دوران، انتخابات نمایش محض بود. در آن برهه‌ای که بنده و امثالی که در سنین من هستند یادشان هست، همه میدانستند که انتخابات مطلقاً به معنای انتخاب مردم نیست. یک کسانی را دستگاه‌های قدرت، دربار آن روز شاهان در نظر می‌گرفتند، رقابتهایی بین خود آنها انجام می‌گرفت، با همدیگر زد و خورد هم می‌کردند؛ اما آن کسی که میخواستند بیاورند توی مجلس بنشانند که مطیع باشد، سرب‌ه‌زیر باشد، منافع آنها را تأمین کند، حق مالی غاصبانه‌ی آنها را بدهد، او را می‌آوردند توی مجلس می‌نشانند. مردم هم برای خودشان میرفتند. در تمام این دوران، کمتر وقتی اتفاق افتاد که مردم احساس کنند حالا باید بروند در این صندوق رأی یک رأیی بیندازند تا در مدیریت کشور تأثیری ببخشند. مطلقاً چنین چیزی نبود. ماها اسم انتخابات را تو روزنامه‌ها می‌شنفتیم که می‌گویند: حالا انتخابات است. نمی‌فهمیدیم روز انتخابات کی هست؛ مردم نمی‌فهمیدند. در وقت انتخابات، چند تا صندوق می‌گذاشتند یک جا، خودهاشان هم گفتگو و هیاهوی مختصری می‌کردند و همان کاری که میخواستند، انجام میدادند و تمام میشد میرفت. مردم نقشی نداشتند.

انقلاب اسلامی ورق را بکلی برگرداند؛ مردم نقش پیدا کردند؛ نه فقط در انتخاب نماینده‌ی مجلس، در انتخاب رئیس‌جمهور، در انتخاب خبرگانی که

رهبر را بناست انتخاب کنند، در انتخاب شوراهای شهر که شهردارها را باید انتخاب کنند. در همه‌ی این مراحل حساس، نظر مردم شد تعیین کننده. قانون اساسی بر این اساس تدوین شد و امروز هم سی سال میگذرد. و من به شما عرض بکنم با قوت و قدرت این کار تا امروز ادامه پیدا کرده. دوره‌ی قبل از انقلاب، ایران مرتعی برای چرای بیگانگان بود. نفت اینجا، بازار اینجا، محصولات اینجا، نیروی انسانی اینجا، هر چه بود و نبود، مورد استفاده‌ی سلطه‌گران و قدرتمندان بود؛ یک روز انگلیس، یک روز آمریکا و صهیونیستها. بعد که انقلاب شد، مردم آمدند روی کار، منافع آنها قطع شد. طبیعی بود که با این نظام دشمنی کنند، که سی سال است دارند دشمنی میکنند.^۱

۲. چالش

۲.۱. تلاش دشمن برای تعطیل یا سرد کردن انتخابات

در درجه‌ی اول، هدفشان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در یک دوره‌ی سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حیلها متوقف کنند. خدای متعال نخواست و اراده‌ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مایوسند که انتخابات را بکلی تعطیل کنند. در درجه‌ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. میخواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد. ملت عزیز ایران! من به شما عرض میکنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم.^۲

۱. بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران ۸۷/۲/۹

۲. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۸۷/۲/۲۲

۲،۲. سعی دشمنان برای بدنام و مخدوش کردن چهره انتخابات

دوره‌ی قبل از انقلاب، ایران مرتعی برای چرای بیگانگان بود. نفت اینجا، بازار اینجا، محصولات اینجا، نیروی انسانی اینجا، هر چه بود و نبود، مورد استفاده‌ی سلطه‌گران و قدرتمندان بود؛ یک روز انگلیس، یک روز آمریکا و صهیونیستها. بعد که انقلاب شد، مردم آمدند روی کار، منافع آنها قطع شد. طبیعی بود که با این نظام دشمنی کنند، که سی سال است دارند دشمنی میکنند. یکی از دشمنی‌ها همین است که این پدیده‌ی بارزش تأثیر حضور مردم و نقش‌آفرینی مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه‌آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه؛ انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه‌ی مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب، سالم. دشمن خدشه میکند. از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی‌توقعی از دوستان است. بی‌توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند می‌بینند؛ می‌بینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام میگیرد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن میزند، اینها هم میزنند!

از دو سه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم. گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است. گاهی گفتند: این یک بازی کنترل‌شده‌ی درون حکومت است؛ گفتند: این کاندیداها خودشان دارند بازی میکنند؛ نامزدهای مختلف که می‌بینید با هم اختلاف نظر دارند، اینها

همه ظاهرسازی است، بازی است. گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت؛ هر وقتی یک چیزی گفتند. مقصود از همه‌ی این تخریبها یک چیز است و او اینکه میخواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایانی نکند؛ این را میخواهند. من به شما عرض میکنم: عزیزان من! ملت عزیز ایران! ملت باهوش و بیدار ایران! ملت تجربه شده و آزموده‌ی ایران که در طول این سی سال از این همه گردنه‌های سخت عبور کردید! بدانید؛ با مردم سالاری شما مخالفند. دشمن با همین حضور شما، با همین انتخاب شما مخالف است. میخواهند پشتوانه‌ی نظام را که مردم هستند و آراء مردم است، از نظام بگیرند؛ میفهمند چه کار دارند میکنند.^۱

۳. وظیفه مردم

۳.۱. حضور در انتخابات با همه قوا و نشاط

هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان میدهد؛ انتخابات این است. بنده همواره در درجه‌ی اول در انتخابات سعیم بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است.^۲

ملت عزیز ایران! من به شما عرض میکنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم.

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ۸۸/۱/۱

وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی میروند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم‌گیری قائل است؛ میخواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند. انتخاب رئیس‌جمهور یعنی انتخاب رئیس قوه‌ی مجریه و کسی که اغلب امکانات کشور در اختیار اوست. و می‌بینید اگر چنانچه رئیس‌جمهوری شور و نشاط و شوق و اراده داشته باشد، چه خدمات بزرگی را برای این کشور انجام می‌دهد؛ می‌خواهند این نباشد. من عرض می‌کنم: همه باید اصرار داشته باشید که در انتخابات شرکت کنید. به نظر من مسئله‌ی اول در انتخابات، مسئله‌ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسئله‌ی اول، مسئله‌ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های نظام را مستحکم می‌کند، آبروی ملت ایران را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع و ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف می‌کند. این یک مسئله‌ی بسیار مهم است؛ پس مسئله‌ی اول، شرکت در انتخابات است.^۱

حضور مردم در صحنه‌ها توانست دشمن را مأیوس کند. اگر مردم در این سی سال در انتخاباتها شرکت نمی‌کردند، در راهپیمائی‌های بیست و دو بهمن و روز قدس شرکت نمی‌کردند، در مراسم گوناگون، حضور خودشان و این حجم عظیم ملت ایران را به رخ دشمن نمی‌کشیدند، مسلماً هیبت ملت ایران، آنچنان که امروز هست، نمی‌بود. این حضور را حفظ کنید.

اینکه ما در همه‌ی انتخاباتها تأکید می‌کنیم که مردم در صحنه‌ها حاضر باشند و در صحنه‌های گوناگون حضور داشته باشند، به خاطر این است.

۱. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۸۸/۲/۲

این حضور فقط در عرصه‌ی سیاست نیست، فقط در انتخابات نیست؛ در عرصه‌های سازندگی، در عرصه‌ی اقتصادی، مردم حضور داشته باشند.^۱

ملت ایران سرافراز است به اینکه توانسته در طول این سی سال مسئولین را خودش معین کند. مسئولین بلندمرتبه‌ی نظام از صدر تا ذیل به وسیله‌ی مردم انتخاب شده‌اند؛ رهبری هم به وسیله‌ی مردم انتخاب میشود با واسطه‌ی انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای گوناگون؛ این جزو افتخارات نظام است، میخواهند این را از مردم بگیرند؛ چون میدانند نظام با این مستحکم میشود. من به شما عرض میکنم: هر کسی به استحکام این نظام علاقه‌مند است، هر که به اسلام علاقه‌مند است، هر که به ملت ایران علاقه‌مند است، برای او عقلاً و شرعاً واجب است که در این انتخابات شرکت کند.

آنچه که من از مردم میخواهم، عبارت است از اینکه همه با همه‌ی قوا، با همه‌ی توان، با همه‌ی نشاط، در روز بیست و دوی خرداد پای صندوقهای رأی حاضر بشوند و رأی بدهند. خدای متعال با آن ملتی است که می‌اندیشد، تصمیم میگیرد، انتخاب میکند، و برای خدا و در راه خدا به آن انتخاب عمل میکند.^۲

من - طبق معمول - درخواستم از مردم این است که از همین آغاز وقت و از اول صبح، پای صندوقهای رأی بروند. همه بروند، همه رأی بدهند، طبق تشخیص خودشان عمل کنند و سهم خودشان را در اداره‌ی کشور و در تعیین مدیریت عالی اجرائی کشور، به عهده بگیرند. این یک حق و در عین حال یک تکلیف است. حق آحاد مردم ماست که نظر بدهند؛ تکلیف آنها هم

۱. بیانات در جمع مردم بیجار ۸۷/۲/۲۸

۲. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۷/۳/۱۴

همین است. به اعتقاد من، این هم تکلیف شرعی و هم تکلیف عقلی - یعنی عقلائی - است که این کار را انجام بدهند.^۱

۳,۲. انتخاب فرد اصلح

بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافیگری باشد، مردم را به سمت اشرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد. اینی که ما گفتیم امسال، سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف است، یعنی امسال سالی است که ملت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه کند. نمیگوئیم بکلی و یکباره و در طول یک سال، اسراف تمام بشود؛ نه، ما واقع بین تر از این هستیم؛ میدانیم این کار مال سالیان پی در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم؛ باید این کار را شروع کنیم.^۲ ملت ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، دانشجویان ما، آینده سازان ما، ناتوانی شیوه های مدیریت کشورهای غربی را ببینند و ناتوانی آنها را در اداره ی این مهمترین بخش مدیریتشان یعنی اقتصاد را ببینند - فرهنگ به جای خود، آداب انسانی به جای خود، بی اعتنائی به حرمت بشر به جای خود، تبعیض هائی که در قلمرو قدرت خودشان انجام میدهند به جای خود؛ در همه ی این موارد، تمدن غربی امتحان بدی پس داده است - و آنگاه ملت ما، مسئولین ما، جوانان ما بالخصوص، این را محور فکر خودشان قرار بدهند و بر اساس این تأمل کنند که برای مدیریت کشور، برای روشهای گوناگون

۱. مصاحبه با رهبر انقلاب پس از شرکت در انتخابات ۸۸/۳/۲۲

۲. بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سندج ۸۸/۲/۲۲

اداره‌ی این ملت بزرگ، به فکر نسخه‌های خودی، به فکر نسخه‌های بومی باشید. این ایجاب میکند به اسلام توجه دقیق‌تری کنید. اسلام نگاه روشن و روشنگری به انسان و انسانیت و شیوه‌های انسانی دارد. از اسلام متحجر دفاع نمیکنیم؛ از اسلامی که با کمال تنگ‌نظری به همه‌ی مسائل نگاه کند، مثل آنچه که بعضی از مدعیان اسلام میگویند، ما به او دعوت نمیکنیم؛ اسلام ناب، اسلام هشدار دهنده‌ی انسان و توجه دهنده‌ی انسان به تعقل و تفکر و تدبیر؛ اسلام قرآن، اسلام سنت، اسلام اهل‌بیت؛ اسلامی که یک نمونه‌اش در کشور بزرگ ما با این گرفتاری‌های فراوان چندین ده ساله‌ی دوران تسلط دشمن، توانست یک چنین حرکتی را ساماندهی کند و این آزادی و این استقلال را از خود نشان دهد؛ ما به این اسلام دعوت میکنیم.

جوانهای ما، اهل فکر ما، اهل فرهنگ ما تأمل کنند؛ مسئولین کشور به سمت سیاستهای اسلامی حرکت کنند. اینی که یا مسئولان ما، یا در دوره‌های انتخابات مثل وضع کنونی، نامزدهای انتخاباتی ما برای جلب توجه دیگران حرفهای غربی‌ها را تکرار کنند، این هیچ امتیازی محسوب نمیشود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوئیم که غرب می‌پسندد. اینها کسانی‌اند که با فکر ایرانی، فکر اسلامی، هویت اسلامی و ایرانی مخالفند. خدا را سپاس میگوئیم که ملت ایران آن رشد و آگاهی لازم را به دست آورد تا توانست بر این همه موانع فائق بیاید.^۱

کسانی با رأی ملت سر کار نیایند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق‌گویی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و

۱. بیانات در دیدار مردم مریوان ۸۷/۲/۲۶

پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیایند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیلهی آنها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزشهای انقلابی شان دور کنند. ملت باید آگاه باشد.

اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم شده به وسیله‌ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.^۱

۳،۳. مراقبت از ایجاد مجادله و درگیری بین هواداران

عزیزان من! نامزدهای مختلف هر کدام طرفدارانی دارند، علاقه‌مندانی دارند. علاقه‌مندان این نامزد نمیتوانند اعتراض کنند به علاقه‌مندان آن نامزد که شما چرا به او علاقه‌مندی، به نامزد مورد علاقه‌ی من علاقه‌ای نداری. نه، این جزو افتخارات کشور ماست. افراد گوناگون می‌آیند؛ با منشهای مختلف، با سلائیق مختلف، با شیوه‌های گوناگون کار، در مقابل مردم قرار می‌گیرند. یک عده این را می‌پسندند، یک عده آن را می‌پسندند، یک عده آن را می‌پسندند؛ این افتخار است؛ این خوب است. هر کدام از نامزدهای محترم هم طرفدارانی دارند. بعضی‌ها از این طرفداران متعصب هم هستند، خیلی علاقه‌مند، سرسختند به آن نامزد خودشان. خیلی خوب، باشند، حرفی نیست؛ اما مواظب باشید، مراقب باشید که این علاقه‌مندی‌ها به اصطکاک

نینجامد؛ به اغتشاش نینجامد. شما دارید برای عقیده‌ی خودتان، برای ایمان خودتان تلاش میکنید؛ نگذارید دشمن این ایمان، دشمن این آرمان از شما سوءاستفاده کند.

من شنیدم و اطلاع پیدا کردم که در خیابانها بعضی از جوانان طرفداران نامزدها میروند - حالا من درباره‌ی این رفتن تو خیابانها حرفی نمی‌زنم - اما مؤکداً میگویم: مبدا این خیابان‌گردی‌ها به مقابله، به مجادله، به درگیری بینجامد؛ مواظب باشید. اگر کسی دیدید که اصرار بر اغتشاش و درگیری دارد، بدانید او یا حائن است، یا بسیار غافل است.^۱

باید از این حضور پرشوری که در روزهای اخیر و حتی شبها - آنطور که مطلع شدم - مردم در خیابانها داشتند، تشکر کنم. هر گروهی طبق میل خودشان و به نظر خودشان شعار میدادند، اما رشد و آگاهی مردم نگذاشت که یک حادثه‌ی تلخی به وجود بیاید؛ در صحنه هستند، شعارهاشان را هم میدهند، شور و شوق خودشان را هم ابراز میکنند، لکن در عین حال رشد و کمال و بلوغ عقلانی خودشان را هم نشان میدهند. امنیت انتخابات خیلی مهم است. ما سی سال است انتخابات داریم و بحمدالله همیشه در انتخاباتها، امنیت برقرار بوده است. این خیلی نعمت بزرگی است؛ این ناشی از تفضل الهی و ناشی از شعور و درک مردم ماست. امروز هم من امیدوارم و از مردم خواهش میکنم که توجه کنند، همین امنیت، همین آرامش و همین متانت و سکینه‌ی روحی لازم، در آنها وجود داشته باشد. ممکن است بدخواهانی بخواهند در مراکز رأی تشنج ایجاد کنند؛ هرگونه تشنجی به ضرر صندوقهای رأی تمام خواهد شد؛ یعنی به ضرر آراء مردم و به ضرر مردم است؛ اگر

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

کسانی خواستند چنین تشنجی ایجاد کنند، خود مردم نگذارند و با متانت، با صبر و با حلم و وقار خودشان، مانع بشوند از اینکه خواسته‌ی بدخواهان این ملت عملی بشود.^۱

۴. وظیفه نامزدها

۴.۱. توجه به حفظ اقتدار ملت ایران در تبلیغات، اظهارات و حضور خود کسانی که برای انتخابات خود را نامزد میکنند، بدانند که انتخابات یک وسیله‌ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملت؛ انتخابات فقط ابزاری برای قدرت‌طلبی نیست. اگر بناست این انتخابات برای اقتدار ملت ایران باشد، پس نامزدها بایستی به این اهمیت بدهند و این را در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان و در حضورشان رعایت کنند. مبدا نامزدها در اثنای فعالیتهای انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابتها را منصفانه کنند، حرفها را منصفانه کنند، از جاده‌ی انصاف خارج نشوند. خوب، به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد میکند؛ این رد و ایراد فی‌نفسه اشکالی ندارد؛ اما مشروط بر اینکه تویش بی‌انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد. میدان برای همه باز است؛ بیاوند در میدان انتخابات خود را بر مردم عرضه کنند.^۲

نامزدهای انتخابات باید هوشیار باشند. مبدا نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در تبلیغات خود برای دلخوشی دشمنان حرفی بر زبان جاری کنند. رضایت خدا را باید در نظر گرفت، رضایت اولیاء را باید در نظر

۱. مصاحبه با رهبر انقلاب پس از شرکت در انتخابات ۸۸/۳/۲۲

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۸۸/۱/۱

گرفت. آن چیزی را باید معیار قضاوت قرار داد که مایه‌ی ایستادگی ملت است، مایه‌ی استحکام ملت است، مایه‌ی استقامت مردم است و او پایبندی محکم به اسلام است.^۱

۴،۲. متوصل نشدن به نفی دیگری برای اثبات خویش

نامزدهای محترم هم مراقب باشند. نمی‌پسندد انسان که ببیند یک نامزدی، چه در نطقهای تبلیغاتی، چه در سخنرانی، چه در تلویزیون، چه در غیر تلویزیون، برای اثبات خود متوسل بشود به نفی آن دیگری، آن هم با یک استدلال‌های گوناگون؛ به نظر من این درست نیست.^۲

۴،۳. رعایت چهارچوب‌های شرعی در مناظرات و نطق‌های خود

هر کسی به نظر خودش یک احساس مسئولیتی، تکلیفی دارد، می‌آید میدان. من با مناظره و معارضه و گفتگو و انتقاد مخالفتی ندارم؛ اما سعی کنید این در چهارچوب‌های درست شرعی و دینی انجام بگیرد.^۳

۴،۴. جلوگیری از تبدیل اختلاف نظرها به اغتشاش و درگیری

مراقبت کنند که در این سخنرانی‌ها، در این اظهارات، جوری نباشد که منتهی بشود به ایجاد دشمنی و ایجاد تقار؛ با برادری و با مهربانی پیش بروند. البته اختلاف نظر، اختلاف رأی، اختلاف سلیقه، در مسائل گوناگون، در مسائل شخصی، در مسائل عمومی، یک امر طبیعی است؛ اشکالی هم ندارد.

۱. بیانات در جمع تعدادی از خانواده‌های شهداء ۸۸/۳/۳

۲. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

۳. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

نگذارید این به اغتشاش منتهی بشود.^۱

۴.۵. رعایت انصاف در عملکرد و تبلیغات

کسانی که برای انتخابات خود را نامزد میکنند، بدانند که انتخابات یک وسیله‌ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملت؛ انتخابات فقط ابزاری برای قدرت‌طلبی نیست. اگر بناست این انتخابات برای اقتدار ملت ایران باشد، پس نامزدها بایستی به این اهمیت بدهند و این را در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان و در حضورشان رعایت کنند. مبدا نامزدها در اثنای فعالیتهای انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابتها را منصفانه کنند، حرفها را منصفانه کنند، از جاده‌ی انصاف خارج نشوند. خوب، به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد میکند؛ این رد و ایراد فی‌نفسه اشکالی ندارد؛ اما مشروط بر اینکه تویش بی‌انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد.^۲

۵. آسیب‌شناسی

ناسپاسی برخی دوستان و تکرار حرفهای دشمن برای خدشه در انتخابات انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه‌ی الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است - در حدود سی انتخابات - مسئولان وقت در هر دوره‌ای رسماً

۱. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

۲. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۸۸/۱/۱

متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند، و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بیخود خدشه میکنند، مردم را متزلزل میکنند، تردید ایجاد میکنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرفها تردید ایجاد نخواهد شد.^۱

دشمن خدشه میکند. از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی‌توقعی از دوستان است. بی‌توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند می‌بینند؛ می‌بینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام میگردد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن میزند، اینها هم میزنند!

یکی از دشمنی‌ها همین است که این پدیده‌ی باارزش تأثیر حضور مردم و نقش‌آفرینی مردم در اداره‌ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه‌آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه؛ انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه‌ی مردم در این انتخابات بیشتر است.

کسانی که با ملت ایرانند، جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست؛ انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ میگویند؟ چرا بی‌انصافی میکنند؟ چرا خلاف واقع میگویند؟ چرا این همه زحماتی را که این ملت و مسئولین در طول این سالهای متممادی متحمل شدند، ندیده میگیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی میکنند؟

انتخابات در دوره‌های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۸۸/۱/۱

می آمد، ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند. در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد، بعضی ها دلائلی آوردند، حرفهائی زدند که انتخابات ناسالم است؛ توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات ابطال شود. ما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند؛ دیدند نه، خدشه در انتخابات نیست. در بین هزارها صندوق ممکن است در دو تا، پنج تا صندوق خدشه‌هایی به وجود بیاید. این، انتخابات را خراب نمیکند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است.

در بین هزارها صندوق ممکن است در دو تا، پنج تا صندوق خدشه‌هایی به وجود بیاید. این، انتخابات را خراب نمیکند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است. گاهی یک گروهی، یک جناحی - از این جناحهای معمولی کشور که شماها این جناح‌بندی‌ها را میشناسید - که بر سر کار بودند، نتیجه‌ی انتخابات به ضرر آنها و به نفع جناح مقابل شده؛ مکرر این اتفاق افتاده.^۱

۶. موضع رهبری در انتخابات ریاست جمهوری

این را هم در باب انتخابات به شما عزیزان و همه‌ی ملت عزیزمان عرض بکنم؛ درباره‌ی موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می‌اندازم. به یک نفری رأی خواهم داد، به هیچ کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت میکنم، دفاع میکنم؛ بعضی سعی میکنند برای این

۱. بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران ۸۷/۲/۹

کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولتها همیشه دفاع میکنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه‌ای میشود، بیشتر دفاع میکنم. من طرفدار اعمال انصافم؛ من میگویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی‌انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجوئی‌ای از محرومین، از هر ایستادگی‌ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال میکنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری میکنم؛ هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه‌ی من است.^۱

بنده در این انتخابات یک رأی بیشتر ندارم، آن رأی را هم به نظرم میرسد که کسی به طور مشخص نمیداند، حالا ممکن است کسانی حدس بزنند. من به کسی نمیگویم، نگفته‌ام و نخواهم گفت به چه کسی رأی بدهید، به چه کسی رأی ندهید؛ رأی من مربوط به خود من است. این مال ملت است. آنچه که من از مردم میخواهم، عبارت است از اینکه همه با همه‌ی قوا، با همه‌ی توان، با همه‌ی نشاط، در روز بیست و دوی خرداد پای صندوقهای رأی حاضر بشوند و رأی بدهند.^۲

به شایعات هم خیلی گوش نکنند. من دیدم دیروز و دیشب - در این پیامکهای فراوانی که دست مردم هست - شایعاتی را از قول من نقل میکردند که دروغ محض بود و واقعیت نداشت. آدمهای خوش‌نیت و سالم این کارها

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) ۸۸/۱/۱

۲. بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۸۸/۳/۱۴

را نمیکند؛ آدمهای ناسالم از این کارها میکنند؛ توی همه‌ی بخشها و همه‌ی گروهها هم کم و بیش ممکن است آدم ناسالم - که سوءنیت داشته باشند و حسن‌نیت نداشته باشند - پیدا بشود. به این شایعات هم توجه نکنند. امروز هم ممکن است باز شایعاتی - نسبت به بخشهای مختلف انتخابات - بین مردم وجود داشته باشد؛ ما اعتمادمان در درجه‌ی اول - در اول و آخر - به لطف خدا و به کمک الهی است و از خدای متعال استعانت میکنیم و کمک میخواهیم، و در درجه‌ی بعد به آگاهی و رشد و هوشیاری مردم است.^۱

۷. پیش‌بینی؛ شرکت با شور، با علاقه و صمیمی مردم در انتخابات

همه‌ی ملت ایران به کوری چشم دشمنان در انتخابات آینده هم با شور، با علاقه، با صمیمیت پای صندوقهای رأی می‌آیند و انتخاباتی خواهند آفرید که دشمنان را خشمگین و عصبانی کند.^۲

۱. مصاحبه با رهبر انقلاب پس از شرکت در انتخابات ۸۸/۳/۲۲

۲. بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران ۸۸/۲/۹

فصل دوم

مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۹ خرداد

۱. تبیین و تحلیل ها

۱.۱. اثبات مصونیت ایران در برابر تهاجم سیاسی و روانی

ملت عزیز ایران!

مردان و زنان آگاه و شجاع و زمان شناس!

سلام خدا بر شما که شایستگی خود را برای دریافت سلام و رحمت الهی به اثبات رساندید. جمعۀ حماسی شما، حادثه‌ئی خیره‌کننده و بی‌همتا بود که در آن، رشد سیاسی و چهره‌ی مصمّم انقلابی و توان و ظرفیت مدنی ملت ایران، در نمائی زیبا و پرشکوه در برابر چشم جهانیان به نمایش درآمد. اقتدار و عزتی که شما با آرامش و متانت و کمال خود در تاریخ کشور به ثبت رساندید، و اراده‌ی خلل‌ناپذیری که در میان آتشبار جنگ روانی دشمنان، با حضور در این عرصه‌ی تعیین‌کننده نشان دادید، از چنان اهمیتی برخوردار است که با هیچ بیان معمولی و متعارفی نمی‌توان آن را توصیف کرد. تنها

می‌توان گفت که ملت ایران توانسته است همچنان موجبات رحمت الهی را در خود حفظ کند و دست قدرت خداوند را در حمایت از پیشرفت و تعالی این کشور، بالای سر خود نگاه دارد.

انتخابات ۲۲ خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه‌ئی در سلسله‌ی طولانی انتخابهای ملی پدید آورد. مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، یک جشن واقعی است که به حول و قوه‌ی الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند. دیروز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزشهای انقلاب اسلامی، در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی سال از آغاز مردم‌سالاری دینی در این کشور، از همیشه تازه‌نفس‌تر و سرزنده‌تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامه‌ی راه روشن خود مطمئن می‌سازد.

اینجانب با فروتنی در برابر عزم و ایمان شما مردم عزیز، این موفقیت بزرگ را به حضرت ولی‌الله‌الاعظم روحی‌فداه و به روح امام بزرگوار و به یکایک آحاد ملت تبریک عرض می‌کنم و همگان را به قدردانی از این لطف الهی و شکرگزاری در برابر پروردگار حکیم و علیم توصیه مینمایم.^۱

۱،۲. نمایش حکم‌فرمایی مردم‌سالاری در نظام اسلامی و به رخ عالم کشیدن آن ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره؛ این مهم است. من معتقدم همه‌ی ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم. یعنی این اتحاد ملی را در گفتن و اعلام صریح حمایت از نظام اسلامی را، دست کم نگیریم؛

این چیز بسیار مهمی است.^۱

حضور مردم در خیابانها بدون درگیری

امروز نظام اسلامی نشان دارد میدهد که مردم سالاری واقعی در او حکمفرماست. مردم می آیند می نشینند پای صحبت نامزدهای مختلف، گوش میکنند، بعد در حدود شاید ده روز، پانزده روز در خیابانها حضور فعال دارند. این به نظر من خیلی مسئله‌ی مهمی است. ما باید به این شبهای گوناگون و متعددی که در خیابانهای تهران و بعضی از شهرستانهای دیگر مردم جمع میشدند و بعضی از این نامزد، بعضی از آن نامزد حمایت میکردند، شعار میدادند و هیچگونه درگیری بین اینها وجود نداشت، افتخار بکنیم؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم ما اینند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار میکنند.^۲

قاعده مردم سالاری؛ تقدم اکثریت بر اقلیت در مقام عمل

آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از یک نامزد، با آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از نامزد دیگر، هر دو ملت ایرانند، گروه‌هایی از مردمند؛ ما باید با این دید نگاه کنیم. آرائی هم دارند؛ یک جمعی رأی به این دادند، یک جمعی رأی به آن دادند. البته قاعده‌ی مردم سالاری این است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدم پیدا میکند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او مسئولیت را به عهده میگیرد؛ این قاعده‌ی مردم سالاری

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

۲. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

است. اما این به معنای ایجاد تزاخم و ایجاد تعارض و دشمنی نیست.^۱

مردم‌سالاری دینی، راه سوم!

بنده دوست ندارم در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیه‌ی انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض میکنم که هر چه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات ۲۲ خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت‌جوی مردم در اداره‌ی کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسی‌های گوناگون - چه دموکراسی‌های ظاهری و دروغین و چه دموکراسی‌هایی که واقعاً به آراء مردم مراجعه میکنند - نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه‌پرسی سال ۵۸ - فروردین ۵۸ - هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه‌ی گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود ۸۵ درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولی عصر را پشت سر حوادثی با این عظمت می‌بیند. این نشانه‌ی توجه خداست. لازم میدانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد.

نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره‌ی داغ انقلاب دلها را به هیجان

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۵۹

می‌آورد، بعد هم در دوره‌ی جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسئولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست. البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده‌ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عده‌ی دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن یک تعهد جمعی را انسان در بین همه‌ی این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس میکند؛ یک تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله‌ی سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نفس تازه کردن، یک حرکت از نو، یک فرصت بزرگ. این انتخابات، مردم‌سالاری دینی را به رخ همه‌ی مردم عالم کشید. همه‌ی کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردم‌سالاری دینی یعنی چه. این یک راه سوم است. در مقابل دیکتاتوری‌ها و نظامهای مستبد از یک طرف، و دموکراسی‌های دور از معنویت و دین از یک طرف دیگر، این مردم‌سالاری دینی است؛ این است که دل‌های مردم را مجذوب میکند و آنها را

به وسط صحنه میکشاند. این، امتحان خودش را داد. این یک نکته درباره‌ی این انتخابات.^۱

۱،۳. بی‌نظیر بودن انتخابات دهم

انتخابات مایه‌ی افتخار ماست. چهل میلیون رأی شوخی نیست. این از بالاترین نصابی که ما تا حالا داشته‌ایم، مبالغ قابل توجهی بیشتر است؛ این خیلی اهمیت دارد. بعد از سی سال ملت ما پابندی‌شان به نظام جمهوری اسلامی آنچنان است که اینجور با شور و شوق وارد صحنه میشوند که خبرگزاری‌های خارجی از همان ساعات اول اعلام کردند - ما خبرها را تعقیب میکردیم - و همه گفتند که این دفعه حضور مردم، حضور فوق‌العاده‌ای است. این را همه گفتند. حالا غیر از مشاهداتی که کسانی میرفتند رأی میدادند و می‌آمدند برای ما نقل میکردند، خبرگزاری‌ها گفتند و در تعدادی از تلویزیونهای بیگانه هم منعکس شد که حضور مردم، حضور جدی و فعال و متراکمی است. در بعضی از تلویزیونهای خارجی صفوف مردم را که صف کشیده بودند، نشان دادند. این افتخاری است برای کشور؛ ما این را مخدوش نکنیم، این را خراب نکنیم، این مال مردم است.^۲

۱،۴. حضور مردم پای صندوق رأی، در مواقعی که کشور احتیاج به فریادرس مقابل بدخواهان دارد

همیشه دیده‌اید مسئولین کشور و خود بنده اصرار داشتیم بر افزایش آحاد شرکت‌کننده‌ی در رأی دادن؛ مردم را تشویق میکردیم، ترغیب میکردیم،

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

۲. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۶۱

مردم هم هوشیارانه و در مواقع حساس وارد قضایا میشدند؛ در مواقعی که کشور احتیاج داشته به اینکه یک فریاد رسا و بلندی را در مقابل مخالفان خود و بدخواهان خود در دنیا مطرح بکند، آمده‌اند پای صندوقهای رأی و رأی داده‌اند. بنده در چند تا از پیامهای تبریک انتخابات، این جمله را تکرار کردم: «مردم هوشمند و زمان‌شناس».^۱

۱.۵. آشکاری امید و شادابی مردم و اعتماد آنها به جمهوری اسلامی

با اعتماد و با امید و با شادابی ملی در این کشور زندگی میکنند. این جواب خیلی از حرفهایی است که دشمنان شما در تبلیغات مغرضانه‌ی خودشان بر زبان می‌آورند. اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمیدهند. اعتماد به نظام جمهوری اسلامی در این انتخابات آشکار شد.

دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته‌اند؛ دشمنان ملت ایران میخواهند همین اعتماد را در هم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه‌ی جمهوری اسلامی است، میخواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ میخواهند ایجاد شک کنند، ایجاد تردید کنند درباره‌ی این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند.

دشمنان ملت ایران میدانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را میخواهند؛ هدف دشمن این است. میخواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را میخواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها میخوانند، تکرار میکنند که بنیاد در انتخابات تقلب بشود. میخواستند زمینه را آماده کنند. من آنوقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن میخواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگوئید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن میخواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند.^۱

۱۰۵. نمایش تعهد جمعی همه‌ی آحاد و شور، شعور و تعهد سیاسی جوانان
یک تعهد جمعی را انسان در بین همه‌ی این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس میکند؛ یک تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای کوچک، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.
نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۶۳

سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره‌ی داغ انقلاب دلها را به هیجان می‌آورد، بعد هم در دوره‌ی جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسئولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست.^۱

۱،۷. تعلق همه‌ی رأی‌دهندگان چهار نامزد به جبهه‌ی انقلاب

همه‌ی کسانی که به این چهار نامزد رأی دادند، مأجورند؛ ان شاء الله اجر الهی دارند. همه‌شان در درون جبهه‌ی انقلابند، متعلق به نظامند؛ اگر با قصد قربت رأی داده باشند، عبادت هم کرده‌اند. خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهار و نیم میلیون که رأی به رئیس‌جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند.^۲

۱،۸. تعلق همه‌ی کاندیداها به نظام

این چهار نفری که وارد عرصه‌ی این انتخابات جدی شدند، همه‌شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس‌جمهور کشور ماست؛ رئیس‌جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست‌وزیر هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرماندهی سپاه در سالهای متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوه‌ی مقننه‌ی کشور بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

نظامند؛ اینها همه‌شان متعلق به نظامند. البته اختلاف نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهتگیری‌های گوناگون سیاسی با هم تفاوت‌های متعددی دارند؛ اما همه‌شان مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیس خبیث و دیگران هی می‌خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابسته‌ی به نظام؛ متعلق به نظام، و همه‌شان هم با این سوابق. همه‌شان را من از نزدیک میشناسم، افکارشان را میدانم، سلائقشان را میدانم، خصوصیات رفتاریشان را میدانم، با همه‌شان از نزدیک من کار کردم.

البته بنده همه‌ی دیدگاه‌های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهایشان و عملکردهایشان از نظر من بدون شک قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسبتر از بعضی دیگر میدانم؛ اما انتخاب به عهده‌ی مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیونها این طرف، میلیونها آن طرف. بنابراین، مسئله، مسئله‌ی درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مسئله را تغییر بدهند، این صد در صد مغرضانه و خباثت‌آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهارچوب نظام است.^۱

۱،۹. آزاد، جدی و شفاف بودن رقابتها

این رقابتها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۶۵

صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدی بود. این مناظره‌ها تو دهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ میکردند که این رقابتهای نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدی در مقابل هم ایستاده‌اند، با هم بحث میکنند، با هم استدلال میکنند. بنابراین مناظره‌ها و گفتگوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد.

۱.۹.۹.۱. نقاط مثبت مناظرات

آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره‌ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگوئی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگوئی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروه‌ها بدون ابهام، بدون پیچیده‌گوئی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاستهایشان چیست، برنامه‌هایشان چیست، پابندی‌هایشان کدام است، تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی‌آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه‌ی نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقتها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زبیتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم میخواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره‌ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصاب دوره‌های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و

آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره‌ها به سطح خیابانها هم کشیده شد، داخل خانه‌ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا میبرد. اینجور مباحثات و گفتگوها ذهنها را پرورش میدهد، قدرت انتخاب را بالا میبرد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است.

البته همین جا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آنوقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همین طور کش پیدا کند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه. البته خیلی خوب است که این جور مناظره‌هایی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند - البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد - و افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه یک انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهنها را روشن کند، تبیین کند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد. اگر این جور مناظره‌ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمیکند؛ همه‌ی حرفها در طول زمان گفته خواهد شد، شنیده خواهد شد؛ نقدها، پاسخها، جوابها. اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان میدید که در این مناظره‌ها جنبه‌ی منطقی مناظره ضعیف میشد؛ جنبه‌ی احساساتی و عصبی پیدا میکرد؛ جنبه‌ی تخریبی غلبه پیدا میکرد؛ سیاه‌نمایی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره‌ها دیده شد؛ سیاه‌نمایی دوره‌های گذشته هم در این مناظره‌ها

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۶۷

مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی‌انصافی‌هایی احياناً دیده شد؛ هم بی‌انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت، و هم بی‌انصافی نسبت به دولتهای گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابلای حرفهای خوب، حرفهایی هم که خوب نبود، گفته شد. بنده هم مثل بقیه‌ی آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره‌ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از اینکه نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریضها، آن تصریحها، التهاب‌آور و نگران‌کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود. بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریحترین اهانتها به رئیس‌جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی‌ها را برای من می‌آوردند و من میدیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمت‌هایی زدند، حرفهایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس‌جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس‌جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ‌گوئی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس‌جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.

۱،۹،۲. آسیب‌ها و عیوب مناظرات

این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه‌ی درخشان سی ساله‌ی انقلاب کم‌رنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچوقت رسم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعائی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمیشود اینها را رسانه‌ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمیشود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرفها مطرح میشود، تلقی‌های نادرست در جامعه به وجود می‌آید، جوانها چیز دیگری خیال میکنند، چیز دیگری میفهمند.

آقای هاشمی را همه میشناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیتهای بعد از انقلاب نیست؛ من از سال ۱۳۳۶ - یعنی ۵۲ سال قبل - ایشان را از نزدیک میشناسم. آقای هاشمی از اصلی‌ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز.

این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب میکرد و به مبارزین میداد. اینها را جوانها خوب است بدانند.

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۶۹

بعد از انقلاب ایشان مسئولیتهای زیادی داشت: هشت سال رئیس‌جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسئولیتهای دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب یک اندوخته‌ای درست کرده باشد. اینها یک حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساسترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس‌جمهور از همان انتخاب سال ۸۴ تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینه‌ی مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینه‌ی نحوه‌ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس‌جمهور به نظر بنده نزدیکتر است.

در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیتهای خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دل‌بستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.

مناظره‌های زنده‌ی تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیبها باید برطرف بشود. من همان وقت - بعد از مناظره - به آقای رئیس‌جمهور هم تذکر دادم؛ چون میدانستم ایشان ترتیب اثر میدهند.

در مورد مبارزه‌ی با فساد مالی، موضع نظام یک موضع روشنی است. در زمینه‌ی مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام یک موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه‌ای که هست، مبارزه کرد. من میخواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه‌ی هشت ماده‌ای را چند سال قبل

خطاب به رؤسای محترم سه قوه نمینوشتم و اینقدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالمترین نظام‌های سیاسی و اجتماعی در دنیاست. اینکه ما بیائیم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسئولین را بی‌جهت در زمینه‌ی فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوه‌ی مجریه، هم در قوه‌ی قضائیه، هم در قوه‌ی مقننه. همه موظفند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما اینکه بسیاری از کشورهای دنیا - همین کشورهای غربی که اینقدر دم از مبارزه‌ی با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها می‌زنند - تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه‌ی دنیا دانستند. این یک گوشه‌هایی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست.^۱

۲. آسیب‌شناسی

۲۰۱. تصور اینکه ۲۴ میلیون یک طرفند و ۱۴ میلیون طرف دیگر اینکه ما تصور کنیم که یک گروه مثلاً بیست و چهار میلیونی یک طرفند، یک گروه چهارده میلیونی یک طرفند، این به نظر من یک خطای بسیار بزرگی است؛ قضیه اینجور نیست. همه در یک طرف قرار دارند. آن کسانی که به رئیس‌جمهور منتخب این دوره‌ی از انتخابات رأی دادند، همانقدر وابسته‌ی به انقلاب و کشور و نظامند، که آن کسانی که رأی ندادند. مجموعه‌های

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹.

مردمی، فرزندان این کشورند؛ فرزندان این ملتند. این خطاست که ما این دو مجموعه‌ی رأی‌دهنده را که یک عده‌ای رأی به یک نامزدی دادند، یک عده‌ای رأی به آن نامزد ندادند، اینها را ما متخاصم و متقابل فرض کنیم؛ نه، در یک مسئله‌ای، در یک گزینشی، اینها سلیقه‌شان یک جور نبوده، لکن در اصل قضیه، در اعتقاد به نظام، در پشتیبانی از جمهوری اسلامی، همه‌ی اینها با هم یکی هستند. ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره؛ این مهم است. من معتقدم همه‌ی ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم.^۱

۲،۲. تبدیل فضای مردم‌سالاری بعد از انتخابات به فضای خصومت و تقابل

با ایجاد دشمنی همه‌تان مقابله کنید. این مخصوص یک نامزد یا یک ستاد یا یک مجموعه نیست؛ همه وظیفه دارند که با ایجاد تقار و دشمنی و کدورت مقابله کنند. بله، ممکن است کسانی همانطور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و اعتراض داشته باشند، که البته، راه‌های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست میکنم از آقایان مسئول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این هست که پاره‌ای از صندوقها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوقهای مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوقها را بازشماری کنند؛ خود نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

و ببینند، تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.

البته من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همه‌ی انتخاباتهای گذشته - شماها همه‌تان مسئولین هستید، بوده‌اید، ممشای بنده را میدانید - به مسئولین کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که میدانید در موارد متعدد، مسئولین از سلائق مختلف بودند، اما من به مقام مسئولی که میشناسم و قاعده‌ی کار او را میدانم، اعتماد میکنم. در این نوبت هم همین جور است؛ من اعتماد میکنم، اما این اعتماد من موجب نمیشود که اگر چنانچه شبهه‌ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهمتر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هر کسی به نحوی، هر کسی وظیفه‌ای دارد.^۱

۲،۳. تلاش بعضی افراد برای از بین بردن آرامش و وحدت ملی

در این قضایا همه موفق شدید، همه پیروز شدید؛ در این جهت که توانستید نظام مورد علاقه‌تان را تحکیم ببخشید. مردم همه پیروزند؛ به خاطر اینکه توانستند یک عظمتی و عزتی را از خودشان بروز بدهند. عده‌ای این را نمیخواهند و طبعاً خرابکاری میکنند، ایجاد اختلال میکنند، از این به آن حرف می‌برند، از آن به این حرف می‌آورند؛ غالباً هم خلاف. بنده چون از اطراف مختلف، حرفها به گوش من میرسد، می‌بینم این چیزهایی که این طرف از آن طرف می‌گوید، بعضاً خلاف واقع است؛ هم آن چیزهایی که آن طرف از این طرف بیان میکند، بعضاً خلاف واقع است. پیداست کسانی

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

در وسط نمیخواهند این اتحاد و اتفاق در کشور شکل بگیرد. این حالا آسان‌ترینش است، بدترش هم همین کارهای خرابکاری‌ای است که شما می‌بینید انجام می‌دهند، که البته همه باید در مقابل این خرابکاری‌ها بایستند، اعلام موضع کنند. همه بایستی بگویند.

این تخریب‌هایی که انجام می‌گیرد، این کارهای زشتی که انجام می‌گیرد، بعضاً جنایاتی که واقع می‌شود، مربوط به هیچکدام از این اطراف قضیه نیست؛ این مربوط به مردم نیست، مربوط به نامزدها نیست؛ مربوط به خرابکارهاست، مربوط به اخلاک‌گراهاست. نبادا کسی توهم کند و تصور بکند که این مربوط به این است که اینها طرفدار فلان نامزدند؛ نه، اینها مثل همان کسانی هستند که اختلافات مذهبی را بین مسلمانها راه می‌اندازند که ما مکرر گفته‌ایم اینها نه سنی‌اند، نه شیعه؛ شیعه را علیه سنی، سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، و در وضع اتحاد جامعه‌ی عظیم ما هم همین جور است. کسانی که یک طرف را علیه یک طرف تحریک می‌کنند، کارهایی می‌کنند به عنوان طرفداری از یک جهت، در حالی که حقیقتاً طرفداری از او نیست؛ اینها نه از این طرفند، نه از آن طرف. اینها کسانی هستند که با اصل نظام مخالفند، با آرامش کشور مخالفند، طرفدار تشنجند، طرفدار اغتشاشند، می‌خواهند آرامش نباشد.

هر کس سر کار باشد، اگر نتایج انتخابات غیر از این هم میشد، بنده به طور اطمینان میتوانم عرض بکنم که باز اینجور حوادثی دیده میشد، باز این حوادث پیش می‌آمد، برای اینکه اصلاً آرامش در کشور نباشد. آنها امنیت کشور را و آرامش کشور را هدف گرفته‌اند و می‌خواهند این را از بین ببرند. هیچکس نباید به این تشنج‌آفرینی و اغتشاش‌آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند.^۱

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

۲۰۴. رسیدن دامنه‌ی افراطی‌گری نخبگان سیاسی به جاهای بسیار حساس در

بدنه مردم

آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریان‌های سیاسی، و یک عده‌ای از اینها حرف‌شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه‌ی این افراطی‌گری در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمیتوانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن میزند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خونها و خشونتها و هرج و مرجها، آنهایند.

من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین‌کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمیدارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.^۱

۳. توصیه‌ها

۳،۱. حمایت یک‌پارچه‌ی همه از رئیس‌جمهور منتخب و کمک به او
گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۷۵

بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدايند. به همه آحاد مردم و بویژه جوانان عزیز که سرزنده‌ترین نقش آفرینان این حادثه‌ی شورانگیز بودند، توصیه می‌کنم که کاملاً هشیار باشند.

همواره باید شنبه‌ی پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر نامزدهای محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحریک‌آمیز و بدگمانانه پرهیز کنند. رئیس‌جمهور منتخب و محترم، رئیس‌جمهور همه‌ی ملت ایران است و همه و از جمله رقیبان دیروز باید یکپارچه از او حمایت و به او کمک کنند. بی‌شک این نیز امتحانی الهی است که موفقیت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب کند.^۱

۳،۲. حفظ اتحاد ملی و جلوگیری از انشقاق و دشمنی

ما باید سعی کنیم، دقت کنیم که انتخابات مایه‌ی انشقاق نشود؛ این حرف اصلی من است.

من معتقدم همه‌ی ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم. یعنی این اتحاد ملی را در گفتن و اعلام صریح حمایت از نظام اسلامی راه، دست‌کم نگیریم؛ این چیز بسیار مهمی است. امروز نظام اسلامی نشان دارد می‌دهد که مردم‌سالاری واقعی در او حکمفرماست. مردم می‌آیند می‌نشینند پای صحبت نامزدهای مختلف، گوش می‌کنند، بعد در حدود شاید ده روز، پانزده روز در خیابانها حضور فعال دارند. این به نظر من خیلی مسئله‌ی مهمی است. ما باید به این شبهای گوناگون و متعددی که در خیابانهای تهران و بعضی از شهرستانهای دیگر مردم جمع میشدند و بعضی از این نامزد، بعضی از آن نامزد حمایت

۱. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مردم در مورد دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری

میکردند، شعار میدادند و هیچگونه درگیری بین اینها وجود نداشت، افتخار بکنیم؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم ما اینند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار میکنند. آقای مهندس موسوی برای من نقل میکردند که توی یک خیابانی که ایشان میرفته، ماشینی با ماشین ایشان همراه میشوند. آنها شروع میکنند حرفی و شعاری را که علیه آقای موسوی بوده، با خنده گفتن، آقای موسوی گفت من هم خندیدم و به آنها دست تکان دادم اینجوری و عبور کردم. خوب، این فضا خیلی فضای خوبی است. این فضا بعد از انتخابات نباید تبدیل بشود به فضای خصومت و تقابل؛ عده‌ای این را میخواهند در جامعه تحقق ببخشند. این خلاف واقع است.^۱

۳،۳. کمک نکردن به تشنج آفرینی

هیچکس نباید به این تشنج آفرینی و اغتشاش آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. کما اینکه مواضع حقیقی شماها هم جز این نیست. صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواست آنها نیست. و هر کاری که تشنج آفرین باشد، واقعاً نکنند؛ یعنی همدیگر را عصبانی نکنند.^۲

۳،۴. حلم و بردباری و ترویج آن میان نخبگان و آحاد مردم

هم آن طرفی که توانسته اکثریت را به دست بیاورد، ملاحظاتی لازم است بکند، توجهاتی بکند، مراقبتهایی در کیفیت رفتار و حرکت انجام بدهد، هم آن طرفی که این رأی اکثریت را کسب نکرده، او هم مراقبتهایی لازم دارد.

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

۲. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۷۷

همه باید حلم داشته باشند. حلم اسلامی که ما در فارسی او را بردباری معنا میکنیم، معنایش توان تحمل و ظرفیت تحمل است. همه باید ظرفیت تحمل داشته باشند، بتوانند تحمل کنند؛ تحمل پیروزی هم کار آسانی نیست، تحمل عدم پیروزی هم کار آسانی نیست. حلم داشتن و تحمل کردن و ظرفیت پیروزی و عدم پیروزی را داشتن، یکی از فضائل انسانی است؛ ما باید این را هم در نخبگان، هم در آحاد عظیم مردم ترویج بکنیم.^۱

۳،۵. موضع صریح گرفتن (نخبگان)

هیچکس نباید به این تشنج آفرینی و اغتشاش آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. کما اینکه مواضع حقیقی شماها هم جز این نیست. صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواست آنها نیست.^۲

۴. جهت گیری دشمن

۴،۱. تلاش برای نمایش انتخابات به عنوان دعوی بین طرفداران و مخالفان نظام امروز دیپلماتهای برجسته‌ی چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف میزدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهره‌ی واقعی خودشان را دارند نشان میدهند؛ «قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر» دشمنی‌های خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان میدهند؛ از همه هم خبیث‌تر دولت انگلیس.^۳

بنده در این دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمریکا و دولتمردان

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

۲. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

چند کشور اروپایی را دنبال کردم؛ در این هفته‌های نزدیک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم این دو سه روز بعد از انتخابات. یک وضع متغیر و متفاوتی داشت. اول، قبل از شروع انتخابات جهتگیری رسانه‌هایشان، دولتمردانشان، این بود که در اصل انتخابات ایجاد تردید کنند، شاید شرکت مردم کم بشود.^۱

اینی که دشمنان سعی میکنند در رسانه‌های گوناگون - که غالباً هم این رسانه‌ها مال این صهیونیستهای خبیث و رذل است - اینجور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، این جور نبود؛ آنها غلط میکنند این حرف را میزنند؛ این واقعیت ندارد.^۲

۴،۲. تردید در انتخابات و در هم شکستن اعتماد مردم به نظام و هدف آنها
 بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به یک پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتی بعضی خواستند این را به یک شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند.

میخواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸۳/۲۹

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸۳/۲۹

کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را میخواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها میخوانند، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. میخواستند زمینه را آماده کنند. من آنوقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن میخواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگوئید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن میخواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند.^۱

۴،۳. تلاش برای موجسواری با مشاهدهی اعتراض بعضی نامزدها

وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موجسواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولتهای چند تا کشور اروپائی و آمریکا حرفهائی زدند که باطن آنها را به انسان نشان میداد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقهی به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را

۱. خطبههای نماز جمعهی تهران ۸۸/۳/۲۹

بزنند. کدام را ما باور کنیم؟

در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتش‌سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه‌های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه‌ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تجاوز اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست‌نشانندگان سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است. این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سر زد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است! (۱) یک سرمایه‌دار صهیونیست آمریکائی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه‌ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمقها خیال کردند جمهوری اسلامی، ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه میکنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناختند.^۱

۵. تذکرات

۵.۱. دو جناح و دو گروه همدیگر را عصبانی نکنند

دو جناح و دو گروه، همدیگر را عصبانی نکنند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شان پیروز شده، جوری حرف بزنند، جوری رفتار کنند که آن

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۸۱

طرف مقابل را عصبانی کند، جریحه‌دار کند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه‌شان رأی نیاورده، جوری حرف بزنند، جوری اقدام کنند که آن طرف را عصبانی کند؛ نه، همه یک جهت مشترک دارید که آن عبارت است از حضور در این صحنه‌ی انتخابات و دفاع از نظام اسلامی؛ این اساس قضیه است، این آن چیزی است که دل ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را راضی می‌کند و خشنود می‌کند.^۱

۵،۲. مخدوش و خراب نکردن رأی چهل میلیونی

در بعضی از تلویزیونهای خارجی صفوف مردم را که صف کشیده بودند، نشان دادند. این افتخاری است برای کشور؛ ما این را مخدوش نکنیم، این را خراب نکنیم، این مال مردم است. همین رأی‌دهندگان از دو طرف، هم طرف آن کسانی که رأی دادند به نامزد منتخب، هم آن کسانی که رأی ندادند به نامزد منتخب و به دیگری رأی دادند - که مجموعاً مثلاً حدود چهارده میلیون میشوند - همه‌شان در ایجاد این حماسه‌ی بزرگ سهیم بودند.^۲

۵،۳. یادآوری آخرین وصایای امام(ره)

من به این برادران عرض می‌کنم، به مسئولیت پیش‌خدا‌ی متعال فکر کنید: پیش‌خدا مسئولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه‌ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم بشود که

۱. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

۲. بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات ۸۸/۳/۲۶

مردم چی میخوهند، چی نمیخوهند؛ نه در کف خیابانها.^۱

۵.۴. مشاهده دست‌های دشمن

من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان برمیدارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید.^۲

۶. هشدارها

۶.۱. هوشیاری و مواظبت برای جلوگیری از اشتباه

خطاب من به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من میخواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز یک لحظه‌ی حساس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایه‌ی ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه‌ی حساسی از تاریخ قرار گرفته‌ایم. همه‌ی ما وظیفه داریم که در این مرحله‌ی تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم.^۳

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۳/۲۹

۶،۲. خاتمه دادن به اردو کشی خیابانی

انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه‌ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم بشود که مردم چی میخواهند، چی نميخواهند؛ نه در کف خیابانها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهائی که رأی نیاوردند، اردو کشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهائی که رأی آورده‌اند هم، در جواب آنها، اردو کشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما میخواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذی تروریست - آن کسی که میخواهد ضربه‌ی تروریستی بزند - مسئله‌ی او مسئله‌ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که میخواهند راهپیمائی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آنوقت مسئولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه‌ی این واکنشها با کیست؟ انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجویها را - آن هم دانشجویهای مؤمن و حزب‌اللهی را، نه آن شلوغ‌کن‌ها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث. زور آزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست،

بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم‌سالاری است. من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آنهاست.

این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.^۱

۷. راهکار، رسیدگی از راه قانونی

به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود. جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.

به یاری پروردگار انتخابات با اتقان، صحت و آرامش خوبی برگزار شد و شما هم مسائل مورد نظر را از طریق قانونی پیگیری کنید.^۲ ممکن است کسانی همانطور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و

۱. خطبه‌های نماز جمعه ۸۸/۳/۲۹

۲. بیانات در دیدار آقای میرحسین موسوی ۸۸/۳/۲۵

اعتراض داشته باشند، که البته، راه‌های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست میکنم از آقایان مسئول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این هست که پاره‌ای از صندوقها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً یک مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوقهای مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوقها را بازشماری کنند؛ خود نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند، تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.

البته من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همه‌ی انتخاباتهای گذشته - شماها همه‌تان مسئولین هستید، بوده‌اید، ممشای بنده را میدانید - به مسئولین کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که میدانید در موارد متعدد، مسئولین از سلائق مختلف بودند، اما من به مقام مسئولی که میشناسم و قاعده‌ی کار او را میدانم، اعتماد میکنم. در این نوبت هم همین جور است؛ من اعتماد میکنم، اما این اعتماد من موجب نمیشود که اگر چنانچه شبهه‌ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهمتر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هر کسی به نحوی، هر کسی وظیفه‌ای دارد.^۱

جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. ساز و کارهای قانونی

انتخابات در کشور ما اجازهی تقلب نمیدهد. این را هر کسی که دست‌اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق میکند؛ آن هم در حد یازده میلیون تفاوت! یک وقت اختلاف بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، یک میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید یک جوری تقلب کردند، جابه جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور میشود تقلب کرد! در عین حال بنده این را گفتم، شورای محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبهه دارند و مستندات ارائه میدهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعتهای غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوبهای قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده‌اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، بر طبق قانون. اگر واقعاً شبهه‌ای هست، از راه‌های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همانطور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوقها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند.

قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید.

این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۲ خرداد / ۸۷

هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.

من از همه‌ی این دوستان، این برادران، می‌خواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید. و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را می‌خواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرمی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن می‌خواهد خراب کند. البته اگر کسانی بنخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آنوقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریحتر از این صحبت خواهم کرد.^۱

فصل سوم

حوادث پس از انتخابات

۱. فتنه، ماهیت حوادث بعد از انتخابات

اینها ایجاد فتنه میکند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود میکند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم میگیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل میکنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد میکند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) هست: «و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمیزجان فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ یک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطل مخلوط

میکنند، حق بر اولیاء حق مشتبه میشود. اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا میکند.^۱

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک رفراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال ۸۸، کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.^۲

۱.۱.۱. معنای فتنه

فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره‌ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. اینی که امیرالمؤمنین فرمود: «انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع واحكام تبدع»، تا آنجائی که میفرماید: «فلو ان الباطل خالص من مزاج الحق لم یخف علی المرتدین»؛ اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق هستند، امر برایشان مشتبه نمیشود؛ میفهمند این باطل است. «و لو ان الحق خالص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندین»؛ حق هم اگر چنانچه بدون پیرایه بیاید توی میدان، معاند دیگر نمیتواند حق

۱. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۸۸/۹/۲۲

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۸۹/۷/۲۷

را متهم کند به حق نبودن. بعد میفرماید: «و لیکن یؤخذ من هذا ضغث و من ذاک ضغث فیمزجان»؛ فتنه‌گر یک تکه حق، یک تکه باطل را میگیرد، اینها را با هم مخلوط میکند، در کنار هم میگذارد؛ «فحینئذ یشبته الحقّ علی اولیائه»؛ آن وقت کسانی که دنبال حقند، آنها هم برایشان امر مشتبه میشود. فتنه این است دیگر.

خوب، حالا در مقابل یک چنین پدیده‌ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم میکند و شرع هم همین را قاطعاً بیان میکند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می‌بینید یک حرکتی به بهانه‌ی انتخابات شروع میشود، بعد یک عامل «دشمن»ی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی می‌بینید عامل دشمن - که حرف او، شعار او حاکی از مافی‌الضمیر اوست - آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند؛ بیشتر از همه، خواص؛ و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر: مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چی میگوید. اینجور نباشد که باطل، خودش را در لابه‌لای گرد و غبار برخاسته‌ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه‌ی حق نداند از کجا دارد ضربه میخورد. این است که حرف دو پهلو زدن، از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این، مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه‌ی گرایشهایی که در مجموعه‌ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم میکنند، مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کُشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین

و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می‌آیند وارد میدان میشوند، حرف میزنند، موضع میگیرند، خوب، باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است، در مقابل این چه موضعی دارد؛ حاضر است تبری بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟

وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی میکنند، با عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال میبرند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دوپهلوی حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضاست؛ این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف‌سازی نیست. شفاف‌سازی، دشمن دشمن است؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفاف‌سازی کمک میکند و کی به غبارآلودگی کمک میکند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.^۱

۱،۲. توطئه‌های پشت فتنه سال ۸۸

من به شما عرض کنم؛ چند سالی که بگذرد، آن وقت قلمهای بسته شده‌ی آگاهان بین‌المللی روان خواهد شد، باز خواهد شد، خواهند نوشت. ممکن است من آن روز نباشم، اما شماها هستید؛ خواهید شنید، خواهید خواند که چه توطئه‌ی بزرگی پشت فتنه‌ی سال ۸۸ بود. این فتنه خیلی چیز مهمی بود، قصدشان خیلی قصد عجیب و غریبی بود؛ در واقع میخواستند ایران را تسخیر کنند. اینهایی که عامل فتنه بودند - توی خیابان، یا بعضی

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۸۸/۱۰/۲۹

از سخنگویانشان - اغلب ندانسته وارد این میدان شده بودند؛ اما دست‌هایی اینها را هدایت میکرد، نمیفهمیدند. حالا این که چطور بعضی‌ها وارد این میدان شدند، چطور ندانسته به دشمن کمک کردند، خودش تحلیل‌های دقیق روانشناختی دارد؛ اما واقعیت قضیه این است که عرض کردم. این مسئله خیلی کار بزرگی بود؛ این کار را شما جوانها به سامان رساندید.^۱

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه‌ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ متتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه‌ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان میگوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نایستی انسان بازبچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگرانی بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. طراحی این بود که اگر توانستند قاعده‌ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار میکردند؛ اگر هم قاعده‌ی حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشاند؛ با خیال خودشان - من یک وقتی گفتم - کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل سایه‌هائی که حرکت یک قهرمان را تقلید میکنند، ادای قهرمانها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه‌شان این بود. ملت ایران توی دهن اینها زد و

۱. بیانات با دانش‌آموزان در آستانه‌ی ۱۳ آبان ۸۹/۸/۱۲

بساط اینها را جمع کرد.^۱

۱،۳. نقش جوانان در به سامان رساندن فتنه ۸۸

امروز به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی جوانها حاضرند، در صحنه‌اند؛ این خیلی چیز مهم و بزرگی است. شما جوانها خط مقدم این حرکت هستید؛ هم در میدانهای سیاسی، هم در میدانهای اقتصادی، هم در میدانهای علم. در میدان سیاسی، فتنه‌ی سال ۸۸ را جوانهای ما خواباندند. بیش از عوامل گوناگون دیگر، جوانهای ما، همین شما دانش‌آموزها، همین شما دانشجویها نقش داشتید؛ و الا فتنه، فتنه‌ی بزرگی بود.^۲

۱،۴. عبور از فتنه سال ۸۸ یک امتحان الهی برای دستیابی به تعالی و ترقی

امتحان یعنی عبور از وادی محنت. یک محنتی را، یک شدتی را جلوی پای یک انسانی یا یک ملتی میگذارند؛ عبور از این محنت، امتحان است. اگر توانست عبور کند، به آن منزل مقصود میرسد؛ اگر نتوانست - نتوانست استعداد مندرج در وجود خود را بروز دهد، نتوانست بر هوای نفس غالب بیاید و عبور کند - میماند؛ امتحان این است. امتحان الهی برای این نیست که خدا ما را بشناسد، ببیند ما در چه وزنی، در چه حدی هستیم؛ خود امتحان در حقیقت یک گام است به سوی مقصد. من و شما که امتحان میشویم، معنایش این است که اگر توانستیم از این شدت و از این محنت عبور کنیم، یک وضع جدیدی، حیات جدیدی، مرحله‌ی جدیدی را به دست می‌آوریم. در این خصوص، یک ملت و یک شخص تفاوتی نمیکند.

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۸۹/۱۰/۱۹

۲. بیانات با دانش‌آموزان در آستانه‌ی ۱۳ آبان ۸۹/۸/۱۲

در سال گذشته ملت ایران از یک امتحان عبور کرد، از یک فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت یک وضع جدیدی پیدا کرد؛ یک توانائی تازه‌ای در او به وجود آمد. تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحانهاست. اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غالب بیائیم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما یک مرتبه‌ی جدیدی از حیات به وجود می‌آورد؛ این یک تعالی است، یک ترقی است.^۱

امروز انقلاب، جمهوری اسلامی، ملت ایران، خط صحیح دین در این کشور، از پیش از قضایای سال گذشته بمراتب قوی‌تر است، روشن‌تر است. علت همین است: خدای متعال هر امتحانی که میکند، یک نمره میدهد. وقتی در یک امتحانی، یک کسی، یک جمعیتی، یک ملتی قبول شدند، خدای متعال به اینها نمره میدهد؛ نمره این است که اینها را بالا می‌آورد. امتحانهای الهی اینجوری است. همین طور که اگر در امتحان بد عمل کنیم و امتحان را ببازیم، خدای متعال نمره‌ی مردودی میدهد و آن مردودی عبارت است از تنزل و انحطاط - انسان از آنی که بود، بدتر میشود - در قبولی هم همین جور است؛ ملتها را بالا میبرد.

در یک دوره‌ای مردم در یک امتحانی شکست خوردند، امیرالمؤمنین را در محراب عبادت به خون کشیدند. خوب، امتحان بدی بود. چرا باید وضع جامعه‌ای به آنجا برسد که کسی مثل آن مجسمه‌ی عدالت و معنویت و توحید، به دست اشقی الناس به خون کشیده شود؟ این نشان‌دهنده‌ی امتحان

۱. بیانات در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان ۸۹/۸/۲۶

بدی بود که مردم دادند. وقتی این امتحان را دادند، مردود شدند؛ لذا خدا اینها را پائین آورد؛ کارشان به آنجا رسید که حسین بن علی را جلوی چشم آنها کشتند!

وقتی امتحان خوب بدهید، خدا شما را بالا میبرد. امروز خط اسلام، خط ایمان بالله، خط انقلاب در کشور و در میان ملت، خیلی قوی‌تر، پررنگ‌تر و بالاتر است از آنچه که قبل از این فتنه بود. چرا؟ چون مردم، خوب امتحان دادند. این، نمره‌ی الهی است. این شد برای ما دستورالعمل. در همه‌ی قضایا باید اینجوری عمل کرد. باید درست دید، درست سنجید، درست محاسبه کرد. مواظب باشیم در تشخیص اشتباه نکنیم؛ قضایای اصلی را با قضایای فرعی جابه‌جا نکنیم؛ چیزهای بزرگ، حوادث بزرگ و مهم را کوچک نبینیم و در مقابل، حوادث کوچک را بزرگ بینگاریم؛ باید درست تشخیص بدهیم. این قدم اول. بعد هم احساس مسئولیت کنیم. یک ملت زنده، حیات طیبه‌اش این است. حیات طیبه‌ای که خدای متعال به مؤمنین وعده داده است - «و لنحییته حیاة طیبة» - یعنی این؛ یعنی همین طور روزبه‌روز در امتحانهای گوناگون، حرکت کردن و پیش رفتن. آن کسانی که در خلال این راه از دنیا میروند، به لقاء الهی میرسند، مراتب بالای سعادت را دارند؛ آن کسانی هم که میمانند، همین طور در دنیا هم پیشرفت معنوی و مادی میکنند. پیشرفت مادی هم هست.^۱

۲. ماجرا

تفسیر کوتاهی که از حوادث بعد از انتخابات در طول چند ماه می‌شود

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۳۹۰/۱۹

ارائه کرد، عبارت از این است که دشمنان کشور و دشمنان نظام جمهوری اسلامی بعد از گذشت سی سال، همه‌ی تلاش خود و توان خود و نیروهای خود را متمرکز کرده‌اند برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه‌ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی‌نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه‌ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه‌ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه‌ی سربلندی ملت ایران است.^۱

۲.۱. شروع طراحی‌ها و برنامه‌ریزی دشمن از قبل از انتخابات

به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه‌ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست‌اندرکار بودند، که اینها دست‌نشانده‌ی بیگانه‌هایند یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم - اما آنی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه‌ی نشانه‌ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.^۲

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از

۱. پیام نوروزی سال ۸۹ / ۸۹/۱/۱

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها میخوانند، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. میخواستند زمینه را آماده کنند. من آنوقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن میخواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگوئید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است.^۱

نمیشود قبول کرد که جبهه‌ی دشمنان اسلام و انقلاب که شدت از ناحیه‌ی بیداری اسلامی تهدید میشوند، برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ این را هیچ کس نمیتواند باور کند، مگر خیلی ساده‌لوح باشیم، غافل باشیم که این را باور کنیم. حتماً برنامه‌های بلندمدت دارند؛ کم‌اینکه همین حوادثی هم که گاهی می‌بینید در کشور اتفاق می‌افتد که دست بیگانه در آن نمایان است، چیزهای دفعتاً به وجود آمده نیست، خلق‌الساعه نیست؛ اینها هم برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت بوده است. برنامه‌ریزی کردند، نتیجه‌ی این برنامه‌ریزی شده این. نه اینکه همان شب تصمیم گرفتند این کار را بکنند و فردا اقدام کردند؛ نه، من در همین فتنه‌ی ۸۸ به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم؛ حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن، برنامه‌ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام برنامه‌ریزی وجود داشت؛ اثر آن برنامه‌ریزی در سال ۷۸ ظاهر شد؛ مسائل کوی دانشگاه و آن قضایائی که اغلب یادتان هست، بعضی هم شاید درست یادشان نباشد. قضایائی که سال گذشته پیش آمد، یک تجدید حیاتی بود برای آن برنامه‌ریزی‌ها. البته سعی کردند با ملاحظه‌ی وقت و جوانب گوناگون، این کار را انجام دهند؛ که خوب، بحمدالله شکست خوردند، باید هم شکست می‌خوردند.^۲

۱. بیانات در نماز جمعه تهران ۸۸/۳/۲۲

۲. بیانات در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم ۸۹/۸/۴

۲,۲. تجاوب (پاسخ دادن) نسبی جمعی از مردم تهران

بعد از انتخابات که تحرکاتی از طرف بعضی‌ها شروع شد، یک تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند؛ فکر کردند آنچه که تصور میکردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند. لذا دیدید که این دستگاه‌ها و وسائل رسانه‌ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره‌ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند؛ صریح وارد میدان شدند.^۱

۲,۳. زیر سوال رفتن اصل حضور مردم در انتخابات بدون استدلال و به دروغ

زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را میندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت، یک نصاب شکنی، یک رکورد شکنی در دنیا در مردم‌سالاری، در دموکراسی‌ای که اینقدر ادعایش را میکنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری باید منصف بود توی این قضایا. قبلاً امیدوار نبودند که این کار بگیرد؛ بعد دیدند نه، گرفت؛ لذا سریع وارد میدان شدند.^۲

دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. یک عده هم هستند در داخل کشور، از اول با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند - مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند - از این فرصت استفاده کردند، دیدند

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

عناصری وابسته‌ی به خودِ نظام، از خودِ نظام، دارند این جور میدان‌داری میکنند، اینها هم وقت را مغنم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید. من روز اول این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه‌گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اول من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر یک وقتی توی نماز جمعه یک حرفی میزنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام میگیرد، وقتی انسان ناچار میشود، یک حرفی را می‌آورد در علن بیان میکند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع میکنید، اما نمیتوانید تا آخر کنترل کنید؛ می‌آیند دیگران سوءاستفاده میکنند.

آنی که وارد عرصه‌ی سیاست میشود، باید مثل یک شطرنج‌باز ماهر هر حرکتی را که میکند، تا سه تا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش‌بینی کند. شما این حرکت را میکنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که تو چه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تو در میمانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی - حالا تعبیر بهترش این است - توی این کار، توی این بازی، توی این حرکت، ناشی هستی، ناواردی. اینها نمیفهمند چه کار میکنند؛ یک حرکتی را شروع میکنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور درخواست خواهند ماند؛ مات خواهند شد. اینها را باید محاسبه میکردند. مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردن مجموعه‌ای از مردم - آنها هیچ نیت سوئی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده‌شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب - با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینها کارهای کوچکی نیست.^۱

دشمن بداند با چه حقیقتی روبه‌رو است؛ در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این جور کارهای پیش پا افتاده میتوان به زانو درآورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷، یک کاریکاتور از آن انقلاب، میتوانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرفها شکست نخواهد خورد.

این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ». با تقلید از رهبر عزیز و عظیم‌الشان انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه‌ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند.^۱

۲,۴. دخالت دشمن

بعضی از سران کشورهای غربی در سطح رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و وزیر خارجه و مسئولان گوناگون، صریحاً در مسئله‌ی داخلی ملت ایران دخالت کردند. به شما چه؟ چرا در ماجرائی که مربوط به ملت ایران است، دخالت میکنید؟ دخالت میکنند، بعد هم میگویند ما دخالت نمیکنیم؛ پس دخالت معنایش چیست؟ تشویق اغتشاشگری دخالت نیست؟ مردم ایران را اغتشاشگر معرفی کردن، دخالت نیست؟ اهانت نیست؟ دو دسته، یک

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۸۸/۵/۱۲

دسته به یک نامزد، یک دسته به یک نامزد دیگر رأی دادند، اکثریت و اقلیتی هست، قواعدی هست، آن کسانی که نامزدشان رأی نیاورده، طبیعی است افسرده باشند، اوقاتشان تلخ باشد؛ اما این معنایش اغتشاش نیست؛ اینها اغتشاشگر نیستند. اغتشاشگر یک عده‌ی معدودی هستند؛ همانهایی که بودجه‌ی تصویب شده‌ی بعضی از دولتهای غربی را برای ایجاد اختلاف در داخل ایران مصرف میکنند، آنها اغتشاشگرند. در رسانه‌های آمریکائی و اروپائی - که غالباً تحت سلطه‌ی صهیونیستهایند و از بُن دندان دشمن ملت ایران و دشمن اسلام و دشمن نظام جمهوری اسلامی‌اند - اینجور وانمود میکنند که جمعی از ملت ایران اغتشاشگرند.

ما اخطار میکنیم؛ ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی میکنند از یک مسئله‌ی داخلی کشورمان علیه ملت ایران استفاده کنند، اخطار میکند: حواستان جمع باشد، ملت ایران عکس‌العمل نشان میدهد.^۱

حالا تا گفته میشود دشمن خارجی، فوراً خارجی‌ها با چهره‌ی حق‌به‌جانب می‌آیند که نه، ما دخالتی نداریم، ما کاری نکردیم. این بی‌حیائی است؛ همه می‌بینند. حالا آن کاری که دستگاه‌های اطلاعاتی و دیگران کشف می‌کنند و دخالت‌ها را می‌دانند، آن به کنار؛ آن چیزی که همه دارند مشاهده می‌کنند، نقش رسانه‌هاست که مهمترین نقش را در این چند ده سال اخیر، رسانه‌ها در تحولات ملتها داشته‌اند.

من یک وقتی، چند سال قبل از این به عنوان هشدار، اینجا گفتم که رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی وابسته‌ی به استکبار، میداندارترین عناصر دشمنان استقلال ملتها برای به آشوب کشیدن ملتها هستند؛ برای اینکه اینها را از مسیری که دارند حرکت میکنند، منصرف کنند. و چند تا کشور را

۱. بیانات در زادروز میلاد امیرالمومنین (ع) ۸۸/۴/۱۵

مثال زدیم. خوب، امروز نسبت به آن چند سال قبل که ما این حرف را زدیم، وسائل ارتباطاتی خیلی گسترده‌تر، وسیع‌تر، همگانی‌تر و متنوع‌تر شده است. دشمنان دارند کار میکنند، آن وقت میگویند ما هیچ کاری نمیکنیم! ما هیچ اقدامی نمیکنیم!

دستورالعمل‌هایشان برای گروه‌های غافل و نادان اغتشاشگر توی رسانه‌های خودشان به طور علنی دارد پخش میشود: اینجوری با پلیس درگیر بشوید؛ اینجوری علیه بسیج حرف بزنید؛ اینجوری توی خیابان اغتشاش ایجاد کنید؛ اینجوری تخریب کنید؛ اینجوری آتش بزنید؛ اینها دخالت نیست؟ از این دخالت واضح‌تر؟ علنی‌تر؟ این را مردم ما به چشم دیدند. اینها برای ملت ما تجربه است. اشتباه است اگر کسی خیال کند که یک گروه معدود، آن هم در تهران، فرض بفرمائید به ظرف زیبالی شهرداری تعرض میکند - زورش به او میرسد - یا فرض کنید به اموال مردم - به موتورسیکلتشان، به ماشینشان، به بانکشان، به دکانشان - تعرض میکند، این مردمند؛ نه، مردم نیستند. بله، بلندگوی استکباری وقتی میخواهد از اینها حمایت کند، میگوید مردم. اینها مردمند؟! مردم آن میلیون‌هائی هستند که تا این اغتشاشگران را، این مفسدین را در صحنه می‌بینند، کنار میکشند و آنها را با نفرت نگاه میکنند؛ برهم‌زنندگان امنیت عمومی را، آرامش اجتماعی را با انزجار نگاه میکنند.^۱

وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج‌سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش‌یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش‌یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان

را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولتهای چند تا کشور اروپائی و آمریکا حرفهائی زدند که باطن آنها را به انسان نشان میداد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه‌ی به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟^۱

۲.۵. وقوع برخی تخلفات و جنایات در خلال حوادث پس از انتخابات

الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه‌ی این واکنشها با کیست؟ انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجوها را - آن هم دانشجوهای مؤمن و حزب‌اللهی را، نه آن شلوغ‌کنها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث.^۲

۳. کلید فهم، اصلی و فرعی کردن حوادث پس از انتخابات

یک عده‌ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل

۱. بیانات در نماز جمعه تهران ۸۸/۳/۲۹

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۸/۳/۲۹

ملتها به وسیله‌ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده میگیرند، فرضاً مسئله‌ی فلان حادثه را، زندان کهریزک را، یا قضیه‌ی کوی را قضیه‌ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد میکنند؛ این خودش یک ظلم دیگر است. مسئله‌ی اصلی، مسئله‌ی دیگری است. مسئله‌ی اصلی این است که مردم در یک حرکت عظیمی، در یک انتخابات پرشور خوب کم‌نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین طور پی‌درپی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین‌المللی برای خودش کسب کرده بود، در یک مرحله‌ی عالی از امتیاز و آبرو قرار میدهد، بعد ناگهان مشاهده میکنیم یک حرکتی صورت میگیرد برای نابود کردن این حادثه‌ی افتخارآمیز! مسئله‌ی اصلی این است.^۱

بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه میکنم؛ نه اینکه حالا همه‌ی صفحات لائی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیترها، اگر سرمقاله‌ی قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه میکنم. خیلی از روزنامه‌های ما متأسفانه در انعکاس حقائق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیرمنصفانه عمل میکنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسئله‌ی اصلی چیست؛ یک سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه اینکه آن مسائل فرعی کم‌اهمیت است، اما مسئله‌ی اصلی اهمیتش بیشترش از آنهاست.

مسئله‌ی اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را میندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت، یک نصاب‌شکنی، یک رکوردشکنی در دنیا در

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

مردم‌سالاری، در دموکراسی‌ای که اینقدر ادعایش را میکنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلم بیانند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری باید منصف بود توی این قضایا.

مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردن مجموعه‌ای از مردم - آنها هیچ نیت سوئی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده‌شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب - با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینها کارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید، آن حرکت‌های جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمیتمش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهمتر بودن این را هم در نظر داشته باشید.^۱

۴. باز یگران

۴.۱. کارنامه مردم و خواص

در همین قضایای انتخابات پرشور بیست و دوی خرداد که یک حرکت عظیمی از ملت ایران بود، کار بزرگی انجام گرفت. این حضور چهل میلیونی تقریباً در پای صندوقهای رأی، یعنی نسبت هشتاد و پنج درصدی کسانی که میتوانستند شرکت کنند، در دنیا جزو رقمهای بی نظیر است. این خیلی برای ملت ایران آبرو ایجاد کرد، خیلی اقتدار برای این ملت بزرگ آفرید؛ برای انقلاب آبرو شد؛ نشان داد که انقلاب بعد از گذشت سی سال، اینجور قدرت و توانائی به صحنه آوردن مردم را دارد.^۲

۱. بیانات در دیدار نخبگان علمی ۸۸/۸/۶

۲. بیانات در زادروز میلاد امیرالمومنین (ع) - ۸۸/۴/۱۵

امتحان‌هایی هم در این انتخابات پیش آمد. یک امتحان، امتحان آحاد مردم بود. به نظر من مردم در این امتحان برنده شدند؛ نمره‌ی قبولی گرفتند. حضور عظیم مردم، یک امتحان عظیمی بود که آنها را سرافراز کرد. بسیاری از آحاد مردم، از جریان‌های سیاسی، طبق وظیفه‌شان عمل کردند. بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضی‌ها را مردود کرد. برخی از جوانان ما که با صداقت، با سلامت وارد میدان وظیفه می‌شوند، به رغم هوشیاری‌هایشان، در مواردی اشتباه کردند. بسیاری از جوانان این کشور هم با همان ایمان، با همان صداقت، حرکت درستی کردند. به کسی اعتقاد پیدا کردند، به او رأی دادند؛ یا آن کس رأی آورد یا نیامرد. ملاک این نیست. ملاک این است که انسان عقیده‌ای پیدا کند، هوشیارانه، از روی احساس وظیفه، احساس تکلیف، وارد میدان این عمل سیاسی و حرکت سیاسی بشود. بعد هم همه تسلیم قانون باشند. اکثر قاطع ملت ما - از جوانها، از نخبگان، از توده‌ی عظیم مردم - در این ردیف قرار گرفته‌اند و در این امتحان مقبول شده‌اند. یک عده هم البته فریب خوردند.^۱

در آغاز سال ۸۸ مردم با حضور بی‌سابقه‌ی خود انتخاباتی را ساماندهی کردند که در تاریخ انقلاب ما - و البته در تاریخ طولانی کشور ما - سابقه نداشت و یک نقطه‌ی برجسته و اوج به حساب می‌آمد. در طول ماه‌های بعد از انتخابات هم مردم در امتحانی بزرگ، در حرکتی عظیم و سرنوشت‌ساز، حضور خود، اراده‌ی خود، ایستادگی خود، عزم ملی خود و بصیرت خود را نشان دادند.

تفسیر کوتاهی که از حوادث بعد از انتخابات در طول چند ماه می‌شود ارائه کرد، عبارت از این است که دشمنان کشور و دشمنان نظام جمهوری

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۸۸/۵/۱۲

اسلامی بعد از گذشت سی سال، همه‌ی تلاش خود و توان خود و نیروهای خود را متمرکز کرده‌اند برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه‌ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی‌نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه‌ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه‌ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه‌ی سربلندی ملت ایران است.^۱

البته سال گذشته، سال مهمی برای کشور ما بود. به نظر من - همان طور که در پیام نوروزی هم به ملت ایران عرض کردم - سال ۸۸، سال ملت ایران بود؛ سال پیروزی ملت ایران بود؛ سال حضور نمایان ملت ایران در عرصه‌های عظیم زندگی در نظام اسلام و در کشورمان بود. یک جا در بیست و دوم خرداد چهل میلیون نفر پای صندوقهای رأی آمدند؛ یعنی هشتاد و پنج درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت یک نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم میدانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمیدانند، آنها یک چنین حضوری را الان ندارند. در حدود زمان انتخابات ما، در کشور انگلیس انتخاباتی برگزار شد با حضور تقریباً سی درصد کسانی که میتوانستند رأی بدهند. هشتاد و پنج درصد کجا، سی درصد کجا؟! این حرکت مردمی، این حضور مردمی خیلی اهمیت دارد. تحلیلگران و مفسران سیاسی مسائل دنیا از این چیزها به‌آسانی نمیگذرند. ممکن است در مطبوعاتشان این را منعکس نکنند؛ ممکن است سیاستمدارها در حرفهایشان که تبلیغ میشود، این را بر زبان نیاورند و کتمان کنند؛ اما در

۱. پیام نوروزی سال ۸۹

دلشان مؤثر است، میفهمند.

این ملت پای حرف خود ایستاده است. این یک حرکت عظیم بود از ملتمان. ملت توانستند در تاریخ کشور این را ثبت کنند که بعد از گذشت سی سال از استقرار نظام اسلامی - که نظامی بر پایه‌ی اسلامیت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک‌ناپذیرند؛ آنهایی که این دو را از هم تفکیک میکنند، جمهوری اسلامی را نشناختند - آنچنان پابند به مبانی این نظام هستند که در یک انتخاباتی با این شور و شوق، با این عظمت شرکت میکنند. خوب، این یک حرکت عظیم مردمی بود. در قبال این حرکت، دشمنان ملت ایران نقشه‌هایی داشتند؛ این نقشه‌ها را شروع کردند به عمل کردن. اگر حضور شما مردم در انتخابات بیست و دوی خرداد سال ۸۸ یک حضور ضعیفی بود، اگر به جای چهل میلیون، مثلاً سی میلیون شرکت کرده بودید، به احتمال زیاد دشمنان شما موفق میشدند.^۱

۴،۲. کارنامه نامزدهای معترض و هواداران

یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجائی که میتوانند، تشویق کردند - حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که میخواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند - زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام - آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند - جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛ کاری کردند که دشمن مایوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقه‌مند به امامند، علاقه‌مند به

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۹/۱/۱

انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان و جمهوری اسلامی هستند، یک چنین اهانتی، یک چنین کار بزرگی انجام بدهند.

آن قانون‌شکنی‌شان، آن اغتشاش‌جویی‌شان - تشویقشان به اغتشاش و کشاندن مردم به عرصه‌ی اغتشاشگری - این هم نتایجش. این خطاها اتفاق می‌افتد، عمل خلاف انجام می‌گیرد، کار غلط انجام می‌گیرد، بعد برای اینکه این کار غلط، غلط بودنش پنهان بشود، اطراف او فلسفه درست میشود! فلسفه می‌بافند؛ استدلال برایش درست میکنند! از ابتلائات بزرگ انسانها این است؛ همه‌مان در معرض خطریم، باید مراقب باشیم. کار خطا را می‌کنیم، بعد برای اینکه در مقابل وجدانمان، در مقابل سؤال مردم، در مقابل چشم پرسشگران بتوانیم از کار خودمان دفاع کنیم، یک فلسفه‌ای برایش درست می‌کنیم؛ یک استدلالی برایش می‌تراشیم!

خب، اینها ایجاد فتنه می‌کند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه‌ی طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل می‌کنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد می‌کند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) هست: «و لکن یؤخذ من هذا ضعف و من هذا ضعف فیمزجان فهناک یتولی الشیطان علی اولیائه»؛ یک کلمه‌ی حق را با یک کلمه‌ی باطل مخلوط میکنند، حق بر اولیاء حق مشتبه میشود. اینجاست

که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا میکند. آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه میشود. چرا متنبه نمیشوند؟ وقتی شنفتند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه میکنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده میشود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم.

وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت میکنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره‌ی تاریخی صد سال و دویست ساله‌ی تا حالا - دارند از اینها حمایت میکنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه‌ی آدمهای فاسد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت میکنند، توده‌ای از اینها حمایت میکند، رقااص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت میکنند، باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را. چرا رودر بایستی میکنند؟

آیا میشود با بهانه‌ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت بخرج میدهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین‌طور خوشتان بیاید، دل خوش

کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه‌ی مقابل عقل است. عقل این است که بمجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را میکنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگوئید نه نه نه، ما نیستیم؛ بمجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی میکند، چه میخواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب میکنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند - بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور براق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، می‌خندند؛ اینها را که می‌بینید؟ به خود بیائید، متوجه بشوید.

شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، یک وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار میگرفتند. حالا ببینند که کسانی که به نام اینها شعار میدهند، عکس اینها را روی دستشان میگیرند، اسم اینها را با تجلیل می‌آورند، درست نقطه‌ی مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار میدهند و روزه‌خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، میکنند؛ اینها را می‌بینید، خوب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا می‌ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیائید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء میکند که انسان ولو این رئیس جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع

کند. خب، معلوم است هیچ کسی نمیتواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صددرصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صددرصد قبح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. چرا اینجوری میشود؟ چرا؟ این، هوای نفس است.

اینها مال امروز هم نیست. کسانی که از اوائل انقلاب یادشان هست، میدانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه‌ی اول انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله‌ی با امام کشید؛ کارشان به معارضه‌ی با امام کشید؛ ایستادند پای اینکه امام را به زانو در بیاورند و خطای حرکت امام (رضوان الله تعالی علیه) را - آن مرد بزرگ را، آن مرد الهی را - اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب اینها را مطرود کرد. کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. اینها باید عبرت باشد برای همه‌ی ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم.^۱

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه‌ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ متنها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه‌ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان میگوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله

۱. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۸۸/۹/۲۲

بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند.^۱

۴،۳ و ۴،۴. اغتشاشگران

اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند، اردو کشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده‌اند هم، در جواب آنها، اردو کشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما می‌خواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف یک جور، این طرف یک جور. برای نفوذی تروریست - آن کسی که می‌خواهد ضربه‌ی تروریستی بزند - مسئله‌ی او مسئله‌ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می‌خواهند راهپیمائی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آنوقت مسئولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود.^۲

۴،۵. نقش دشمن

من یک وقتی، چند سال قبل از این به عنوان هشدار، اینجا گفتم که

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۱۹/۱۰/۱۹

۲. نماز جمعه تهران ۸۸/۳/۲۹

رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی وابسته‌ی به استکبار، میداندارترین عناصر دشمنان استقلال ملت‌ها برای به آشوب کشیدن ملت‌ها هستند؛ برای اینکه این‌ها را از مسیری که دارند حرکت میکنند، منصرف کنند. و چند تا کشور را مثال زدم. خوب، امروز نسبت به آن چند سال قبل که ما این حرف را زدیم، وسائل ارتباطاتی خیلی گسترده‌تر، وسیع‌تر، همگانی‌تر و متنوع‌تر شده است. دشمنان دارند کار میکنند، آن وقت میگویند ما هیچ کاری نمیکنیم! ما هیچ اقدامی نمیکنیم! دستورالعمل‌هایشان برای گروه‌های غافل و نادان اغتشاشگر توی رسانه‌های خودشان به طور علنی دارد پخش میشود: اینجوری با پلیس درگیر بشوید؛ اینجوری علیه بسیج حرف بزنید؛ اینجوری توی خیابان اغتشاش ایجاد کنید؛ اینجوری تخریب کنید؛ اینجوری آتش بزنید؛ اینها دخالت نیست؟ از این دخالت واضح‌تر؟ علنی‌تر؟ این را مردم ما به چشم دیدند. اینها برای ملت ما تجربه است. اشتباه است اگر کسی خیال کند که یک گروه معدود، آن هم در تهران، فرض بفرمائید به ظرف زباله‌ی شهرداری تعرض میکند - زورش به او میرسد - یا فرض کنید به اموال مردم - به موتورسیکلتشان، به ماشینشان، به بانکشان، به دکانشان - تعرض میکند، این مردمند؛ نه، مردم نیستند. بله، بلندگوی استکباری وقتی میخواهد از اینها حمایت کند، میگوید مردم. اینها مردمند؟! مردم آن میلیون‌هائی هستند که تا این اغتشاشگران را، این مفسدین را در صحنه می‌بینند، کنار میکشند و آنها را با نفرت نگاه میکنند؛ برهم‌زنندگان امنیت عمومی را، آرامش اجتماعی را با انزجار نگاه میکنند.^۱

نقشه‌هائی از پیش طراحی شده بود. من کسی را متهم نمیکنم؛ اما هندسه‌ی کار دشمن را میشناسم، می‌بینم، آن را تشخیص میدهم؛ نمیتوانم آن را انکار

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز عید سعید مبعث ۸۸/۴/۲۹

کنم. هندسه‌ی کار دشمن، یک هندسه‌ی مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین‌المللی از یک نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راه‌هایی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر یک فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند، و آنهایی که آنها میخواهند، بر سر کار نیامدند، آن وقت با یک حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهایی گروهی از مردم را توی صحنه بکشاند، با فشار در صحنه‌ی خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این یک نقشه‌ی شناخته شده است. اگر ملاحظه میکنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیلگران مستقل و صادق و تیزبین، متناسب به عوامل خارجی و بیرونی میشوند، ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد، اطلاعاتی که افراد صاحب اطلاع به دست می‌آورند، اگر این اطلاع هم در دسترس نباشد، انسان شکل کار را که نگاه میکند، میفهمد که این کار، کار دشمنان ملت است؛ کار بیگانگان است. انتخاباتی انجام میگیرد، یک حرکت قانونی اتفاق می‌افتد، یک نتیجه‌ای هم با خود به دنبال می‌آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند. یک عده‌ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش‌سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است. پیداست این حرکت، حرکت هدایت‌شده‌ای از طرف بیگانگان است. یک چنین اتفاقی را میخواستند در کشور پیش بیاورند.

آزمون مهمی بود برای کشور. من به شما عرض بکنم، آزمون مهمی بود؛

هم عبرتهای زیادی داشت، هم درسهای زیادی داشت؛ و در این آزمون، ملت ایران پیروز شد. آنها میخواستند مردم را تقسیم کنند به یک گروه اقلیت، به یک گروه اکثریت؛ یک گروهی که برنده‌ی انتخابات است، یک گروه هم که در انتخابات به نتیجه‌ی مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملت را دوپارچه کنند؛ یک عده اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. اما ملت هوشیاری به خرج داد. شما دیدید در روز انتخابات، مردم به دو گروه سیزده چهارده میلیونی، و بیست و چهار پنج میلیونی تقسیم شدند؛ اما بعد از گذشت مدتی نه چندان بلند، همین دو گروه با هم یکی شدند و در مقابل شورشگران و اغتشاشگران و خرابکاران ایستادند. بیداری ملت را انسان اینجا میشود بفهمد. میخواستند بین مردم اغتشاش ایجاد کنند. بدخواهانی که سی سال است علیه این انقلاب و علیه این مردم هر کاری توانستند، کردند، اینها هم فرصت را مغتنم شمردند و با تبلیغات خودشان وارد میدان شدند. بیش از این، کاری نمیتوانستند بکنند. اگر آمریکائی‌ها و انگلیسی‌ها و صهیونیستها میتوانند نیرو وارد خیابانهای تهران بکنند، یقین بدانید میکردند. اگر برایشان امکان داشت که با حضور وابستگان و مزدوران خودشان از خارج، عرصه را آنچنان که میخواهند، هدایت کنند، میکردند. منتها میدانستند که این کار به ضررشان تمام میشود. تنها کاری که میتوانند بکنند، این بود که در صحنه‌ی تبلیغات، در صحنه‌ی سیاست جهانی، از آشوبگر، از اغتشاشگر حمایت کنند. رؤسای جمهور کشورهای مستکبر در این قضیه وارد میدان شدند؛ اغتشاشگران خیابانی و خرابکارانی را که با آتش زدن میخواهند موجودیت خودشان را نشان بدهند، ملت ایران نامیدند؛ شاید بتواند اوضاع را آنچنان که طبق میل خودشان است، در افکار

عمومی دنیا و کشورمان تصویر و ترسیم کنند؛ اما شکست خوردند.^۱

۴.۶. نیروهای امنیتی، انتظامی و بسیج

من از فعالیتهای پلیس امنیتی مان، پلیس انتظامی مان، دستگاه بسیج‌مان تشکر می‌کنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این یک بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمانها یک تخلفی انجام داده، یک جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده می‌گیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده می‌گیریم.^۲

۴.۷. رسانه‌های داخلی

جنجال‌سازی تبلیغاتی و لفاظی هیچ کمکی به حل مشکلات نمی‌کند؛ همچنانی که شما دیدید. تو همین قضایای انتخابات، خوب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید یک ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس می‌کرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب می‌کنم، همه‌ی برنامه‌های صدا و سیما را می‌آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضاء کنم. نخیر، از خیلی از برنامه‌های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، از همین من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات - انتخابات بیست و دوم خرداد بود - از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۹/۱/۱

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

سفرهای تبلیغاتی و حرفه‌ای که زده شد و تظاهراتی که میشد و مجادلاتی که انجام میگرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه تو تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! اینها توهم است؛ این جنجال آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است. بنده گفتم کرسی آزاد فکری را در دانشگاه‌ها به وجود بیاورید. خوب، شما جوانها چرا به وجود نیاردید؟ شما کرسی آزاد فکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمیشود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. اینجوری که حق درست فهمیده نمیشود. ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمیکند. شما تجربه‌ی این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک میکند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی میزنید، ناگهان می‌بینید همه‌ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته‌ی از پلیدی و خبائت است، برای شما کف میزنند. به این تشویق نشوید. به قول رائج بین جوانها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگوئید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فبشّر عباد. الذّین یستمعون القول فیتبعون احسنه». سخن را باید شنفت، بهترین را انتخاب کرد. و الاّ فضای جنجال درست کردن، همین میشود که دیدید. جنجال قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش میشود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت

دارد. به چه دلیل، با چه توجیهی شما فکر میکنید دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر میکنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر میکنند؟ با چه محاسبه‌ای این کار انجام میگیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد.

صدا و سیما آیا وضعیت واقعی کشور را نشان میدهد؟ نه، ناقص نشان میدهد. خیلی پیشرفتهای برجسته و بزرگ هست که صدا و سیما نشان نمیدهد. دلیلش هم این است که شما مجموعه‌ی مرتبط با حوادث گوناگون، از خیلی از حقائق کشور و پیشرفتهای کشور مطلع نیستید؛ نقص صدا و سیمای ماست. ولاً اگر صدا و سیما میتواند همان جور که تلویزیون فلان کشور غربی با یک سابقه و تجربه‌ی فراوان و با استفاده‌های هنری دروغهای خودش را راست جلوه میدهد، واقعیات موجود کشور را درست منعکس کند، شما بدانید امروز امید نسل جوان، دل‌بستگی نسل جوان به کشورش، به دینش، به نظام جمهوری اسلامی‌اش، بمراتب بیشتر از حالا بود. این ایراد ماست به صدا و سیما. اگر میتواند درست وضع کشور را منعکس کند، خیلی شعف و بهجت بینندگان بمراتب بیشتر از آنی میشد که امروز هست. خیلی از کارها دارد انجام میگیرد که مایه‌ی خوشوقتی است، مایه‌ی خشنودی است؛ نه فقط در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های سیاسی؛ مایه‌ی سرفرازی است. این را خیلی‌ها - اغلب یعنی - خبر ندارند. بنده غالباً به مسئولین دولتی اعتراض این است که چرا نمیتوانید بیان کنید. بیان کردن هم یک هنری است؛ بیان هنری بخصوص، هنر بزرگی است؛ این را ندارند.

حالا یکی از ایرادهائی که ما معمولاً داریم به بعضی‌ها این است که آنچه

را که بیگانه بگوید، این را تلقی به قبول میکنند؛ آنچه را که خودی بگوید، تلقی با تردید میکنند! چرا؟ خوب، این تلقی، تلقی ناسالمی است؛ این تلقی درستی نیست، تلقی ناسالمی است. این را باید اصلاح کرد. البته شما جوانهای خوب ان شاء الله بیائید وارد عرصه‌های گوناگون بشوید، عرصه‌های تبلیغاتی کشور را بگیرید. مطبوعات ما هم همین‌جور است. بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه میکنم؛ نه اینکه حالا همه‌ی صفحات لائی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیترا، اگر سرمقاله‌ی قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه میکنم. خیلی از روزنامه‌های ما متأسفانه در انعکاس حقائق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیرمنصفانه عمل میکنند.^۱

بعضی‌ها - چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون - توصیه‌پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمیخواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی از این دستگاه‌ها و مطبوعات و رسانه‌ها را کی معین میکند و کجا معین میشود - نشان در ایجاد اختلاف است - اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه‌ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیراصولی صرف‌نظر کنند. شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت می‌زنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس‌جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه‌ی قضائیه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه‌پراکنی کند؛

میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند.^۱

۵. راهکارها

۵.۱. پایبندی به قانون و پرهیز از قانون

ما واقعاً احتیاج داریم به اینکه قانون در تمام امور کشور، یک شاخص، یک محور، یک فصل الخطاب محسوب شود. اگر ما قانونمدار باشیم، واقعاً این، زندگی مردم را روان خواهد کرد؛ درست مثل چراغهای سبز و قرمز سر تقاطعها. ببینید رعایت نکردن این مسئله چقدر مشکل ایجاد میکند. خوب، شما با اتومبیلتان رسیدید سر چهارراه. فرض کنید یک دقیقه، دو دقیقه چراغ سبز بود و داشتند میرفتند؛ تا شما رسیدید، قرمز شد. سخت است دیگر؛ باید حالا مدتی اینجا بایستید. ورود شما در این منطقه‌ی ممنوعه، برای خاظر آسایش خودتان و دل خودتان، موجب میشود که چند ده برابر شما گاهی آدم و اتومبیل در دو طرف مسیر کارشان دچار اختلال بشود؛ آن کسی هم که به عنوان پلیس راهنمایی آن وسط ایستاده که باید کار را تنظیم کند، دچار مشکل بشود. خوب، قانون را رعایت کنید تا این همه مشکل به وجود نیاید. ببینید، این یک مثال واضحی است که به طور روزمره با آن مواجه‌ایم و لذا غالباً هم رعایت میکنند. همه‌ی جاها قانون همین است. اگر رعایت قانون شد، کارها روان میشود؛ اگر بی قانونی آمد وسط میدان - که هر کسی هم برای بی قانونی خودش بالاخره یک توجیهی دارد؛ یکی میگوید آقا این قانون حق من را ضایع کرد، این قانون نمیدانم چنین بود، این قانون چنان بود؛ اما این توجیه‌ها قابل قبول نیست - کارها مختل میشود.

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۸۸/۹/۴

اگر بی قانونی رائج شد، کارها گره خواهد خورد؛ ترافیک سنگین خواهد شد، گره‌های ترافیکی به وجود می‌آید، کار مردم از بین می‌رود، مصالح مردم پامال می‌شود. همه بایستی به قانون احترام بگذارند. و من به شما عرض بکنم؛ این مورد هم مثل موارد دیگر از چیزهایی است که فرهنگ آن بایستی از نخبگان سرریز بشود به بدنه‌ی جامعه. اگر شما که جزو نخبگان هستید، قانون را رعایت نکردید، انتظار نداشته باشید که بدنه‌ی جامعه قانون را رعایت کند. ادعای نخبگی بکنیم - نخبگی سیاسی، نخبگی علمی - اما در همان مورد کار خودمان به قانون بی‌اعتنائی کنیم. در همین قضایای جاری هم بنده مُصر بودم و هستم و خواهم بود بر اجرای قانون.^۱

پابندی به قانون اقتضاء میکند که انسان ولو این رئیس‌جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خوب، معلوم است هیچ کسی نمیتواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صددرصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صددرصد قبیح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است.^۲

یک نکته را هم به جوانان عزیز انقلابی، به فرزندان عزیز انقلابی خودم، به فرزندان بسیجی - از زن و مرد - عرض بکنم: جوانان از اطراف و اکناف کشور، از آنچه که تهتک بیگانگان از ایمان دینی به گوششان می‌خورد یا با چشمشان می‌بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می‌بینند روز عاشورا چگونه یک عده‌ای حرمت عاشورا را هتک میکنند، حرمت امام حسین را هتک میکنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک میکنند، دل‌هاشان به درد می‌آید، سینه‌هاشان

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۸۸/۴/۳

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۸۸/۹/۲۲

پر میشود از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی میخواهم عرض بکنم جوانهای عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی‌رویه‌ای، کمک به دشمن است. اینجا جوانها تلفن میکنند - میفهمم من، میخوانم، غالباً تلفنها و نامه‌ها را خلاصه میکنند، هر روز می‌آورند، من نگاه میکنم - مبینم همین طور جوانها گله‌مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله میکنند که چرا فلانی صبر میکند؟ چرا فلانی ملاحظه میکند؟ من عرض میکنم؛ در شرائطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکانات خود درصدد طراحی یک فتنه است و میخواهد یک بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه‌های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچگونه تخطی از قانون، بایستی مَر قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه‌ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب میکند. خدای متعال به ما دستور داده است: «و لایجرمنکم شئنان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی». بله، یک عده‌ای دشمنی میکنند، یک عده‌ای خیانت به خرج میدهند، یک عده‌ای از خیانت‌کنندگان پشتیبانی میکنند - اینها هست - اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی‌گناهیانی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال میشوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر میدارم جوانهای عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از اینکه یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون^۱.

۱. بیانات در سالروز قیام مردم قم ۸۸/۱۰/۱۹

۵.۲. ابراز اعتماد نخبگان به نظام

نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند؛ این خطاب به همه‌ی نخبگان است، خطاب به یک طرف خاصی، جناح خاصی نیست. همه باید مراقب باشند. همه بدانند این ملت، یک ملت یکپارچه است. احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کنند، آن یکی بیاید احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کند، اینها راه به جایی نمیرد. وقتی شما متحد بودید، وقتی شما همدل بودید، وقتی شما احساس و ابراز اعتماد به کشورتان و نظامتان کردید، آن وقت این وسوسه‌های خناسان بین‌المللی، این سیاستمداران ظالم، مداخله‌گر، دور از انسانیت، دیگر اثری نخواهد کرد.^۱

همه‌ی این بلووائی که شما مشاهده کردید در دوره‌ی بعد از انتخابات پیش آمد و پیش آوردند و آنها حمایت کردند، برای همین بود که شاید بتوانند پشتوانه‌ی مردمی انقلاب را ضربه بزنند و از انقلاب بگیرند. بنده عرض کردم نشانه‌ی اعتماد مردم به این نظام، حضور چهل میلیونی در انتخابات بود. حالا در رادیوهای بیگانه و متأسفانه بعضی هم در داخل هم‌نوی با آنها، هی اصرار و تکرار که بله، اعتماد مردم از نظام سلب شده! این، جواب آن حرف است. آنجا ما گفتیم اینی که هشتاد و پنج درصد مردم می‌آیند رأی میدهند، چهل میلیون پای صندوقها می‌آیند، به هر کسی که رأی میدهند، خود آمدن پای صندوق، نشانه‌ی اعتماد مردم به نظام است - که حقیقت قضیه هم همین است - اینها برای اینکه این حرف را دروغ از آب در بیاورند، مکرر در مکرر تبلیغات کردند که اعتماد مردم از دست رفته؛ چه کار کنیم؟ حالا بعضی در لباس دلسوزی گفتند چه کار کنیم که اعتماد برگردد!

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه ۸۸/۴/۷

مردم به نظام اعتماد دارند، نظام هم به مردم اعتماد دارد. ان شاء الله خواهید دید در انتخابات آینده - که حالا دو سه سال دیگر است - همین مردم با وجود همین بازیگری‌ای که مخالفان و دشمنان و غافلان و بی‌خبران داخلی کردند، یک حضور مستحکم قوی‌ای در انتخابات خواهند داشت.^۱

۵.۳. کسب بصیرت

اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهائی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. خطاهائی که بعضی از افراد میکنند - می‌بینید در جامعه‌ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر باشد، بیشتر نباشد، کیفاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی هایش، نمیگوئیم همه‌اش.

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۸/۶/۲۰

به شما میگویند: آقا! این طرفِ مقابل، باطل است. شما میگوئید: ا، با این نماز، با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أمن هو قانت اثناء اللیل» - آیه‌ی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده‌ای - یک نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت میروم.

این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) میایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

بنده بارها این جبهه‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی را مثال میزنم به جبهه‌ی جنگ. اگر شما تو جبهه‌ی جنگ نظامی، هندسه‌ی زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسائی میروند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسائی است؛ شناسائی

از نزدیک، که زمین را بروند ببینند: دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسائی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم کند، یک وقت می‌بیند که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش میکند به طرفی، که اتفاقاً این طرف، طرفِ دوست است، نه طرفِ دشمن. نمیداند دیگر. عرصه‌ی سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را شناسید، دشمن را شناسید، یک وقت می‌بیند آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعند، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است.^۱

۵.۴. روشنگری و بصیرت‌بخشی

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مضر است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همین‌ی که حالا امروز به آن جنگ روانی می‌گویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه‌هاش فرق کرده؛ این از اول بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه میکند کارهایشان را، می‌بیند که در جنگ روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسانتر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنی یک جا پیدا کنید، وارد شدن سوءظن به ذهن آسان است،

۱. بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر ۸۷/۵/۵

پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه افکنی میکردند، سوء ظن را وارد میکردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمار یاسر بود، که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی میرفت و همین طور این گروه‌هایی را که - به تعبیر امروز، گردانها یا تیپهای جدا جدای از هم - بودند، به هر کدام میرسید، در مقابل آنها می‌ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت میکرد؛ حقائق را برای آنها روشن میکرد و تأثیر می‌گذاشت. یک جا میدید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگو مگو توی آنها هست، خودش را بسرعت آنجا میرساند و برایشان حرف می‌زد، صحبت میکرد، تبیین میکرد؛ این گره‌ها را باز میکرد.^۱

۵،۵. تلاش برای حفظ آرامش در جامعه

ما در این سی سال روزی نبود که تجربه‌ای نیندویم، مطلبی یاد نگیریم. در حوادث این روزها خیلی چیزها یاد گرفتیم، خیلی چیزها فهمیدیم؛ برای ملت ما تجربه شد؛ همه فهمیدند که در آن وقتی که ملت در عین استقرار و آرامش و ثبات یک حرکت بزرگ را انجام می‌دهد، نباید غافل بماند از دشمنی دشمنانی که دارند برایش نقشه می‌کشند. همه گفتند یک انتخابات چهل میلیونی، یک عظمت بی‌نظیر از اول انقلاب تا حالا، حضور مردم در صحنه بعد از سی سال، قدرت جذب مردم و به صحنه آوردن مردم برای نظام؛ این یک عظمت بود؛ نباید غفلت کنند؛ همه فهمیدند که در چنین وضعیتی نباید غفلت کنند که دشمن کمین گرفته است؛ مراقب است.

۱. بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر ۸۸/۵/۵

هر کسی امروز جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، از نظر عامه‌ی ملت ایران انسان منفوری است؛ هر که می‌خواهد باشد. هر هدفی را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه‌ی آرامش و امنیت خواهد رسید. وقتی امنیت بود، تحصیل هم هست، علم هم هست، پیشرفت هم هست، صنعت هم هست، ثروت هم هست، آسایش گوناگون هم هست، عبادت هم هست؛ دنیا و آخرت در سایه‌ی امنیت وجود دارد. وقتی ناامنی ایجاد شد، همه‌ی اینها مخدوش میشود. به هم زدن امنیت یک ملت بزرگترین گناهی است که ممکن است کسی مرتکب بشود. این را البته آن کسی که مأمور است، مزدور است، او که حرف گوش نمیکند؛ خطاب ما به او نیست؛ خطاب ما به نخبگان است. آحاد ملت هم هوشیارند؛ نخبگان ما هوشیار باشند.

نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهائی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهائی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه‌ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت میکند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.

عقل، این سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است. «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»؛ عقل این است که انسان را به راه راست هدایت میکند. اشتباه میکنند آن کسانی که خیال میکنند

با سیاسی کاری، عقلائی عمل میکنند؛ نه، عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار میکند. شاخصش هم برای ما، بین خودمان و خدا، این است که نگاه کنیم ببینیم در بیان این حرف اخلاص داریم یا نه؟ به فکر خدائیم یا نه؟ من دارم برای خاطر خدا، رضای خدا حرف میزنم یا برای خاطر جلب توجه شما دارم حرف میزنم؟ برای خاطر خداست یا برای خاطر دل مستمع و غیر مستمع است؟ معیارش این است. به خودمان مراجعه کنیم؛ اقاضی القضاة نسبت به انسان، خود انسان است. خودمان را فریب ندهیم؛ بفهمیم چه کار میکنیم؛ بفهمیم چه میگوئیم؛ چه حرکتی میکنیم.^۱

در این قضایای اهانت به امام راحل (رضوان الله علیه)، مردم ما عصبانی شدند، خشمگین شدند؛ حق هم دارند. اعلام برائت کردند، جا هم داشت، خوب هم بود؛ لکن آرامش شان را حفظ کنند. از دانشجویها هم ما همین درخواست را داریم: آرامش را حفظ کنید. این کسانی که در مقابل شما قرار دارند، اینها کسانی نیستند که ریشه‌ای داشته باشند، بتوانند بمانند، بتوانند در مقابل عظمت این ملت و عظمت این انقلاب، مقاومت کنند؛ نه. با آرامش؛ همه کار با آرامش.

اگر یک وقتی لازم بشود، خود مسئولین، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه‌شان باشد، انجام میدهند. البته شناسائی کنند؛ خود دانشجویها موظفند در محیط دانشگاه، افرادی را که منشأ فسادند، اینها را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. این خودش یک تبلیغ درست و صحیحی است. آگاه کنند؛ بدانند ارتباطات اینها را، جهتگیری اینها را؛ لکن همه کار با آرامش باید انجام بگیرد.

در سطح جامعه، تشنج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست؛ این چیزی

است که دشمن می‌خواهد. دشمن می‌خواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهم است. دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد؛ دانشجو بتواند درس بخواند؛ طلبه بتواند درس بخواند؛ دانشمند بتواند تحقیق خودش را بکند؛ صنعتگر، کشاورز، بازرگان، بتوانند همه کارشان را انجام بدهند. محیط دانشگاه هم باید محیط امنی باشد؛ جوانهای مردم توی این مجموعه‌ی دانشگاه جمعند، مردم می‌خواهند جوانهایشان در محیط امنی باشند. این کسانی که محیط دانشگاه را با این اغتشاشگری ناامن میکنند، با مردم مواجه‌اند، با مردم طرفند. البته دستگاه‌های قانونی هم وظائفی دارند؛ باید به این وظائف عمل کنند.

بدانید که این آیه‌ی مبارکه: «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»، امروز مصداق تام و تمامی در زمان شما دارد و این را شما خواهید دید. به فضل الهی خواهید دید که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»، این بنای استوار که هندسه‌ی آن الهی است، بنای آن هم با دست یک مرد الهی است، بقاء آن هم با اراده‌ی این ملت عظیم و با ایمان این ملت عظیم است، استوار خواهد ماند و ان‌شاءالله این درخت روزبه‌روز ریشه‌دارتر خواهد شد و خواهید دید که این مخالفان، این کسانی که با این بنا، با این حق و حقیقت مخالفت میکنند، «فیذهب جفاء»؛ اینها در مقابل چشم شما ان‌شاءالله نابود خواهند بود.^۱

۵.۶. حفظ درهم تنیدگی ابعاد جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی - که از انقلاب اسلامی برخاسته است - یک واحدی

۱. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ۸۸/۹/۲۲

است که دارای دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است. و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک تک افراد و اشخاص به حیث خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیث اجتماعشان هم مورد خطاب اسلامند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال منت گذاشته است: «بل الله یمنّ علیکم أن هداکم للإیمان»؛ منت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهور ما اسلام را میخواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوئیم واحد دارای ابعادی است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.

مسئله‌ی ولایت هم پایبندی به همین مجموعه است؛ چه ولایت معصومین (علیهم‌السلام)، چه ولایت فقیه که دنباله‌ی ولایت معصومین و ادامه‌ی او هست. مسئله‌ی پایبندی به این مجموعه و رعایت حفظ این مجموعه در کشور و در نظام است، که زاویه‌ای پیدا نکند، مشکلی برایش به وجود نیاید، در او تنقیصی و تبعیضی حاصل نشود، با همین جامعیت حرکت کند و پیش برود. و این اسلام ناب هم که در فرمایش امام بود، ناظر به همین است؛ چون امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکائی. اسلام آمریکائی فقط آن نیست که آمریکاپسند باشد؛ هر چیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همین جور است، اسلام التقاطی هم همین جور است، اسلام سرمایه‌داری هم همین جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین جور

است، اسلامهائی که با شکلها و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه‌اش مقابل اسلام ناب است؛ در واقع اسلام آمریکائی است.

انسان مشاهده میکند در این معارضه‌هایی که با نظام در طول این سی سال انجام گرفته، این اسلامهای گوناگون حضور داشته‌اند؛ هم اسلام التقاطی وجود داشته، هم اسلام سلطنتی وجود داشته، هم اسلام سوسیالیستی وجود داشته؛ انواع و اقسام این اسلامها در مواجهه‌ی با نظام جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند. خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه میشوند، معنویت و عدالت با هم ملاحظه میشوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه میشوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده میشوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه‌ی مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود.^۱

۵.۷. ایجاد فضای حسن ظن و برادری در جامعه

فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوء ظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی - که امروز روزبه‌روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر میشود - روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۸۸/۲

کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک میکند، فضای زندگی ما را ظلمانی میکند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. همین جا من این را هم بگویم: اینکه در دادگاه‌ها - که در تلویزیون هم پخش میشد - از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته میشود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره‌ی خود در دادگاه بگوید، این حجیت است. اینکه بگویند در دادگاه درباره‌ی خودش اگر اعترافی کرد، حجیت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی‌ارزشی است؛ نه، هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم میفرماید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا!»؛ وقتی میشنوید که یکی را متهم میکنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرائی و قضائی به جای خود محفوظ است. دستگاه‌های اجرائی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه‌های قضائی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت میشود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. اینکه نمیشود. این فضا، فضای درستی نیست. یا دیگران - خارجی‌ها، بیگانه‌ها، تلویزیونهای مغرض - علیه کسی یا کسانی حرفی بزنند، ادعا کنند که اینها فلان جا خیانت کردند، فلان جا خطا کردند؛ ما هم عین همان را پخش کنیم. این، ظلم

است؛ این، مورد قبول نیست. رسانه‌های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته است؟ کی خواسته‌اند حقائق در مورد ما روشن بشود، که در این مورد بیابند حقیقت را گفته باشند؟ میگویند، حرفهائی میزنند، ادعاهائی میکنند. نباید گفت اینها شفافیت است. این، شفافیت نیست؛ این، کدر کردن فضا است. شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند؛ اما اینکه ما بیائیم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهائی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه‌ی بیگانه - رسانه‌ی مغرض انگلیس - شاهد برایش بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته‌ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهائی که بعضی به نظام اسلامی نسبت میدهند، متهم بکند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است.^۱

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده‌ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه‌ی مردم - اینها را باید از آن عناصر معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه

۱. خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۸۸/۶/۲۹

اتفاق بیفتد. من می‌بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسئولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست.

حالا بعضی‌ها - چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون - توصیه‌پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمیخواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی از این دستگاه‌ها و مطبوعات و رسانه‌ها را کی معین میکند و کجا معین میشود - نشان در ایجاد اختلاف است - اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه‌ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیراصولی صرف‌نظر کنند. شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت می‌زنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس‌جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضائیه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن‌ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه‌پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند.^۱

۵.۸. فراموش نکردن اصول

اسلام؛ قانون اساسی؛ فرمایشات و وصیت‌نامه امام(ره)؛ سیاستهای کلی نظام
اصول انقلاب مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه‌ای

۱. بیانات در دیدار بسیجیان ۸۸/۹/۴

نیست که هر که از یک گوشه‌ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول می‌رویم، می‌بینیم بیگانه‌ی از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیت‌نامه‌ی امام است؛ سیاست‌های کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاست‌های کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب، اختلاف‌نظر، اختلاف ممشا، اختلاف سلیقه عیب نیست، که حسن است؛ مضر نیست، که مفید و نافع است. این یک مطلب است که در میدان معارضات اینچینی، نظام با هیچ کس برخورد نمی‌کند. آنجائی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصدد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند - از این کارهای خلافی که انجام می‌گیرد؛ دروغ‌پراکنی و شایعه - نظام هیچگونه مسئله‌ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان می‌کنند؛ نظام برخورد نمی‌کند.^۱

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری‌ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می‌شود. چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شنفتمند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند؛ باید تبری کنند.^۲

۵.۹. برخورد صحیح با نظرات مخالف

بنده مخالفم که مردم کشورمان را، مردم عزیزمان را به دو بخش تقسیم

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۸۸/۶/۲۰

۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون ۸۸/۹/۲۲

کنیم؛ یک عده‌ای را مقابل یک عده‌ی دیگر قرار بدهیم. قضیه اینجوری نیست. در خیلی از مسائل، مردم سلیقه‌هایشان، نگاه‌هایشان، نظرهایشان یکی نیست، اما این به معنای اصطکاک و تزاخم و تعارض و دست به یقه شدن نیست. ما نباید مردمان را وادار کنیم که با هم دست به یقه بشوند. من به هر دو طرف نصیحت میکنم: احساسات جوانها را تحریک نکنند، مردم را مقابل هم قرار ندهند. ملت یکپارچه‌ای است، ایمان واحدی دارد، قلباً هم با نظام خود روابط حسنه‌ای دارد؛ نشانه‌ی این روابط حسنه، همین حضور در پای صندوقهاست. اگر امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی‌آمدند پای صندوقها. پس این ملت با نظام خود هیچ مشکلی ندارد. نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد، یک گروه را بر علیه آن گروه دیگر، آن گروه را بر علیه این گروه دیگر تحریک کرد.^۱

همین آیاتی که الان خواندند: «و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته اخوانا - برادر شدید با هم - و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها»؛ اسلام شما را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد. اینکه قرآن میگوید: «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً»، یعنی همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید، خوب، این «همه» در سطح واحدی که نیستند؛ بعضی ایمانشان قویتر است، بعضی ایمانشان ضعیفتر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسطتر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب میکند. میگوید اعتصام به حبل الله را جمیعاً بکنید، با هم بکنید. تو بگوئی من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم و دیگری نه؛ او - دیگری - باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل

الله کردم، این طرف را نه؛ اینکه نمیشود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهایی هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروع، افراد با همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد. در گفتارمان مراقب باشیم. رد دیگران، طرد دیگران، به طور مطلق در سر مسائل درجه‌ی دو، مصلحت نیست. امروز ملت ایران، یک ملت یکپارچه است؛ یک ملت متحد است؛ این اتحاد را باید قدر دانست. ایجاد اختلاف نباید کرد.

من می‌بینم تو همین قضایای سه چهار روز اخیر باز بعضی‌ها می‌خواهند اختلافها و شکافها را بیشتر کنند؛ نه، نباید اختلاف به وجود بیاید؛ همه با هم برادرند، همه با هم همکاری باید بکنند؛ همه باید برای ساختن کشور به یکدیگر کمک بکنند. به کسی نباید بیهوده تهمت زد؛ کسی را نباید به خاطر یک امر، از همه‌ی آن چیزهایی که صلاحیت محسوب میشود، انسان او را نفی بکند. با انصاف باید بود؛ با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. خدای متعال در مورد دشمنان می‌گوید: «و لا یجرمنکم شنآن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی»؛ اگر با کسی دشمنید، این دشمنی موجب نشود که نسبت به او بی‌انصافی کنید، بی‌عدالتی کنید؛ حتی نسبت به دشمن؛ حالا آن که دشمن هم نیست. بی‌عدالتی‌ها را همه کنار بگذارند؛ بی‌انصافی‌ها را همه کنار بگذارند؛ همه در زیر پرچم نظام اسلامی و جمهوری اسلامی جمع بشوند؛ اصولی وجود دارد، به آن اصول همه پابندی خودشان را اعلام بکنند. در کنار هم باشند، اختلاف سلیقه هم باشد. چه اشکال دارد؟ همیشه اختلاف سلیقه بوده. در دورانه‌ی مختلف هر جایی که این اختلاف سلیقه‌ها و اختلاف برداشتها با هوای نفس انسان مخلوط شد، کار خراب میشود.

هوای نفس را باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوءظن داشته باشیم. نگاه کنیم ببینیم کجا نفس است و هوای نفسانی ماست؛ کجا نه، واقعاً احساس تکلیف است؛ و در احساس تکلیف هم دقت بکنیم که قدم از دایره‌ی تکلیف آنطرف‌تر نباید گذاشت؛ زیاده‌روی نباید کرد. آن وقت لطف خدا با ماست. همچنانی که تا امروز به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی، لطف الهی با ملت ایران بوده است؛ بعد از این هم ان‌شاءالله خواهد بود.^۱

۵۰۱۰. اتحاد مردم و جریان های سیاسی در برابر مخالفان نظام و کشور

یک سطر از سطور کتاب قطور منقبت امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که این بزرگوار در طول این زندگی پرماجرایی خود به چیزهایی اهتمام داشتند، از جمله عدالت و وحدت. اینها برای ما درس است. وحدت امت اسلامی برای امیرالمؤمنین مهم بود. استقرار عدالت در میان امت اسلامی هم برای امیرالمؤمنین مهم بود. حق طلبی آن بزرگوار در هر دو جا خود را نشان میدهد؛ هم در آنجائی که در پی عدالت دشوارترین آزمونهای زندگی خود را تحمل میکند؛ آن سختیها را، آن مجاهدتهای دشوار را، آن جنگهایی را که بر آن بزرگوار تحمیل شد - آن سه جنگ دوران کوتاه حکومت، که اینها را تحمل میکند؛ چون دنبال عدالت است. حق را در اینجا با قاطعیت تعقیب میکند - هم در آنجائی که امیرالمؤمنین به خاطر خدا، به خاطر مصالح اسلام، به خاطر وحدت مسلمانان، از حقی که برای خود او مسلم است، چشم‌پوشی میکند و در مقام معارضه بر نمی‌آید؛ اسلام را، مسلمانان را، جامعه‌ی اسلامی را، وحدت اسلامی را پاس میدارد.

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان مسابقات قرآن - ۸۸/۵/۳

«فامسکت یدی حتّی رأیت راجعة النَّاسِ قد رجعت عن الاسلام یدعون الی محقّ دین محمد (صلی الله علیه و اله)»؛ یعنی آن وقتی که دیدم مسئله‌ی اسلام مطرح است، مصالح اسلامی، مصالح جامعه‌ی اسلامی مطرح است، در آنجا دیگر سکوت را جایز ندانستم، آدمم وسط میدان برای ایجاد وحدت. مال دوران اول پس از رحلت پیغمبر و آن دوران محنت امیرالمؤمنین است؛ آنجا هم حق را با قاطعیت دنبال می‌کند. این حق در اینجا وحدت است. اینها برای ما درس است.

جامعه‌ی اسلامی در تمام ادوار مختلف از ناحیه‌ی بی‌عدالتی ضربه خورده است؛ و از ناحیه پراکندگی و نفاق و جدائی افراد از یکدیگر و مقابل یکدیگر ایستادن، ضربه خورده است. از این چیزها دنیای اسلام ضربه خورده. هر چه شما به تاریخ اسلام مراجعه کنید - بخصوص در قرون اخیر - این معنا را روشنتر می‌بینید. دنیای اسلام نیازمند اتحاد است. امیرالمؤمنین مایه‌ی وحدت دنیای اسلام باید باشد. دشمنان اسلام می‌خواهند بین طوائف مسلمان به وسیله‌ی امیرالمؤمنین که خود وسیله‌ی وحدت و اتحاد است، اختلاف ایجاد کنند. اینها را باید دنیای اسلام بگوش باشد.

این مسئله را ملت ایران هم باید توجه داشته باشند. ما یک ملت متحدیم؛ اسلام ما را متحد کرد؛ انقلاب ما را بیدار کرد؛ دلهای ما را به هم نزدیک کرد؛ انگیزه‌های ما را در هم تنیده کرد؛ به هم پیوند زد؛ شدیم یک مشت محکم و مقتدر در مقابل دشمنان نظام اسلامی و دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان ایران. دشمنان منتظرند این اتحاد کلمه را به هم بزنند؛ بین مردم ایجاد نفاق کنند؛ ایجاد اختلاف کنند؛ برادران را در مقابل هم قرار بدهند؛ باید ملت ایران هوشیار باشد.

در همین قضایای انتخابات پرشور بیست و دوی خرداد که یک حرکت

عظیمی از ملت ایران بود، کار بزرگی انجام گرفت. این حضور چهل میلیونی تقریباً در پای صندوقهای رأی، یعنی نسبت هشتاد و پنج درصدی کسانی که میتوانستند شرکت کنند، در دنیا جزو رقمهای بی نظیر است. این خیلی برای ملت ایران آبرو ایجاد کرد، خیلی اقتدار برای این ملت بزرگ آفرید؛ برای انقلاب آبرو شد؛ نشان داد که انقلاب بعد از گذشت سی سال، اینجور قدرت و توانائی به صحنه آوردن مردم را دارد. دشمنان دست به کار شدند، بین مردم اختلاف بیندازند، تا حدودی هم موفق شدند. لیکن ملت باید حرکت دشمن را خنثی کند.

سیاست نظام جمهوری اسلامی، سیاست روشنی است. رقابت در بین نامزدهای ریاست جمهوری به نگاه ما، به عقیده‌ی ما، یک رقابت درون‌خانوادگی است، گاهی به عصبانیت هم میکشد. دو برادر هم ممکن است داخل خانواده در مقابل هم قرار بگیرند؛ به دشمن چه ربطی دارد؛ به بیگانه چه ربطی دارد. بیگانگانی که در این قضیه در سطوح مختلف سیاسی و تبلیغاتی وارد این میدان شدند، نیتشان ایجاد شقاق و اختلاف بود؛ ایجاد شکاف بود.

مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم یک کلام و یک دست‌اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.

من توصیه‌ام به همه‌ی ملت ایران این است:

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه‌ی جناحهاست.

مبادا دشمن را با دوست اشتباه نکنیم. دوست را به خاطر یک خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف یک عده‌ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند.

البته مسئولین هم، رئیس‌جمهور منتخب هم باید قدر این اقبال مردمی را بدانند. شکر این توجه مردم، عبارت است از خدمت کامل و جامع برای حل مشکلات مردم؛ تلاش برای پیشبرد کشور و تلاش برای حفظ اتحاد ملت بزرگ ایران. اینها حقایقی است که وجود دارد. شما ملت ایران در این برهه‌ی از زمان کار بزرگی را انجام دادید، حرکت بزرگی را انجام دادید و خدای متعال به حول و قوه‌ی خود به این حرکت برکت خواهد داد و پیش خواهد رفت.

شکر مسئولین، خدمت است؛ شکر مردم، حفظ وحدت است؛ حفظ وحدت، حفظ هوشیاری، حفظ برادری، نگاه مشفقانه‌ی به یکدیگر. دشمن می‌خواهد این نباشد و شما سعی کنید که این چه که دشمن را خشمگین میکند، آن را انجام بدهید و آنچه که قلب مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را شاد خواهد کرد، او همین وحدت و مهربانی و همکاری و نشاط و حرکت انقلابی ملت ایران است.^۱

۵،۱۱. پرهیز از شایعه‌پراکنی علیه مسئولان و ایستادگی در برابر جنگ روانی

شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت می‌زنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس‌جمهور

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) ۸۸/۴/۱۵

باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضائیه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند.^۱

۶. مواضع نظام

۶.۱. انجام رسیدگی به اعتراضات تنها از طریق قانونی

در قضایای جاری بنده مُصر بودم و هستم و خواهم بود بر اجرای قانون؛ یعنی یک قدم از قانون فراتر نخواهیم رفت؛ قانون کشورمان، قانون جمهوری اسلامی. مطمئناً نه نظام، نه این مردم به هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت. نقطه‌ی مقابل قانون‌گرایی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری است. این هم دوستان حتماً میدانند و بدانند - اگر نمیدانند - که در زمینه‌ی روحی همه‌ی ما یک میل به دیکتاتوری وجود دارد؛ این را باید سرکوب کنید. همین طور که عرض کردیم، این فیلِ مستِ درون را با چکش قانون و دین و تعبد دائماً سر به راه نگه داریم. اگر خود ما علاج نکنیم، علاجه‌ش مشکل خواهد شد. اگر انقیاد به قانون نبود، روح دیکتاتوری یواش یواش بروز خواهد کرد. در جوامع، دیکتاتوری همین جور به وجود می‌آید.^۲

در همه‌ی قضایا - قضایای فردی، قضایای اجتماعی - اگر قانون ملاک عمل باشد، عدالت تأمین میشود. در همین قضایای اخیر هم ما عرض

۱. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۸۸/۹/۴

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۸۸/۴/۴

کردیم... در همین جا هم برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ‌تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت‌تر است. این را باید همه توجه کنند.^۱

۶،۲. برخورد با اخلاط‌گران و مجرمان

نظام اسلامی با اخلاط‌گران در امنیت مردم طبعاً برخورد میکند. این، وظیفه‌ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمیدهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه‌ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد.^۲

۶،۳. برخورد با مجرمان پشت پرده حوادث

یک بخش مهمی توی بیانات چند نفر از دوستانمان بود که اشاره داشت به مجرمانی که پشت پرده‌ی حوادث اخیر حضور داشتند، و اینکه چرا اینها محاکمه نمیشوند، چرا مجازات نمیشوند، چرا با اینها برخورد نمیشود. من به شما عرض بکنم؛ در قضایائی به این اهمیت، با حدس و گمان و شایعه و این چیزها نمیشود حرکت کرد. ما این انقلاب و این نظام عظیم را محصول

۱. بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه ۸۸/۴/۷

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) ۸۸/۴/۱۵

مجاهدت یک ملت بزرگ و فداکاری‌های عظیم جوانانی میدانیم که چه در دوره‌ی انقلاب، چه در دوره‌ی دفاع مقدس، چه بعد از آن تا امروز فداکاری کردند؛ مثل خود شماها، که در صحنه‌های مختلف حضور دارید و گاهی کارهای بزرگی انجام میگیرد. نمیتوانیم تداوم این نظام را و حرکت کلی این نظام را در سطحی که تصمیم‌گیری کلان رهبری در او لازم است، به حدس و گمان و این چیزها مبتنی کنیم.

این را شما بدانید، هیچگونه اغماضی از جرم و جنایت وجود نخواهد داشت؛ منتها ما - یا من یا شما، فرق نمیکند؛ چه شما که دانشجو هستید و زبانتان باز است و راحت حرف میزنید، چه من که یک مجموعه‌ای از تجربه و سالهای متمادی کارکرد در میدان را با خودم همراه دارم؛ در این جهت با هم فرقی نداریم - نمیتوانیم حکم کنیم که باید دستگاه قضا اینجور قضاوت کند؛ نه، دستگاه قضا باید نگاه کند، اگر دلائلی برای مجرمیت کسی، چه در زمینه‌ی سیاسی، چه در زمینه‌ی اقتصادی، چه در زمینه‌ی مفاسد گوناگون پیدا کرد، بر طبق او حکم کند. این شایعاتی که شما شنیده‌اید، بنده هم خیلی از این شایعات را میشنوم؛ ممکن است بسیاری از این شایعات مطابق واقع هم باشد و انسان شواهد و قرائنی هم برایش داشته باشد؛ اما قرینه و شاهد متفرق نمیتواند جرمی را علیه کسی اثبات کند؛ به این نکته توجه داشته باشید. لذا اینجور نیست که فرض کنیم یک مجرم قطعی پشت پرده‌ای وجود دارد که دستگاه بنا دارد از جرم او به یک دلیلی بگذرد.

نکته‌ی دیگری در کنار این هست: کارهایی که نظام در سطح کلان با جنبه‌ی شمولی که بعضی از مسائل دارد، انجام میدهد، بایستی با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب باشد؛ یک بعدی نمیشود به مسائل نگاه کرد. فکر میکنم اگر شما با این ملاحظات نگاه کنید، آنچه که تاکنون انجام گرفته و آنچه در آینده

انجام خواهد گرفت، هر ذهن بانصافی را قانع خواهد کرد.^۱

۶.۴. حمایت از آسیب دیدگان جانی، مالی و آبرویی

از جمله‌ی کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که در این حوادث اخیر عده‌ای آسیب دیدند - آسیبهای مالی، آسیبهای جانی، احیاناً آسیبهای آبرویی - مسئولین کشور باید به کمک آنها بشتابند. آسیب دیدگان باید مورد حمایت قرار بگیرند. آسیب‌زندگان باید شناسائی بشوند، مورد مؤاخذه قرار بگیرند؛ هر کی باشند.^۲

۶.۵. محاسبه اقدامات و مواضع خصمانه بیگانگان در روابط آینده

سی سال تجربه‌ی ایستادگی نظام جمهوری اسلامی هنوز بیدارشان نکرده است. تودهنی‌هایی که این ملت به سران زورگو و متجاوز آنها زده‌اند، اینها را به خود نیاورده است، به هوش نیاورده است؛ هنوز در کشور ما و در ملت ما، اینها طمع دارند. اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. چوب این اشتباه خودشان را هم خواهند خورد بلاشک.

ما این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه را از این دولتها محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده‌ی روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله‌گرها، این رفتار تأثیر منفی خواهد داشت؛ بلاشک؛ این را بدانند، بفهمند. ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمل بکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه‌دار و تثبیت شده است.^۳

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۷/۶/۴

۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۸۷/۵/۱۲

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین(ع) ۸۷/۴/۱۵

۶.۶. برخورد با تخلفات و جنایات صورت گرفته در خلال حوادث

موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل - حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند؛ شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدت اتفاق افتاده - یا مثلاً قضیه‌ی کهریزک را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاه‌های اجرائی است. اولاً این را به طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمیخواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه‌ها پخش بشود، باز یک پیوست زده بشود، باز یک پیرو زده بشود؛ من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد؛ اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود.

در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته‌ایم پرونده‌ی ویژه‌ای برای این کار تهیه شود و به طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی‌های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند؛ این را من به طور قاطع گفتم.

من از فعالیتهای پلیس امنیتی مان، پلیس انتظامی مان، دستگاه بسیج‌مان تشکر میکنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این یک بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمانها یک تخلفی انجام داده، یک جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده میگیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده میگیریم؛ حتماً باید دنبال بشود و دنبال خواهد

شد. همین طور قضیه‌ی کهریزک، که حالا آن اعلام شد، پخش شد. قضیه‌ی کوی دانشگاه هم دنبال میشود؛ حتی افرادی که کسانشان در این قضایا یا به قتل رسیدند - تعداد معدودی هستند - یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند. بنا شده برای هر کدام اینها پرونده‌ی جداگانه‌ای تشکیل بدهند. دستور داده‌ایم، گفته‌ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد.^۱

همه‌ی کسانی که در این قضایا یک آسیبی بر آنها وارد شده - به هر نوعی، از سوی هر کسی - بدانند که بنای نظام و تصمیم نظام بر مجامله کردن نیست. همان‌طور که ما با کسانی که با نظام صریحاً معارضه می‌کنند، بنای بر مجامله نداریم، معتقد به ایستادن در موضع قانون و موضع حق هستیم، عیناً همان‌طور، اگر چنانچه در مجموعه‌ی منتسب به نظام، تخلفی انجام بگیرد، کار بدی انجام بگیرد، خدای نکرده جنایتی انجام بگیرد، باز هم اعتقاد من همین است. ما در موضع قانون، در موضع حق باید بایستیم. خدای متعال کمک کند بتوانیم این چیزی را که می‌خواهیم، انجام بدهیم. مسئولین دارند تلاش می‌کنند در این زمینه؛ إن شاء الله که همین خواهد شد.^۲

۶.۷. پایبندی به جذب حداکثری و دفع حداقلی

(اگر) کسی عقیده‌ای مخالف داشته باشد، کاری به کار نظام نداشته باشد، نظام با او کاری ندارد. بعضی رائج کرده‌اند: «دگراندیشان». نظام با دگراندیشان چگونه رفتار میکند؟ نظام با دگراندیشان کاری ندارد. این همه دگراندیش هست. دگراندیش سیاسی که بالاتر از دگراندیش دینی نیست. خوب، ما اقلیت‌های دینی داریم که دگراندیشند، توی مجلس شورای اسلامی هم عضو

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، در پاسخ به سخنان دکتر روح‌الامینی ۸۸/۶/۸

دارند، در مناصب مختلف هم حضور دارند. بنابراین بحث دگراندیشی نیست؛ بحث مخالفت است، بحث معارضه است، بحث ضربه زدن است، در مقابل نظام و در مقابل انقلاب شمشیر کشیدن است. آنی که نظام با او برخورد میکند، این است. اما اگر اختلاف، اختلاف در سلاطین است، در روشهاست، نه، این اختلافات مضر نیست؛ نافع هم هست.

اشکالی ندارد که مسئولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعفهای آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار میکند. اینجور نیست که وجود منتقدین و کسانی که این روش را قبول ندارند، آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد؛ منتها باید در چهارچوب نظام باشد؛ این اشکالی ندارد، این مخالفت هیچ مخالفت مضر نیست؛ نظام هم مطلقاً با یک چنین مخالفتی برخورد نمیکند. البته انتقاد باید در چهارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه‌ای نیست که هر که از یک گوشه‌ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول میرویم، می‌بینیم بیگانگی از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیت‌نامه‌ی امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاستهای کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب، اختلاف نظر، اختلاف ممشا، اختلاف سلیقه عیب نیست، که حسن است؛ مضر نیست، که مفید و نافع است. این یک مطلب است که در میدان معارضات اینچنینی، نظام با هیچ کس برخورد نمیکند. آنجائی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصدد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند - از این کارهای خلافی که انجام میگیرد؛

دروغ‌پراکنی و شایعه - نظام هیچگونه مسئله‌ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان میکنند؛ نظام برخورد نمیکند. بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است؛ این را همه توجه بکنند. آن کسانی هم که نظر مخالف دارند، نظرات مخالف با نظرات رسمی دارند، در این چهارچوب میتوانند خودشان را مقایسه کنند. اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد.^۱

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کانه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را - که مبارزات انتخاباتی بود - یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه‌ی با نظام - البته اینها اقلیتند، کوچکنند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صفرند، لکن به نام اینها شعار میدهند، اینها هم دل خوش میکنند به این - این باید مایه‌ی عبرت باشد.^۲

۷. پیامها، تجربه‌ها و درسها

۷.۱. قدرت جمهوری اسلامی در به صحنه آوردن مردم

اولین پیام این انتخابات این بود که جمهوری اسلامی با گذشت سی سال، قدرت به صحنه آوردن و بسیج ملی را در حدی دارد که نصابهای متعارف جهانی را رد کرده است و از همه‌ی اینها عبور کرده است. بعضی‌ها در طول این سالها انتظار داشتند که نظام اسلامی با گذشت زمان کهنه بشود، از چشم

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۷/۶/۲۰

۲. بیانات در دیدار طلاب و روحانیون ۸۷/۹/۲۲

مردم بیفتد و قدرت بسیج توده‌ای خود را از دست بدهد، این انتخابات نشان داد که نظام اسلامی هر روز که گذشته است، قدرت بسیج توده‌ای آن افزایش یافته؛ در جلب اعتماد آحاد ملت موفق‌تر شده است. این خیلی حقیقت مهمی است. بعضی از قضایای حاشیه‌ای، این متنهای مهم را از نظر دور نگه میدارد. متن حقیقت در این انتخابات این است که انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، آنچنان زنده و جذاب و رو به رشد است که با گذشت سه دهه، قدرت به صحنه آوردن مردم را در این حد دارد. یک نصاب هشتاد و پنج درصدی که یک نصاب بی نظیر یا لاقول کم نظیری است در همه‌ی سطح جهان.^۱

بزرگترین ثروت برای یک نظام همین است که مردم پشت سرش باشند. آمدند به اصطلاح خواستند این حرکت مردمی را خراب کنند؛ گفتند راهپیمائی حکومتی! بی عقلها نفهمیدند که با این حرف دارند حکومت را تعریف میکنند؛ دارند از حکومت تمجید میکنند. این چه حکومتی است که در ظرف دو روز - روز عاشورا یکشنبه آن خباثتها را راه انداختند، روز چهارشنبه این حرکت عظیم راه افتاد - میتواند یک چنین بسیج عظیم ملی را در سرتاسر کشور بکند؟ امروز کدام کشور دیگر، کدام حکومت دیگر چنین قدرتی دارد؟ قوی‌ترین حکومت‌های دنیا و ثروتمندترینشان - که ولخرجی‌های زیادی هم برای جاسوس‌پروری و خرابکاری و تروریست‌پروری دارند - اگر همه‌ی تلاششان را هم بکنند، نمیتوانند ظرف دو روز، صد هزار نفر آدم را بیاورند توی خیابانهای شهرشان یا کشورشان. چند ده میلیون انسان در سرتاسر کشور بیایند! اگر به دستور حکومت آمده باشند، این خیلی حکومت مقتدری است؛ پس خیلی حکومت قوی‌ای است که اینجور امکان بسیج را دارد. اما حقیقت غیر از این است؛ حقیقت این است که در کشور ما حکومت

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۸۷/۵/۱۲

و مردمی وجود ندارد - همه یکی اند - مسئولین حکومت، از شخص حقیر این بنده گرفته تا دیگران، هر کدام قطره‌هایی هستیم در اقیانوس عظیم این ملت.^۱

۷.۲. اثبات جمهوری نظام

با آن انتخابات پرشور و فراموش‌نشدنی، نشان داده شد که ملت ایران برای مدیریت کشور احساس مسئولیت میکند و با اراده‌ی خود، با اختیار خود، قدم به میدان میگذارد، برای اینکه مسئولین کشور را تعیین بکند؛ که این خیلی فرصت مهمی است برای نظام و برای انقلاب. در واقع ملت بزرگ ما، با حضور هشتاد و پنج درصدی در صحنه، بیعت دوباره‌ای با انقلاب کردند، بعد هم رئیس‌جمهوری را انتخاب کردند با قریب بیست و پنج میلیون رأی، که این هم یک نصاب جدیدی برای دولت و برای رؤسای جمهور ما بود. و اینها پیام داشت؛ هم آن حضور هشتاد و پنج درصدی - چهل میلیونی - پیامهایی در خود دارد، هم این انتخاب قریب بیست و پنج میلیونی. اینها پیام دارد و باید این پیامها را فهم کرد. و اگر دولتی و مسئولانی این پیامها را درست درک نکنند و نخبگان و زبندگان سیاسی جامعه با تأمل در این پیامها بنگرند، خیلی از گره‌هایشان حل خواهد شد؛ مشکلاتشان حل خواهد شد. یکی از اساسی‌ترین حرفهائی که در این انتخابات ملت ما زد - و در واقع باید گفت انقلاب ما زد - این بود که جمهوریّت خودش را با فریاد قوی اثبات کرد. در واقع این حضور هشتاد و پنج درصدی، پتک جمهوریّت بود بر سر دشمنانی که دائم علیه انقلاب هی حرف زدند، علیه اسلام حرف زدند، در پایه‌های جمهوریّت نظام به خیال خودشان خدشه کردند. آن حضور قوی،

۱. بیانات در سالروز قیام مردم قم ۸۸/۱۰/۱۹

نشان‌دهنده‌ی این معنا بود. بعد هم ملاحظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزشها، دلبستگی به ارزشها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده میشد که منطبق با این کلی نبود، اما همه آنچه که میگفتند و آنچه که مطرح میکردند، میخواستند این را نشان بدهند که دلبستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه‌های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشان‌دهنده‌ی این است که همه احساس کردند که ملت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلی حرکت ملت ایران را نشان میداد؛ یعنی جهت اسلامیت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی‌ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیت نظام، با این انتخابات هر دوی اینها تثبیت شد؛ تأیید شد. اینها پیامهای مهمی است؛ اینها را باید درک کرد و باید این پیامها را فهم کرد.^۱

۷،۳. وجود اعتماد متقابل میان مردم و نظام اسلامی

پیام دیگر این انتخابات و این حضور عظیم مردمی، وجود اعتماد متقابل میان نظام اسلامی و مردم است. اینکه در این انتخابات، عرصه برای گفتگو کردن، برای ورود افراد با گرایشهای مختلف، برای به صحنه آوردن و روی دایره ریختن نظرات گوناگون، باز شد. این، نشانه‌ی اعتماد به نفس نظام است و نشانه‌ی این است که نظام اسلامی به مردم خود اعتماد دارد؛ به مردم اعتماد میکند. متقابلاً مردم هم به نظام اعتماد کردند، آمدند آراء خودشان را در صندوقها ریختند. اگر اعتماد به نظام نباشد، این توجه مردمی، این اقبال مردمی، وجود نخواهد داشت. این کسانی که دم از بی‌اعتمادی مردم

۱. بیانات در جمع هیئت دولت ۸۸/۶/۱۸

میزنند - اگر این سخن از روی غرض نباشد، از روی غفلت است - کدام اعتماد از این بالاتر که مردم می‌آیند در عرصه‌ی انتخابات وارد میشوند، به نظامشان، به دولتشان اعتماد میکنند، رأی خود را به آنها می‌سپارند و منتظر میمانند که نتیجه‌ی این رأی‌گیری را از آنها بشنوند؟ این اعتماد بالای مردم است. این اعتماد به توفیق الهی، به فضل الهی همچنان هست و ما انتظار داریم از مسئولان کشور، از دست‌اندرکاران بخشهای مختلف که با رفتار خود همچنان این اعتماد را افزایش بدهند. این سرمایه‌ی اصلی نظام اسلامی است.^۱

حواشی ایجاد شده به وسیله‌ی یک عده دشمن، یک عده غافل، از بین میروند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در یک انتخابات پرشکوه، تقریباً چهل میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده‌اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهل میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس‌جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گرد و غبارها، پیرایه‌ها، کارها و حرفهای دشمن‌شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ».^۲

همه‌ی این بلوهای که شما مشاهده کردید در دوره‌ی بعد از انتخابات پیش آمد و پیش آوردند و آنها حمایت کردند، برای همین بود که شاید بتوانند پشتوانه‌ی مردمی انقلاب را ضربه بزنند و از انقلاب بگیرند. بنده

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۸۷/۵/۱۲

۲. بیانات در زادروز میلاد امیرالمومنین (ع) ۸۷/۴/۱۵

عرض کردم نشانه‌ی اعتماد مردم به این نظام، حضور چهل میلیونی در انتخابات بود. حالا در رادیوهای بیگانه و متأسفانه بعضی هم در داخل هم‌نوی با آنها، می‌اصرار و تکرار که بله، اعتماد مردم از نظام سلب شده! این، جواب آن حرف است. آنجا ما گفتیم اینی که هشتاد و پنج درصد مردم می‌آیند رأی میدهند، چهل میلیون پای صندوقها می‌آیند، به هر کسی که رأی میدهند، خود آمدن پای صندوق، نشانه‌ی اعتماد مردم به نظام است - که حقیقت قضیه هم همین است - اینها برای اینکه این حرف را دروغ از آب در بیاورند، مکرر در مکرر تبلیغات کردند که اعتماد مردم از دست رفته؛ چه کار کنیم؟ حالا بعضی در لباس دلسوزی گفتند چه کار کنیم که اعتماد برگردد! مردم به نظام اعتماد دارند، نظام هم به مردم اعتماد دارد. ان‌شاءالله خواهید دید در انتخابات آینده - که حالا دو سه سال دیگر است - همین مردم با وجود همین بازیگری‌ای که مخالفان و دشمنان و غافلان و بی‌خبران داخلی کردند، یک حضور مستحکم قوی‌ای در انتخابات خواهند داشت.^۱

۷،۴. وجود نشاط و امید در مردم

پیام دیگر هم در این انتخابات بود و آن وجود نشاط و امید در مردم است. این البته در کشور ما و جامعه‌ی ما یک چیز طبیعی است؛ چون اکثریت کشور ما جوان هستند و جوان، مظهر نشاط است؛ مظهر امید است. با امید وارد میدان شدند - امید به آینده اگر نباشد، دل ناامید و افسرده وارد میدان انتخاب نمیشود - حضور مردم، حضور جوانها، نشانه‌ی امیدواری آنهاست.^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۸/۶/۲۰

۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۸۸/۵/۱۲

۷.۵. هوشیاری و بیداری ملت

فتنه‌ی سال گذشته جلوه‌ای از توطئه‌ی دشمنان بود؛ فتنه بود. فتنه یعنی کسانی شعارهای حق را با محتوای صددرد صد باطل مطرح کنند، بیاورند برای فریب دادن مردم. اما ناکام شدند. هدف از ایجاد فتنه، گمراه کردن مردم است. شما ملاحظه کنید؛ مردم ما در مقابله‌ی با فتنه، خودشان به پا خاستند. نهم دی در سرتاسر کشور مشت محکمی به دهان فتنه‌گران زد. این کار را خود مردم کردند. این حرکت - همان طوری که گویندگان و بزرگان و همه بارها گفته‌اند - یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه‌ی این است که این مردم بیدارند، هشیارند. دشمنان ما باید این پیام را بگیرند. آن کسانی که خیال میکنند میتوانند میان نظام و میان مردم جدائی بیندازند، ببینند و بفهمند که این نظام، نظام خود مردم است، مال مردم است. امتیاز نظام ما به این است که متعلق به مردم است. آن کسانی که با همه‌ی وجود نظام جمهوری اسلامی را و اسلام را و این پرچم برافراشته را در این کشور نگه داشته‌اند، در درجه‌ی اول خود مردمند؛ دشمنان ما این را بفهمند. سردمداران دولتهای مستکبر - و در رأس آنها آمریکا - علیه ملت ما حرف میزنند، توطئه میکنند، گاهی شعار میدهند، گاهی اظهارات مزورانه میکنند، گاهی صریحاً دشمنی میکنند، گاهی در لفافه میبرند؛ اینها همه برای این است که تحلیل درستی از مسائل ایران و شناخت درستی از ملت ایران ندارند. ملت ما ملت بیداری است، ملت هشیاری است.^۱

۷.۶. امکان ضربه زدن دشمن حتی در بهترین شرایط

تجربه‌هایی این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسئولان

۱. بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان ۸/۱۰/۸۹

ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه‌مان جدی بگیریم؛ هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرایط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه‌ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه‌ی امیر مؤمنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «و من نام لم ینم عنه». در عرصه‌ی زندگی سیاسی دچار خواب‌آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما می‌گوئیم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی‌ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه‌های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می‌آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می‌آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما - همه‌ی ما، همه‌ی آحاد مردم - تجربه‌ی هشداردهنده‌ای باشد. اگر ما در صحنه‌ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج درصدی، نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛

اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دستهایی به کار افتادند برای اینکه ضربه‌ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زبان نیست؛ آحاد ملت، گرایشهای مختلف سیاسی، دلبستگان به کشور، دلبستگان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند.

دستهایی از مدتها پیش در کار بودند، مقدماتی فراهم میکردند که بتوانند از مقطع انتخابات علیه ملت ایران استفاده‌ای بکنند. خوشبختانه ملت ایران هوشیار بود و هوشیار است. فضا را غبارآلود کردند، دهانها را قدری تلخ کردند؛ اما نتوانستند آن کاری را که میخواهند، انجام بدهند. این هوشیاری شما ملت بود. این تجربه‌ی ما بود که بدانیم دشمن ما کمین کرده است.^۱

۷،۷. وجود خطرهای بزرگ پس از پیروزیهای بزرگ

معمولاً بعد از پیروزی‌های بزرگ، خطرهای بزرگ وجود دارد. ببینید، خرمشهر وقتی آزاد شد، خوب، خیلی پیروزی بزرگی بود - آنهایی که درست یادشان هست، سال ۶۱ - خیلی کار عظیمی بود؛ هم از لحاظ سیاسی مهم بود، هم از لحاظ نظامی بسیار پیچیده و مهم بود، هم از لحاظ اجتماعی و نگاه عمومی و دل مردم، چقدر مهم بود و تأثیر داشت. از همه جهت کار عظیمی بود. همه، از جاهای مختلف آمدند. من آن وقت رئیس‌جمهور بودم. آقایان رؤسای جمهور چندین کشور - پنج شش تا، هفت تا کشور - آمدند اینجا با ما ملاقات کردند و صریحاً به ما گفتند که الان دیگر وضع شما با گذشته فرق میکند؛ بعد از این فتح بزرگی که انجام گرفت. یعنی اینقدر ابعاد داخلی و خارجی این حادثه عظیم بود. امام واقعاً یک معلم بود. امام یک

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۲/۵/۸۷

معلم اخلاق بود. تا این حادثه‌ی عظیم، با این عظمت، با این حجم پیدا شد، از همان ساعت اول تو خیابان اثرش در روحیه‌ی مردم فهمیده شد، امام فوراً درد را احساس کرد، درمانش را بلافاصله داد: «خرمشهر را خدا آزاد کرد». این معنایش این بود که فرماندهان مسلحی که این همه سختی کشیده بودند، این همه رنج برده بودند، آن خون دلها را خورده بودند، چقدر شهیدهای خوب و بزرگ ما در همین فتح بیت‌المقدس دادیم، بر اثر این همه مجاهدت، حالا این کار بزرگ انجام گرفته، اینها مغرور نشوند. سیاسیونی که در مساند قدرت نشسته‌اند، از این پیروزی بزرگی که در عرصه‌ی سیاسی برایشان پیدا شد، بر اثر این حادثه مغرور نشوند: «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی».

من و شما کاره‌ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است. من و شما وسائلی هستیم که اگر عقل به خرج بدهیم، اختیار خودمان را به کار بیندازیم، وارد میدان بشویم، از ما برای حصول این هدف استفاده خواهد شد و افتخار و شرفش برای ما میماند. اما اگر ما هم نباشیم: «فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه».

بار خدا بر زمین نمیماند، پیش خواهد رفت؛ یک حرکت طبیعی، ناموس طبیعت است، ناموس تاریخ است. «سنّة الله الّتی قد خلت من قبل». با تعبیرات مختلف در جاهای مختلف قرآن آمده: «و لن تجد لسنة الله تبديلا». این سنت الهی است. «و لو قاتلكم الذین كفروا لولوا الا دبار ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا سنة الله الّتی قد خلت من قبل». این، یک جایش است. «و لن تجد لسنة الله تبديلا»؛ یعنی اگر شما بیائید توی میدان، بر دشمنتان پیروز خواهید شد؛ یعنی این سنت الهی است؛ حالا این پیروزی ممکن است یک روزه و یک ساله نباشد، اما در نهایت پیروزی است. این پیروزی قطعاً حاصل خواهد شد. شکست

و انهمام در جبهه‌ی حق معنی ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق توی میدان نیایند؛ کار لازم را نکنند؛ این است دیگر. بنابراین، کار، کار خداست: «و ما رمیت اذ رمیت». اینجا هم همین جور است. روزبه‌روز شما مسئولین، شما رئیس‌جمهور محترم، همه‌ی کسانی که دلبسته‌ی به این حرکت هستند، روزبه‌روز قدرشناسی‌تان از لطف الهی، از دست قدرتی که دل‌های مردم را به این جهت هدایت میکند، باید بیشتر بشود.^۱

به نظر من، فتنه‌ی سال ۸۸ هم همین بود؛ برای ما یک زنگ بود، یک زنگ بیدارباش بود. بعد از آنی که در یک انتخاباتی، چهل میلیون شرکت میکنند و همه‌ی ما تا آخر شب، خوشحال، خرسند که پای صندوق‌های رأی مردم جمع شدند و تا آخر شب رأی دادند - و البته هنوز عدد گفته نشده بود، همه هم لذت میبردند - ناگهان از یک گوشه‌ای، فتنه‌ای شروع میشود؛ ما را بیدار میکند؛ میگوید: به خواب نروید، غفلت نکنید، خطرهای در مقابل شما وجود دارد و آن خطرها اینهاست. به نظر من، همه‌ی حوادث را اینجوری باید نگاه کرد.^۲

۷۰۸. تغییر اولویت دشمن به مواجهه نرم با جمهوری اسلامی

همه این را امروز فهمیده‌اند و دانسته‌اند که مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه‌ی دهه‌ی اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زورآزمایی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه‌ی سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورشهای قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ

۱. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۸۷/۶/۱۸

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۹/۶/۲۵

تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛ پس دنبال این راه‌ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه‌ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن می‌گویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.^۱

اینی که حالا معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، می‌گویند: جنگ نرم؛ راست است، این یک واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال ۶۷ - همیشه این را گفته‌ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می‌بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی‌بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم تجهیز را، می‌بینم صف‌آرایی‌ها را، می‌بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه‌ی این آرمانها و علیه همه‌ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته‌اند؛ اینها را انسان دارد می‌بیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم.^۲

امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمی‌گوئیم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی

۱. بیانات در دیدار بسیجیان ۸۸/۹/۴

۲. بیانات در دیدار شعرا ۸۸/۶/۱۴

اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمیخواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیائیم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شک؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.^۱

۷،۹. آشکار شدن عظمت نظام و انقلاب اسلامی برای دشمن

دشمنان ما هم از این انتخابات به نظر من یک تجربه‌ای اندوخته‌اند، و اگر نیندوختند، باید بیندوزند. و آن این است که: دشمن بداند با چه حقیقتی روبه‌رو است؛ در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این جور کارهای پیش پا افتاده میتوان به زانو درآورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال ۱۳۵۷، یک کاریکاتور از آن

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۸۸/۷/۲

انقلاب، میتوانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرفها شکست نخواهد خورد.

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه‌داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه‌هایی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ». با تقلید از رهبر عزیز و عظیم‌الشان انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، باهمه‌ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند. این تجربه‌ای است برای دشمن.^۱

۱۰۷، ۱۰۸ احتمال منتهی شدن لغزشهای کوچک به لغزشهای بزرگ و فاسد شدن

انسان

نکته‌ای که فعالان سیاسی، مسئولان، صاحبان قدرت، صاحبان مسئولیتهای گوناگون و متنفذین بشدت بایستی مراقب آن باشند، مسئله‌ی انحراف و فسادپذیری شخصی است؛ همه‌مان باید مراقبت کنیم. انسانها در معرض فسادند، در معرض انحرافند. گاهی لغزشهای کوچک، انسان را به لغزشهای بزرگ و بزرگتر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق دره‌هایی منتهی میکند؛

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۲/۵/۸۸

خیلی باید مراقب بود. قرآن هشدار داده است. در موارد متعدد، در قرآن این هشدار وجود دارد. یک جا میفرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السَّوْأَىٰ ان كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ عاقبت بعضی از کارها این است که انسان به آن خانه‌ی بدترین میرسد که تکذیب آیات الهی است. یک جا میفرماید: «فَاعْقِبْهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِم إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ»؛ خلف وعده‌ی با خدا کردند، این موجب شد نفاق در دلهایشان به وجود بیاید. یعنی انسان گناهی انجام میدهد، این گناه انسان را به وادی نفاق میکشانند؛ که نفاق، کفر باطنی است. همین جا در قرآن، کافرین و منافقین در کنار هم هستند. در یک آیه‌ی دیگر میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا». اینی که می‌بینید یک عده‌ای در مقابل دشمن منهزم میشوند، طاقت نمی‌آورند، نمیتوانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلاً از اینها سر زده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده‌اند. لغزشها انسان را فاسد میکند. این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی میشود. این هم بمرور پیش می‌آید؛ دفعتاً پیش نمی‌آید که ما فکر کنیم یک نفری شب مؤمن می‌خوابد، صبح منافق از خواب بیدار میشود؛ نه، بتدریج و ذره ذره پیش می‌آید. این، علاجش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا. بنابراین علاجش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زنها از شوهرهایشان، شوهرها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ». از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسئولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسئولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است. انسان گاهی در بعضی

از حرفها، در بعضی از اقدامها و تحرکات، این را احساس میکند؛ نشانه‌های یک چنین انحرافی را انسان مشاهده میکند. به خدا باید پناه برد، از خدا باید کمک خواست.^۱

۷،۱۱. امکان متوجه نبودن کسی که در داخل، محور توطئه قرار گرفته است توطئه توهم نیست؛ اینجور نیست که شما خیال کنید توطئه نسبت به این کشور، یک توهم است؛ نه، یک واقعیت است؛ از همه طرف دارد توطئه میشود. ممکن است آن کسی که در جهت آن توطئه‌ها در داخل کشور محور حرکت قرار میگیرد، خودش اصلاً نفهمد فهمیدن این هم ذکاوت می‌خواهد. بعضی‌ها این ذکاوت را ندارند. ما آدمها را تجربه کردیم؛ نمیفهمند دارند به ساز کی میرقصند. ولی، این واقعیت را عوض نمیکند که آنها بفهمند یا نفهمند؛ بدانند یا ندانند.^۲

به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه‌ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست‌اندرکار بودند، که اینها دست‌نشانده‌ی بیگانه‌هایند یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم - اما آنی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه‌ی نشانه‌ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.^۳

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۸۸/۶/۲۰

۲. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۸۸/۸/۶

۳. بیانات در دیدار دانشجویان ۸۸/۶/۴

۷،۱۲. نمایش تبدیل نظام به یک مجموعه ضد ضربه و مصون از توطئه

دشمنان

من می‌بینم در همین حوادث سیاسی اخیر و در مجموع حوادث این سی سال، کشور بتدریج به مجموعه‌ی مصونیت‌دار، ضد ضربه، ضد بمب تبدیل شده؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی. شوخی نیست. شما قدرت امنیتی و جاسوسی و تبلیغاتی این سرویس‌های گوناگون امنیتی و تبلیغاتی دنیا را دست‌کم نگیرید. همه این را احساس میکنند - حالا شاید کسانی که کمتر توی مقوله‌های گوناگون تبحر داشتند، کمتر ببینند - هالیوود را شما دست‌کم نگیرید. قدرت اثرگذاری هنری - همین طور که یکی از خانمها هم گفتند - در غرب و چینش بسیار دقیق حروف تبلیغات در دنیای غرب را دست‌کم نگیرید. همه‌ی این نیروی عظیم، به اضافه‌ی ثروت بی‌پایان، به اضافه‌ی دستگاه‌های عظیم سیاسی و تبلیغاتی، افتادند به جان جمهوری اسلامی. امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمیکنید که اینجور آماج حملات باشد. و جمهوری اسلامی دارد مقاومت میکند. این شوخی است؟ این موجودِ هفت‌جوشِ مستحکمِ مصونیت‌یافته دارد مقاومت میکند. این، کم چیزی نیست.

در عین حال این کشور، این نظام نه فقط سست نمیشود، ضعیف نمیشود؛ جامعه‌ی علمی‌اش، جامعه‌ی پیشرفته‌اش - که همین شما جوانها باشید - امروزش از ده سال قبلش به صورت آشکاری جلوتر میرود. این معنایش چیست؟ این معنایش حقانیت است. این معنایش اصالت است. این معنایش ریشه‌دار بودن است. «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة طيبة کشجرة طيبة»؛ اعتقاد ما این است. ما با اعتقاد، با دل کار میکنیم. من کمبودها را نفی نمیکنم؛ بیشتر از خیلی از منتقدین، بنده کمبودها را میدانم؛ منتها راه رفع کمبودها،

این چیزهایی که تصور میشود، نیست که حالا بیا اعلام کن که مثلاً فلان جا فلان جور چه جوری است؛ نه، خیلی چیزها با اعلام درست نمیشود، با کار درست میشود.^۱

از روز اول، آمریکائی‌ها علیه جمهوری اسلامی توطئه کردند. خوب، این توطئه‌ها زائد است که بگوئیم بی‌اثر بود؛ واضح است که بی‌اثر بود؛ اگر این توطئه‌ها بی‌اثر نبود که حالا باید اثری، نشانی از جمهوری اسلامی باقی نباشد؛ می‌بینید که جمهوری اسلامی امروز ده‌ها برابر قوی‌تر از روز اول است؛ پس این توطئه‌ها بی‌اثر بود. امروز هم هی نقشه‌های جدیدی میزنند، باز هم توطئه میکنند؛ عبرت هم نمیگیرند. من تعجب میکنم! به گذشته فکر نمیکنند که خوب، این همه توطئه کردیم، این همه علیه جمهوری اسلامی پول خرج کردیم، این همه اینجا آنجا این را دیدیم، آن را دیدیم، در داخل مزدور پرورش دادیم، در بیرون این و آن را علیه جمهوری اسلامی بسیج کردیم؛ اثری نکرد. باز دوباره می‌نشینند چهل و پنج میلیون دلار بودجه تصویب میکنند، برای اینکه جمهوری اسلامی را شکست بدهند! بودجه تصویب میکنند که از طریق اینترنت، انقلاب ایران را از بین ببرند؛ جمهوری اسلامی را سرنگون کنند!

بینید چقدر این دشمن، دشمن در مانده‌ای است. خوب، شما چند ده «چهل و پنج میلیون دلار» را تا حالا مصرف کرده‌اید؟ چقدر شما برای شکست دادن جمهوری اسلامی کار دیپلماسی کردید، تحریم اقتصادی کردید، انواع و اقسام توطئه‌ها را کردید، جاسوس فرستادید، جاسوس تربیت کردید؛ چه فایده‌ای کردید که حالا باز میخواهید از این طریق وارد شوید و ملت ایران را به خیال خودتان از انقلاب جدا کنید؟ این را دشمن نمیفهمد.

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۸۸/۸/۶

این، همان سنت الهی است؛ این، همان زدن به چشم و گوش دشمن غافل از خدای متعال است که حقائق را نفهمد؛ غافل کردن دشمن است. «فسینفقونها ثمّ تکون علیهم حسرة»؛ پول را خرج میکنند، بعد هم برایشان حسرت میشود؛ چون بی‌فایده است. من میدانم چقدر نشستند طراحی کردند، کار کردند تا بتوانند در تهران به یک بهانه‌ای آشوب راه بیندازند؛ خدا میداند که از چه مدت قبل اینها نشستند طراحی کردند؛ خوب، چه شد؟ غیر از این شد که مردم از آنچه که بودند، بیدارتر شدند؟ اگر کسی خیال میکرد که لازم نیست دیگر بیاید توی میدان، از نظام جمهوری اسلامی دفاع کند، با این حوادث، همه احساس کردند که باید همیشه برای دفاع از جمهوری اسلامی حاضر باشند.

گاهی هم هست که این بازی‌هایی که دشمن درمی‌آورد، برای باج گرفتن از جمهوری اسلامی است. اول انقلاب هم همین جور بود؛ بعضی از این گریه‌رقصانی‌هایی که میکردند، برای این بود که نظام جمهوری اسلامی را وادار کنند که آنها را در قدرت سهیم کند، شریک کند، بدون استحقاق؛ بدون اینکه مردم این را خواسته باشند، پشتوانه‌ی مردمی‌ای وجود داشته باشد. گاهی اینجور است که دشمنان بین‌المللی ما این جنجالها را راه می‌اندازند، برای اینکه جمهوری اسلامی را وادار کنند به باج‌دهی؛ مثل خیلی از دولتهایی که بمجردی که یک خطری احساس میکنند، میروند در مقابل ارباب بزرگتر، حاضر میشوند باج بدهند؛ باج پولی بدهند، باج سیاسی بدهند. امام باج نداد - این را همه بدانند - ما هم به هیچ کس از طرف ملت ایران و از طرف خودمان باج نخواهیم داد.^۱

۱. بیانات در دیدار مردم آمل ۸۷/۱۱/۶

۷،۱۳. شناختن ضعفهایمان

در امتحانهائی از قبیل همین حوادثی که حول و حوش انتخابات پیش آمد - بعد از انتخابات و قبل از انتخابات - دیدیم که در همین زمینه‌ها ضعفها و مشکلاتی داریم. این حوادث برای ما نعمت بزرگی است؛ از این جهت که ضعفهای خودمان را بشناسیم؛ مثل رزمایشهایی که نیروهای مسلح راه می‌اندازند. رزمایش اصلاً برای همین است که این یگان نظامی یا این سازمان نظامی، نقاط ضعفش را پیدا کند. هدفی را میدهند، فرمان صادر میشود که به سمت آن هدف حرکت بکنند؛ بعد چشمهای بصیر و بینائی - در همه‌ی رزمایشها اینجور است - می‌ایستند و از بالای صحنه، صحنه را نگاه میکنند. می‌بینند که بله، در فلان نقطه، ضعف وجود دارد یا بعضاً ناتوانیهای مزمن وجود دارد. این برای ما یک رزمایش شد. البته به اختیار خود ما پیش نیامد؛ بر ما تحمیل شد؛ اما خوب شد؛ ضعفهای خودمان را فهمیدیم. بنابراین این آرمانها، بالای سر ماست و باید به سمت این آرمانها حرکت کنیم؛ آن وقت این ضعفها برطرف خواهد شد.^۱

۸. سرانجام

۸،۱. حل شدن حوادث در هاضمهی نظام

همه ملاحظه کردید، کشور در برهه‌ای از زمان در معرض یک آزمون سیاسی بسیار تعیین کننده‌ای قرار گرفت و همان طور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمهی نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید. من قبلاً هم گفتم، بروز چنین حوادثی برای ما هیچ

۱. بیانات در جمع شاعران - ۸۸/۶/۱۴

خلاف انتظار نیست. یعنی حالا اگر تعبیر دقیقتری بخواهم بکنم، «چندان» نگوئیم؛ «هیچ» خلاف انتظار نیست. یعنی تا حدود زیادی انتظار حوادثی از این قبیل هست، به دلایل گوناگون: رسالتی که برای نظام قائلیم، رسالتی که برای اسلام قائلیم، معنائی که برای جمهوری اسلامی در ذهنمان داریم، تعریفی که جمهوری اسلامی از خودش برای ما در طول این سی سال کرده، هوشمندی مردم‌مان و جوانان‌مان که به تجربه رسیده، وجود آزادی‌ناگزیر که به حکم اسلام باید این آزادی در کشور باشد و ما به آن اعتقاد داریم.^۱

جمهوری اسلامی قوی‌تر از این حرفهاست، عمیق‌تر از این حرفهاست، ریشه‌دارتر از این حرفهاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت‌تری هم مواجه شده، که بر همه‌ی اینها فائق آمده؛ حالا چهار نفر آدمهایی که یا ساده‌لوح - حالا هرچه و با هر انگیزه‌ای؛ قضاوت نکنیم - هستند، یا با نیت بد و خبثت‌آلود، یا با نیت نه‌آنچنان بد، اما همراه با ساده‌لوحی و بد فهمیدن قضایا، با جمهوری اسلامی مواجه شده‌اند، اینها نمیتوانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند؛ این را بدانند: ملت ایران ایستاده است.^۲

۸.۲. حماسه ۹ دی

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرایط کنونی - که شرایط غبارآلودگی فضاست - این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ۸/۶/۸۸

۲. بیانات در جمع دانشجویان و دانش‌آموزان ۸/۸/۸۸

می‌بیند. این کارها کارهائی نیست که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت حساسی - که من بارها این را نقل کرده‌ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذِ بابصیرت، آن مرد خدا.

روزهای سال، به طور طبیعی و به خودی خود همه مثل همند؛ این انسانها هستند، این اراده‌ها و مجاهدتهاست که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمیکشد و آن را مشخص میکند، متمایز میکند، متفاوت میکند و مثل یک پرچمی نگه میدارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا - دهم محرم - فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز جان میدهد، معنا میدهد، او را تا عرش بالا میبرد؛ این مجاهدتهای یاران حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز، این خطورت و اهمیت را میبخشد. روز نوزدهم دی هم همین جور است، روز نهم دی امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمند که ناگهان با یک حرکت - که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته‌ی از بصیرت است، از دشمن‌شناسی است، از وقت‌شناسی است، از حضور در عرصه‌ی مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز میکنند.

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض میکنم روز نُه دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار

را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آنجائی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه.

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از اینجا میبیند؛ و این نشان میدهد که یک ملت و یک مجموعه‌ی انسانی چه نقشی میتواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب میکرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. یک ملت وقتی بیدار میشود، اینجور میتواند همه‌ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه‌ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباری خودشان به وجود آوردند، این خط تولید را بیداری یک ملت اینجور کند یا متوقف میکند. اگر همه‌ی ملت‌های مسلمان بیایند توی میدان، چه میشود! اگر همه‌ی ملت‌های مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد! از این میترسند. میخواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملت‌های دیگر نرسد. میخواهند کاری کنند که ملت‌های دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم چقدر است.^۱

۱. بیانات در دیدار مردم قم ۸۸/۱۰/۱۹

لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه‌شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را نشناختند؛ عاشورا را نشناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که تواین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه‌ها و انجام کار در لحظه‌ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.

شورای شما بحمدالله این خصوصیت را داشته است. دلایل زیادی هم برای این هست؛ آخری‌اش همین نهم دی است؛ قبلش - ده سال قبل از این - ۲۳ تیر است که اشاره فرمودند؛ آن روز هم نیاز لحظه‌ها بود؛ این یک کار متعارف و معمولی نبود. راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه‌ی عظمتی که دارد - که حالا عرض خواهیم کرد - یک کار متعارف است، یک کار روان‌شده است، شناخته‌شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه تیر در سال ۷۸، یک کار متعارف نبود، یک کار متوقع نبود؛ اهمیت داشت که این مجموعه بداند و بفهمد که این کار در آن شرایط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماه امسال هم همین جور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه‌ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه‌ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون

آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبت‌های مختلف که قله‌هایی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله‌های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود.^۱

بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال ۸۸ به وسیله‌ی یک عده تحریک شده نسبت به امام حسین انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز ۹ دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشانند، بلکه روزه‌روز این احساسات تندتر و این معرفت عمیق‌تر شده است.^۲

قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دی هم همین جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه‌ی کسانی که در عرصه‌ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدیدنظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پرعبرتی برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل

۱. بیانات در دیدار شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۸۸/۱۰/۲۹

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۸۹/۷/۲۷

تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه‌ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.^۱

۸،۳. حماسه ۲۲ بهمن، اتمام حجت بر همه!

ملت عظیم‌الشأن و شگفتی‌آفرین ایران

خسته مباد گامهای استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگی‌تان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی‌همتایتان که همیشه در لحظه‌ی نیاز، صحنه رویارویی با بددلان و بدخواهان را عرصه‌ی پیروزی حق میسازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می‌آراید.

و سیاسی از ژرفای دل و جان، آفریننده‌ی هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و در سی و یکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رُخ دشمنان کشید.

آیا سی و یک سال آزمون و خطای چند دولت متکبر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُرانگیزه در جشن سی و یک سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» میزنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟ دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت، راه خود را شناخته و

۱. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۹/۱/۱

تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قلّه‌ی پیشرفت و سعادت با تکیه به خدا و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است هر مانعی را از سر راه برخواهد داشت. کمک و توفیق الهی یار این ملت و دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پشتیبان آنان باد.^۱

در قضیه‌ی بیست و دوم بهمن امسال که این معجزه‌ی عظیم الهی خود را نشان داد، این حضور عظیم مردمی چشمها را خیره کرد، دشمنان و مخالفان - چه مخالفان معاند، چه مخالفان غافل - جور دیگری فکر کرده بودند، نقشه‌ی دیگری طراحی کرده بودند، خیالات دیگری در سر داشتند. از مدتها پیش تلاش کردند، کاری کنند که حادثه‌ی بیست و دوی بهمن را که یکی از مظاهر حضور مردمی این انقلاب است، خراب کنند؛ چه در تهران، چه در شهرهای دیگر کاری کنند که به درگیری بین مردم بینجامد؛ این را پیش‌بینی کرده بودند. در حرفهایشان گفتند که روز بیست و دوم بهمن جنگ داخلی در ایران شروع خواهد شد! ببینید چه کار کرده بودند که انتظار داشتند در ایران جنگ داخلی بشود. بعضی اینجور میگفتند، بعضی هم امیدوار بودند که بتوانند چهره‌ی مخالفی علیه نظام جمهوری اسلامی در بیست و دوم بهمن نشان بدهند؛ اینجور وانمود کنند که مردم از انقلاب بریده‌اند، از نظام جمهوری اسلامی بریده‌اند، در مقابل آن قرار گرفته‌اند؛ اینجوری فکر کرده بودند، اینجوری حساب کرده بودند. ملت ایران با آگاهی خود، با بصیرت خود، با همت خود، با دست قدرت الهی که دلهای آنها را بیدار کرد، به دهان همه‌ی این مخالفان مشت کوبیدند و حجت را بر همه تمام کردند.^۲

۱. پیام قدردانی از ملت ایران ۸۸/۱۱/۲۲

۲. بیانات در جمع مردم آذربایجان ۸۸/۱۱/۲۹

۸.۴. اثبات ماندگاری انقلاب اسلامی

امروز حرکت انقلاب، هدفهای انقلاب، همان چیزهائی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدفها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ و الا دل میلیونها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن میگوید، از خدا حرف میزند، فطرتها به او متوجه میشود؛ «لو انفتت ما فی الأرض جميعا ما الفت بين قلوبهم و لكن الله الف بينهم».

دست قدرت خداست که دلها را به یک سمتی هدایت میکند؛ لذا نتیجه این میشود. در بیست و دوم بهمن، جمعیتی که در سی و یکمین سال ولادت انقلاب اسلامی در خیابانها حضور پیدا میکنند، از جمعیت سالهای قبل بیشتر است؛ نه فقط کم نشده است، کم‌رنگ نشده است، بلکه پُررنگ‌تر شده است، قوی‌تر شده است؛ برخلاف آن چیزی که در طبیعت عالم وجود دارد. شما یک سنگی را داخل آب بیندازید، یک موجی ایجاد میکند؛ اما هرچه میگذرد، لحظه لحظه این موج کوچکتر، کمتر و نامحسوس‌تر میشود، تا تمام میشود. گذشت زمان، امواج اجتماعی را خاموش میکند. این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمیکند، بلکه روزبه‌روز برجسته‌تر میکند؟ مثل حادثه‌ی کربلا. آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پُر از دشمنان، حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش به شهادت میرسند، خانواده‌اش اسیر میشوند و آنها را میبرند و تمام. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، همان حادثه‌ای که باید در ظرف ده روز، پانزده روز اثری از آن نماند و یادی از آن نمیشد، ببینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیونها شیعه در کشورهای مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیر مسلمانان، نام حسین بن علی مثل خورشیدی میتابد؛ دلها را روشن میکند، راهنمائی میکند.

انقلاب اینجوری است. این انقلاب هر چه زمان گذشته است، حقائق بیشتری را روشن کرده است.

امروز هم همین جور است. جوانهای عزیزی که امام را ندیدند، دوران دفاع هشت ساله را ندیدند، «باکری»ها را ندیدند، شخصیت‌های فداکار آن روز را که شهید شدند، ندیدند، اما با همان قدرت، با همان استقامت و با همان بصیرتی در صحنه حاضر میشوند که آن روز جوان تبریزی در بیست و نهم بهمن وارد میدان شد و در طول دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، در جبهه‌های مختلف از خود دلاوری و فداکاری نشان داد. امروز جوانهای ما همین جورند.

این معنایش چیست؟ چرا؟ قضیه چیست؟ قضیه را در حقانیت این سخن باید جستجو کرد: «سخن انقلاب، سخن حق». این، خاصیت حق است. «مثلا کلمة طیبة كشجرة طیبة»؛ این یک درخت پاکیزه و سالم و خوش‌نهادی است که در زمین سالم رشد میکند. «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»؛ ریشه‌اش محکم است، شاخ و برگش هم رفته بالا. «توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»؛ میوه‌ی او هم همیشگی است و در هر فصلی میوه‌ی خود را میدهد. یعنی یک بار مصرف نیست، مثل خیلی از این حرکاتی که در دنیا انجام میگیرد؛ به اسم انقلاب یا کودتا یا غیر ذلک حکومتها را تغییر میدهند، اما یک بار مصرفند؛ بعد در یک دوره‌ی کوتاهی، قضیه به شکل قبل از آن حرکت و نهضت یا گاهی بدتر برمیگردد. کلمه‌ی حق اینجور نیست؛ کلمه‌ی حق ماندگار است.

دشمن جور دیگری حرف میزند. بعضی‌ها هم با همان لغت دشمن حرف میزنند، با همان زبان دشمن حرف میزنند. آیا میفهمند یا نمیفهمند، آن با خداست؛ اما با زبان او حرف میزنند، سعی میکنند وانمود کنند که انقلاب

از راه خود منحرف شده است؛ نه، اگر منحرف شده بود، این همه دل با نام انقلاب و یاد انقلاب به حرکت در نمی‌آمد؛ این همه ایمان و انگیزه به یاد این انقلاب بسیج نمیشد. در دنیا هم همین جور است. این انقلاب، امروز در کشورهای اسلامی هم آثارش در دل‌های مردم محسوس است. به چند تا دولت معاند نگاه نکنید؛ ملتها این انقلاب را گرمی میدارند، بزرگ میدارند، به آن احترام میکنند، حسرت آن را برای خودهاشان میخورند؛ این نشانه‌های حقانیت است، نشانه‌های بقاء است؛ «توتی اکلها کل حین» است.

من و شما همچنان که تا امروز به توفیق الهی وفادار مانده‌ایم، میتوانیم وفادار بمانیم. اگر چنانچه این وفاداری را حفظ کنیم، «فسیوئتیه اجرا عظیما»؛ خدا اجر خواهد داد. این اجر، مخصوص دنیا نیست، مخصوص آخرت هم نیست؛ هم دنیاست، هم آخرت؛ در دنیا عزت است، اقتدار است، رسیدن به آرمانهای والا است، در آخرت هم اجر الهی است، ثواب الهی است، که از همه چیز بالاتر است. اگر خدای نکرده سست‌عهدی کنیم، بدعهدی کنیم، در میانه‌ی راه هوی‌های نفس ما را به این طرف و آن طرف بکشاند، آن هم به ضرر خود ماست؛ انقلاب راه خودش را ادامه خواهد داد. آن کسانی که انقلاب را رها کردند، آن کسانی که طبق خواست دشمن در مقابل انقلاب ایستادند، ضرر کردند. خیال میکنند حالا بنشینند علیه انقلاب توطئه کنند، حرف بزنند، تحریک کنند، راه به جایی خواهند برد؛ نه، اشتباه است.^۱

۸.۵. اثبات ایستادگی ملت ایران

خب، البته گفتیم مردم ایستادند، آخرین نمونه‌اش هم همین فتنه‌ی سال ۸۸ بود؛ مردم ایستادند. همان کسانی که به کسان دیگری غیر از منتخب

۱. بیانات در جمع مردم تبریز ۸۸/۱۱/۲۹

رای داده بودند، همانها هم در مقابل آنها ایستادند. لذا دیدید در ۹ دی، در ۲۲ بهمن، همه شرکت کردند؛ همه آمدند. این نشان‌دهنده‌ی این است که فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان یک اقلیت معدودند؛ متنها دروغ گفتند، خواستند مردم را دنبال خودشان بکشانند. اول کار موفق هم شدند؛ بعد که چهره‌شان آشکار شد، نقابشان در خلال حرفها و کارهای گوناگون افتاد، مردم از اینها رو برگرداندند. بنابراین، مردم ایستاده‌اند. خب، این یک نکته است در وضع کشور^۱.

۸.۶. تقویت بیشتر جمهوری اسلامی

هر اتفاقی که دشمنان برنامه‌ریزی کنند، افراد ساده‌دل و خام و غافل به هر نحوی با دشمنان همراهی کنند، با ایستادگی ملت ایران، نتیجه‌اش تقویت بیشتر جمهوری اسلامی است.

شما دیدید فتنه‌ای به وجود آمد، کارهایی شد، تلاشهایی شد، آمریکا از فتنه‌گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرتهای غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت‌طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه‌ی این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمن، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد. ایران امروز، جوان امروز، تحصیلکرده‌ی امروز، ایرانیان امروز، آنچنان وضعیتی دارند که هر توطئه‌ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه‌چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خشتی میکنند. متنها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی میکند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب‌ناپذیر میکند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه‌ی این راه تا رسیدن به

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۹/۶/۲۵

اهداف عالیله امیدوار میکند، تقواست.^۱

۸،۷. گشوده شدن فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران

قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دی هم همین جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه‌ی کسانی که در عرصه‌ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدیدنظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پرعبرتی برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه‌ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم.^۲

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک رفراندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند.

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی (ره) ۸۹/۳/۱۴

۲. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۸۹/۱/۱

مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه‌ی سال ۸۸ کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبهای سیاسی و اجتماعی‌ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.^۱

نشر انقلاب اسلامی

فصل چهارم

کسب بصیرت

۱. معنا و ابعاد بصیرت

جوانها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه‌ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله‌ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرتها لازم است. وقتی بصیرت بود، آنوقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمیدارید. یک روز شما میخواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم میشود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما یک روز میخواهید بروید قله‌ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را میخواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه میخواهید، تا

بدانید چه باید با خودتان داشته باشید.^۱

۲. سطوح بصیرت

بصیرت را در دو سطح میتوانیم تعریف کنیم. یک سطح، سطح اصولی و لایه‌ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا میکند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است: با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام‌مند است، یک مجموعه‌ی قانون‌مدار است، طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی‌مان هدفدار است؛ بی‌هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه‌ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم، آنگاه در جستجوی آن هدف برمی‌آئیم. خود این جستجو، یک تلاش امیدوارانه است. تلاش میکنیم آن هدف را پیدا کنیم. بعد که هدف را یافتیم، فهمیدیم هدف چیست، تلاشی شروع میشود برای رسیدن به آن هدف. در این صورت همه‌ی زندگی میشود تلاش؛ آن هم تلاش جهتدار و هدفدار. از آن طرف این را هم میدانیم که با نگاه توحیدی، هر گونه تلاش و مجاهدتی در راه هدف، انسان را قطعاً به نتیجه میرساند. این نتایج مراتبی دارد؛ یقیناً به یک نتیجه‌ی مطلوب میرساند. با این نگاه، در زندگی انسان دیگر یأس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی معنی ندارد. وقتی شما میدانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با یک هدفی تحقق پیدا کرده است، دنبال آن هدف میگردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش میکنید. از نظر خدای متعال که آفریننده‌ی هستی است، خود این تکاپو

۱. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۸۸/۷/۱۵

هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه‌ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا الا احدى الحسنین»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد.

درست نقطه‌ی مقابل، نگاه مادی است. نگاه مادی اولاً پیدایش انسان را، وجود انسان را در عالم بدون هدف میدانند؛ اصلاً نمیدانند برای چه به دنیا آمده است. البته در دنیا برای خودش هدفهائی تعریف میکند - به پول برسد، به عشق برسد، به مقام برسد، به لذتهای جسمی برسد، به لذتهای علمی برسد؛ از این هدفها میتواند برای خودش تعریف کند - اما اینها هیچکدام هدفهای طبیعی نیست، ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود، اخلاقیات هم بی‌معنی میشود، عدالت هم بی‌معنی میشود؛ جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگری معنا پیدا نمیکند. اگر انسان در راه رسیدن به سود شخصی پایش به سنگ خورد و آسیب دید، ضرر کرده، خسارت کرده. اگر به سود نرسید، اگر نتوانست تلاش کند، نوبت به یأس و ناامیدی و خودکشی و به کارهای غیر معقول دست زدن میرسد. پس ببینید فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی، معرفت الهی و معرفت مادی این است. این، اساسی‌ترین پایه‌های بصیرت است.

با این نگاه، وقتی انسان مبارزه میکند، این مبارزه یک تلاش مقدس است؛ اگر جنگ مسلحانه هم بکند، همین جور است. اصلاً مبارزه بر اساس بدبینی و بدخواهی نیست. مبارزه برای این است که انسانیت - نه فقط شخص خود او - به خیر و کمال و رفاه و تکامل مقامات رفیع نائل شود.

با این نگاه، زندگی چهره‌ی زیبایی دارد و حرکت در این میدان وسیع، یک کار شیرین است. خستگی انسان با یاد خدای متعال و با یاد هدف برطرف می‌شود. این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ پایه‌ی اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاشها و مبارزات انسانی در جامعه است. این یک سطح بصیرت.

بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری میشود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا میکند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبر فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد میکند؛ یعنی بینائی ایجاد میکند و انسان چشمش به حقیقت باز میشود.

امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) در جای دیگر میفرماید: «فإنّما البصیر من سمع فتفکّر و نظر فأبصر» بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید، بیندیشد. هر شنیده‌ای را نمیشود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. «البصیر من سمع فتفکّر و

نظر فابصر». نَظَرَ یعنی نگاه کند، چشم خود را نبندد. ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه‌های بی‌بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند، این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر یک حقایق واضح بستند. انسان باید نگاه کند؛ وقتی که نگاه کرد، آنگاه خواهد دید. ما خیلی اوقات اصلاً حاضر نیستیم یک چیزهایی را نگاه کنیم. انسان می‌بیند منحرفینی را که اصلاً حاضر نیستند نگاه کنند. آن دشمن عنود را کار نداریم - حالا این را بعداً عرض خواهیم کرد؛ «و جحدوا بها و استیقنتها انفسهم ظلماً و علواً» - بعضی‌ها هستند که انگیزه دارند و با عناد وارد میشوند؛ خوب، دشمن است دیگر؛ بحث بر سر او نیست؛ بحث بر سر من و شماست که توی عرصه هستیم. ما اگر بخواهیم بصیرت پیدا کنیم، باید چشم را باز کنیم؛ باید ببینیم. یک چیزهایی هست که قابل دیدن است. اگر ما از آنها سطحی عبور کنیم، آنها را نبینیم، طبعاً اشتباه میکنیم.

من یک مثال از تاریخ بزنم. در جنگ صفین لشکر معاویه نزدیک به شکست خوردن شد؛ چیزی نمانده بود که بکلی منهدم و منهزم شود. حیل‌های که برای نجات خودشان اندیشیدند، این بود که قرآن را بر روی نیزه‌ها کنند و بیاورند وسط میدان. ورقه‌های قرآن را سر نیزه کردند، آوردند وسط میدان، با این معنا که قرآن بین ما و شما حکم باشد. گفتند بیائید هرچه قرآن میگوید، بر طبق آن عمل کنیم. خوب، کار عوام‌پسند قشنگی بود. یک عده‌ای که بعدها خوارج شدند و روی امیرالمؤمنین شمشیر کشیدند، از میان لشکر امیرالمؤمنین نگاه کردند، گفتند این که حرف خوبی است؛ اینها که حرف بدی نمی‌زنند؛ می‌گویند بیائیم قرآن را حکم کنیم. ببینید، اینجا فریب خوردن است؛ اینجا لغزیدن به خاطر این است که انسان زیر پایش را نگاه نمی‌کند. هیچ کس انسان را نمی‌بخشد اگر بلغزد، به خاطر اینکه زیر پایش

را نگاه نکرده، پوست خربزه را زیر پای خودش ندیده. آنها نگاه نکردند. آنها اگر میخواستند حقیقت را بفهمند، حقیقت جلوی چشمشان بود. این کسی که دارد دعوت میکند و میگوید بیائید به حکمیت قرآن تن بدهیم و رضایت بدهیم، کسی است که دارد با امام منتخبِ مفترض الطاعه میجنگد! او چطور به قرآن معتقد است؟ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب غیر از اینکه از نظر ما از طرف پیغمبر منصوص و منصوب بود، اما آن کسانی هم که این را قبول نداشتند، این مسئله را قبول داشتند که آن روز بعد از خلیفه‌ی سوم، همه‌ی مردم با او بیعت کردند، خلافت او را قبول کردند؛ شد امام، شد حاکم مفترض الطاعه‌ی جامعه‌ی اسلامی. هر کس با او میجنگید، روی او شمشیر میکشید، وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانها بود که با او مقابله کنند. خوب، اگر این کسی که قرآن را سر نیزه کرده، حقیقتاً به قرآن معتقد است، قرآن میگوید که تو چرا با علی میجنگی. اگر واقعاً به قرآن معتقد است، باید دستهایش را بالا ببرد، بگوید آقا من نمیجنگم؛ شمشیرش را بیندازد. این را باید میدیدند، باید میفهمیدند. این مطلب مشکلی بود؟ این معضلی بود که نشود فهمید؟ کوتاهی کردند. این میشود بی بصیرتی. اگر اندکی تدبر و تأمل میکردند، این حقیقت را میفهمیدند؛ چون اینها خودشان در مدینه اصحاب امیرالمؤمنین بودند؛ دیده بودند که در قتل عثمان، عوامل و دستیاران خود معاویه مؤثر بودند؛ آنها کمک کردند به کشته شدن عثمان؛ در عین حال پیراهن عثمان را به عنوان خونخواهی بلند کردند. آنها خودشان این کار را کردند، مقصر خودشان بودند، اما دنبال مقصر میگشتند. ببینید، این بی بصیرتی ناشی از بی دقتی است؛ ناشی از نگاه نکردن است؛ ناشی از چشم بستن بر روی یک حقیقت واضح است.

در همین قضایای فتنه‌ی اخیر، یک عده‌ای اشتباه کردند؛ این بر اثر

بی‌بصیرتی بود. ادعای تقلب در یک انتخابات بزرگ و با عظمت میشود؛ خوب، این راهش واضح است. اگر چنانچه کسی معتقد به تقلب است، اولاً باید استدلال کند، دلیل بیاورد بر وجود تقلب؛ بعد هم اگر چنانچه دلیل آورد یا نیاورد، قانون راه را معین کرده است؛ میتواند شکایت کند. باید بازرسی شود، بازبینی شود؛ آدمهای بی‌طرفی بیایند نگاه کنند تا معلوم شود تقلب شده یا نشده؛ راهش این است دیگر. اگر چنانچه کسی زیر بار این راه نرفت و قبول نکرد - با اینکه ما کمکهای زیادی هم کردیم: مدت قانونی را بنده تمدید کردم؛ حتی گفتیم خود افراد بیایند جلوی دوربینهای تلویزیون شمارش کنند - دارد تمرد میکنند... توجه بفرمائید. مقصود این نیست که راجع به قضایای گذشته اظهار نظر کنیم؛ میخواهیم مثال بزنیم. پس بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید یک راه معقول قانونی‌ای وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سرمیپسندد و کاری میکند که برای کشور مضر است، ضربه‌ی به منافع ملت است، خوب، با نگاه عادلانه، با نگاه متعارف، با نگاه غیرجانبدارانه، معلوم است که او محکوم است؛ این یک چیز روشنی است، یک قضاوت واضحی است. پس ببینید مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی یک امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دامهای گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبر کند، میتواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی همین تدبر است؛ مطالبه‌ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه‌ی چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب میشود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه میتوانند بصیرت پیدا کنند. البته بعضی نه به خاطر عناد، نه به خاطر بدخواهی، که گاهی غفلت میکنند.

انسان با اینکه جان خودش را خیلی دوست دارد، اما گاهی ممکن است در حال رانندگی هم یک لحظه حواسش پرت شود، یک لحظه چرت بزند، یک ضایعه‌ای پیش بیاید. لغزشهایی که در این زمینه پیش می‌آید، اینها را نمیشود گناه دانست؛ اما اگر چنانچه تداوم پیدا کند، این دیگر بی‌بصیرتی است، این دیگر غیرقابل قبول است.^۱

۳. اهمیت بصیرت

بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به یک جایی هم برسد، لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعبهای زیادی شود. قطب‌نما لازم است؛ بخصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود، یک وقت شما می‌بینید بی‌ساز و برگ در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما بر نمی‌آید. پس بصیرت، قطب‌نما و نورافکن است. در یک فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان می‌دهد.

هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فاذا دخلتموه فانکم غالبون». وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجه شدید، غلبه با شماست، شما برنده هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان ندارد، دین ندارد، انگیزه‌ی عمیق معنوی ندارد. آن کسانی که عوامل میدانی او هستند،

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم ۸۹/۸/۴

مزدورند، فریب خورده‌اند؛ خود نقشه‌دارها و صحنه‌گردانها هم که مردمان بی‌ایمانی هستند. وقتی با ایمان وارد میدان میشوید، شما برنده‌اید؛ این برای ملت ایران تجربه است.^۱

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه‌ی خصلتهای نیک یک انسان و یک زمامدار است - انسان مشاهده میکند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله‌ی بصیرت‌بخشی و بصیرت‌دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه‌ی ادوار، این شجاعت بی‌پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه‌ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است. در جنگ صفین وقتی طرف مقابل که احساس میکرد دارد شکست می‌خورد، برای اینکه جنگ را متوقف کند، قرآن‌ها را سر نیزه کرد، یک عده‌ای آمدند دور امیرالمؤمنین را گرفتند و فشار آوردند که باید تسلیم شوی و جنگ را تمام کنی؛ اینها قرآن را مطرح کردند. کار مزورانه‌ای بود، کار عجیبی بود. حضرت فرمود: شما اشتباه میکنید؛ شما اینها را نمیشناسید. این کسانی که امروز قرآن را به عنوان حکم مطرح میکنند، به قرآن اعتقاد ندارند. من اینها را میشناسم. «انّی عرفتهم اطفالا و رجالا»؛ من دوره‌ی کودکی اینها را دیدم، دوره‌ی بزرگی اینها را هم دیدم. «فکانوا شرّ اطفال و شرّ رجال»؛ بدترین‌ها بودند. اینها به قرآن اعتقادی ندارند. وقتی در تنگنا گیر میکنند، قرآن را مطرح میکنند. البته آنها گوش نکردند، اصرار ورزیدند و دنیای اسلام خسارتش را خورد. امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است.^۲

۱. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ۸۹/۱۰/۱۹

۲. بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (ع) ۸۹/۴/۵

اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی با دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام میگوید فریب دشمنها را نباید خورد. این، خط روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خط روشن را احتیاج داریم.

البته ملت ایران به برکت انقلاب، ملت هشیاری هستند. بسیاری از معضلات این کشور، با بصیرت مردم حل شده است. خیلی اوقات انسان مشاهده میکند که توده‌ی مردم حقایق را از بعضی از خواص و نخبگان بهتر می‌بینند و بهتر می‌فهمند؛ چون تعلقاتشان کمتر است. این از نعمتهای بزرگ است. برادران و خواهران عزیز من! شما بدانید، همه‌ی ملت ایران هم بدانند؛ ملت ایران در راه حرکت به سمت آرمانهای والای اسلامی، ثبات قدم خود را نشان داده است و این ثبات قدم را به توفیق الهی و به فضل الهی حفظ خواهد کرد.^۱

۴. ضرورت بصیرت

۴.۱. هوشیاری در برابر فریبکاری دشمن

امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد میشوند، با ابزارهای اخلاق وارد میشوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که میخواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که میخواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به

۱. بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (ع) ۸۹/۴/۵

حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و یک سال اینها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه‌ی ما باید بدانیم. امیرالمؤمنین در آن لحظه‌ی فریب و فتنه، به دوستان خود نهیب میزند: «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ این راه حقی که در پیش گرفتید، این حرکت صادقانه‌ای که دارید انجام می‌دهید، این را از دست ندهید و رها نکنید؛ با حرفهای فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان، در دل شما تزلزل به وجود نیاید؛ «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ راهتان راه درستی است. خاصیت دوران فتنه - همان طور که بارها عرض کرده‌ایم - غبارآلودگی است، مه‌آلودگی است. نخبگان گاهی دچار خطا و اشتباه میشوند. اینجا شاخص لازم است. شاخص، همان حق و صدق و بینه‌ای است که در اختیار مردم قرار دارد. امیرالمؤمنین مردم را به آن ارجاع میداد. امروز ما هم محتاج همان هستیم.^۱

۴،۲. احتیاج هرگونه حرکت عمومی به بصیرت عمومی

یک مبارزه‌ی صحیح، منطقی و معقول و در عین حال قاطع، احتیاج دارد به چند چیز:

یکی انگیزه‌ی برخاسته از ایمان است. با دستور نمیشود ملتی را، جوانانی را وادار کرد به ایستادگی در یک میدان دشوار. باید انگیزه از دل بجوشد؛ آن هم انگیزه‌ی ناشی از ایمان. این در جوانهای ما امروز به حد کافی وجود دارد؛ من با اطلاع عرض میکنم، با آشنائی با نسل جوانان و قشر جوانان عرض میکنم: امروز جوانهای ما از آن روزی که در سال ۵۷، رژیم پهلوی - رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا - به جوانان ما تو همین خیابانها حمله کرد و خون

۱. بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی(ع) ۸۹/۴/۵

آنها را ریخت، انگیزه‌شان بیشتر است و کمتر نیست.

از آن روزی هم که یک عده جوان رفتند سفارت آمریکا را که مرکز و پایگاه توطئه‌ی علیه انقلاب شده بود تسخیر کردند، امروز جوانان ما انگیزه‌شان کمتر نیست؛ اگر بیشتر نباشد. علت هم واضح است؛ چون سی سال تجربه، مترکم در تاریخ این ملت ثبت شده است. ذهن بیدار جوان، چشم باز جوان، ولو آن روزها را ندیده است؛ اما این تجربه‌ها را تحویل میگیرد. نسل به نسل تجربه‌های یک ملت غنی‌تر، عمیق‌تر و مفیدتر میشود. پس جوانان امروز ما از لحاظ انگیزه هیچی کسر ندارند. صرف‌نظر از یک عده انقلابی فرسوده‌ی پشیمان که به دلایل گوناگون، زندگی راحت را، سازش را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند، جوان کشور، توده‌ی ملت که اکثریت هم جوان هستند، این انگیزه‌ی عمیق را دارند. من به شما عرض کنم: اگر امروز حادثه‌ای مثل جنگ تحمیلی که در سال ۵۹ پیش آمد، در کشور ما بروز کند، هجوم جوانان به جبهه و داوطلبی آنها برای مواجهه‌ی با دشمن آشکار و رو به رو، از سال ۵۹ و ۶۰ بمراتب بیشتر خواهد بود.

یک عنصر دیگری که لازم است، بصیرت است. اینی که ملاحظه میکنید بنده مکرر در دیدار جوانها، دانشجویان، قشرهای مختلف مردم، بر روی بصیرت تکیه میکنم، برای این است که در وضع بسیار مهم امروز دنیا و موقعیت استثنائی کشور عزیز ما - که امروز در دنیا موقعیت ممتازی است - هرگونه حرکت عمومی به یک بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را هم به شما بگویم: امروز بصیرت جوانهای ما هم از جوانان آن روزگار اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقیناً بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز میدانید، برای شما جزو واضحات است، که آن روزها باید برای جوانها، آنها

را شرح میدادیم، بیان میکردیم؛ اما امروز جوانهای ما اینها را میدانند؛ بصیرت بالاست. در عین حال من تأکید میکنم بر روی بصیرت.^۱

۴،۳. زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز

خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه میفرماید: ای پیغمبر! من با بصیرت حرکت میکنم؛ «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی» خود پیغمبر با بصیرت حرکت میکند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه‌ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم بر میدارند، همه‌ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند میشود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمیتواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم میگذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه میکنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب‌نما همان بصیرت است. در زندگی پیچیده‌ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمیشود حرکت کرد.^۲

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۸۸/۸/۱۲

۲. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۸۸/۷/۱۵

۴.۴. تشخیص دوست از دشمن

بلاهایی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. خطاهائی که بعضی از افراد میکنند - می‌بینید در جامعه‌ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر هم بیشتر نباشد، کیفاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است.

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله‌ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا و لایحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر».

میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند.

حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به شما میگویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما میگوئید: ا، با این نماز، با این عبادت! بعضی‌شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أمن هو قانت اثناء اللیل» آیه‌ی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده‌ای. یک نفر

کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من یک موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت میروم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته‌های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی‌ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی یک مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناک میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) میایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

بنده بارها این جبهه‌های سیاسی و صحنه‌های سیاسی را مثال میزنم به جبهه‌ی جنگ. اگر شما در جبهه‌ی جنگ نظامی، هندسه‌ی زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسائی میروند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسائی است؛ شناسائی از نزدیک، که زمین را بروند ببینند: دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسائی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم بکند، یک وقت می‌بیند که دارد خمپاره‌اش را، توپخانه‌اش را آتش میکند به طرفی، که

اتفاقاً این طرف، طرفِ دوست است، نه طرفِ دشمن. نمیداند دیگر. عرصه‌ی سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را شناسید، دشمن را شناسید، یک وقت می‌بینید آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعد، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است.^۱

۴۰۵. مشتبه شدن حق و باطل

هر چه میتوانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در یک خطبه‌ای از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «انما بدء الوقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تتبدع یخالف فیها کتاب الله». در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمیتواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان» آن کسانی که مردم را میخواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته میکنند، مزوج میکنند، آن وقت نتیجه این میشود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه میشود. این است که بصیرت میشود اولین وظیفه‌ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.^۲

۱. بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر ۸۷/۵/۵

۲. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۸۷/۱۵

۵. مصادیق

۵.۱. شناخت استکبار

اولین مسئله‌ی بصیرت این است که این استکبار چیست که باید با آن مبارزه کرد. استکبار یعنی قدرتی در دنیا یا قدرتهائی در دنیا؛ چون نگاه میکنند به خودشان، می‌بینند دارای امکانات پولی و تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند؛ بنابراین باید به خودشان حق بدهند که در امور زندگی کشورها و ملت‌های دیگر، دخالت‌های مالکانه بکنند؛ این معنای استکبار است. روح سلطه‌گری؛ این در کشور ما قبل از انقلاب به صورت واضحی بود. یعنی آمریکا مستکبرانه بر این کشور پهناور، بر این ملت بزرگ با این تاریخ غنی پنجه انداخته بود و در امور مهم و اساسی کشور ما دخالت میکرد. علت هم این بود که زمامداران کشور فاسد بودند، در ملت جایگاهی نداشتند، دنبال تکیه‌گاه میگشتند، به آمریکا تکیه میکردند. آمریکا هم که مفت به کسی چیزی نمیدهد؛ حمایت از آنها را در گرو دخالت کامل در امور کشور قرار داده بود. شاید برای شما تعجب‌آور باشد، اما بدانید شاه - محمدرضا - برای اینکه یک نخست‌وزیری را از کار برکنار کند و یک نخست‌وزیر دیگر را جای او بیاورد، مجبور شد برود آمریکا، دو هفته، سه هفته در آمریکا بماند، تا موافقت آنها را جلب کند که این زید را از کار برکنار کند، این عمرو را به جای او بگذارد! کار کشور ما به اینجا رسیده بود. در سالهای آخر حکومت پهلوی از این هم زشت‌تر بود. بحث رفتن به آمریکا دیگر نبود؛ همین‌جا سفیر آمریکا و سفیر انگلیس به کاخ شاه میرفتند، به او میگفتند شما در قضیه‌ی نفت اینجوری عمل کنید، در قضیه‌ی ارتباطات جهانی اینجوری عمل کنید، با ملت اینجوری عمل کنید، با مبارزین اینجوری عمل کنید؛ دستور میدادند. شاه هم قبول میکرد. خوب، وقتی که رئیس یک مملکت اینقدر ضعیف، اینقدر زبون، اینقدر در مقابل

بیگانگان تسلیم باشد، دیگران وضعشان معلوم است. این وضع کشور ما بود. استکبار معنایش این است.

آمریکا یک مستکبر به تمام معناست. مسئله‌ی ما هم فقط نیست، مسئله‌ی دنیاست؛ مسئله‌ی دنیای اسلام است. آمریکائی‌ها نسبت به همه جای دنیا این روح استکباری را دارند. در جنگ بین‌الملل دوم، بعد از آنی که ژاپن را شکست دادند، پایگاه در آنجا درست کردند، که هنوز پایگاه آمریکائی‌ها در ژاپن هست. ژاپنی‌ها با این همه پیشرفتهای علمی، هنوز نتوانستند پایگاه آمریکا را در ژاپن جمع کنند! آنجا پایگاه نظامی دارد؛ به مردم ظلم میکنند، اذیت هم میکنند، تو روزنامه‌ها هم آمد، خبرگزاری‌ها هم گفتند؛ تجاوز به نوامیس و کارهای خلاف دیگر؛ اما هنوز در آنجا هست. در کره‌ی جنوبی هم پایگاه‌های آمریکا هنوز هست. در عراق، نقشه‌ی آمریکا این است که پایگاه بسازد و پنجاه سال، صد سال در عراق مستقر بشود؛ و در افغانستان؛ چون افغانستان نقطه‌ای است که اگر آنجا پایگاه داشته باشند، میتوانند بر کشورهای آسیای جنوب غربی، بر روسیه، بر چین، بر هند، بر پاکستان و بر ایران تسلط داشته باشند. دارند این همه آنجا تلاش میکنند، برای اینکه آنجا پایگاه دائم درست کنند و بمانند. این معنای استکبار است.

ملت ایران با ساقط کردن رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا، آمریکا را از این کشور بیرون کرد. خوب، آمریکائی‌ها میتوانند بعد از انقلاب بلافاصله به خود بیایند، ببینند که این ملت، اینچنین نیرومند است. رژیمی را که شرق و غرب از او حمایت میکنند، میتواند از جا بکند؛ میتواند بساط پادشاهی را با سابقه‌ی ۲۵۰۰ ساله درهم بنوردد و جمع کند بیندازد دور. آنها میتوانند از ملت ایران عذرخواهی کنند؛ میتوانند ضربه‌هایی را که به ملت ما زدند، آن مقداری‌اش که قابل جبران است، جبران کنند. اگر این کار را میکردند، مسئله‌ی

آنها با ایران حل میشد. اگر چه جمهوری اسلامی همچنان به خاطر ظلمهائی که در دنیای اسلام میکنند، معترض باقی میماند، اما این نثار شدیدی که بین آنها و جمهوری اسلامی و ملت ایران بود، به این شکل باقی نمیماند. اما آنها این کار را نکردند. آنها نه عذرخواهی کردند، نه از سقوط رژیم سلطنتی عبرت گرفتند؛ بلکه از همان ماه‌های اول، شمشیر را از رو بستند و سفارت شد مرکز توطئه؛ لانه‌ی جاسوسی، مرکز ارتباطات مشکوک برای تحریک این و آن، برای اینکه شاید بتوانند جمهوری اسلامی را به زمین بزنند؛ شاید بتوانند جمهوری اسلامی را شکست بدهند. این اشتباه بزرگ را آمریکائی‌ها کردند. بعد هم هر چه توانستند و هر چه از دستشان برمی‌آمد، با جمهوری اسلامی و با ملت عزیز و کشور ما کردند، که یک نمونه‌اش حمله کردن به طبرستان است؛ یک نمونه‌اش قضیه‌ی سرنگون کردن هواپیمای مسافری ماست که نزدیک سیصد نفر را در خلیج فارس کشتند - هواپیمای مسافری را زدند و انداختند توی آب - یک نمونه‌اش حمله به سکوی نفتی ماست - که در خلیج فارس به سکوی نفتی ما زمانِ ریگان حمله کردند - یک نمونه‌اش کمک‌های همه‌جانبه به صدام بعثی خبیث است، برای اینکه شاید بتوانند او را در جنگ بر ما پیروز کنند و جمهوری اسلامی را ضربه بزنند. از این قبیل اگر بنخواهیم برای جنایات آمریکا فهرست درست کنیم، یک کتاب میشود. یکی از وزرای دفاع آمریکا در برهه‌ای، حرف دل آمریکائی‌ها را زد؛ گفت: ما باید ریشه‌ی ملت ایران را بکنیم. ملاحظه میکنید؛ ریشه‌ی ملت ایران، نه دولت ایران، نه جمهوری اسلامی. درست میفهمید؛ میفهمید که جمهوری اسلامی یعنی ملت؛ مسئولین جمهوری اسلامی یعنی همه‌ی ملت ایران؛ لذا میگفت باید ریشه‌ی ملت ایران را بزنیم. این روش آمریکائی‌ها بود. هر کار هم از دستشان برمی‌آمد، کردند.

امام بزرگوار ما، آن مرد استثنائی تاریخ که حقاً استثنائی بود، در مقابل همه‌ی اینها گفت: هر چه توطئه کنید، به ضرر خودتان هست و جمهوری اسلامی عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ آمریکا هم هیچ غلطی نمیتواند بکند. این استکبار است. جمهوری اسلامی هیچ رودربایستی با هیچ دولتی ندارد؛ لیکن دولتی که دستش از منابع عظیم مالی و انسانی کشور قطع شده بود و هر چه توانست توطئه کرد، دولت آمریکا بود. سی سال دولت آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کرده، ضربه زده، تدابیر گوناگون اندیشیده؛ هر کار توانسته کرده. اگر شما فکر کنید یک کاری بود که آمریکائی‌ها میتوانستند بکنند و نکردند، بدانید که چنین چیزی نیست؛ هر کار ممکن بوده، کرده‌اند. خوب، شما می‌بینید که نتیجه‌ی این رویارویی، بالندگی هر چه بیشتر ملت ایران، پیشرفت هر چه بیشتر جمهوری اسلامی، قوت روزافزون این کشور و این نظام بوده. آنی که ضرر کرده است، آنهایند. گاهی هم حرفهای به‌ظاهر آشتی‌جویانه‌ای در این مدت زدند؛ اما هر وقت که لبخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده‌اند؛ از تهدید دست برنداشته‌اند؛ نیتشان عوض نشده است. خنده‌ی تاکتیکی، لبخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بچه‌ها و کودکان را فریب میدهد. یک ملت بزرگ با این تجربه، و مسئولین برگزیده‌ی یک چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید ساده‌لوح باشند؛ یا باید ساده‌لوح باشند، یا باید غرق در هوی و هوس باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عافیت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند. والا اگر مسئولین کشور باهوش باشند، دقیق باشند، مجرب باشند، پخته باشند، دل در گرو منافع ملت با همه‌ی وجود داشته باشند، گول لبخند را نمیخورند.

همین رئیس جمهور جدید آمریکا، حرفهای قشنگی زد؛ به ما هم مکرراً

پیغام داد؛ شفاهی، کتبی، که بیائید صفحه را عوض کنیم، بیائید وضع تازه‌ای درست کنیم، بیائید در حل مشکلات عالم با همدیگر همکاری کنیم؛ تا این حد! ما هم گفتیم پیش‌داوری نکنیم؛ ما به عمل نگاه میکنیم. گفتند، میخواهیم تغییر ایجاد کنیم. گفتیم خوب، ببینیم تغییر را. از روز اول فروردین که من در مشهد سخنرانی کردم - گفتم اگر دستکش مخملی روی پنجه‌ی چدنی کشیده باشید و دستتان را دراز کنید، ما دستمان را دراز نمیکنیم؛ این هشدار را من آنجا دادم - الان هشت ماه میگذرد. در طول این هشت ماه، آنچه ما دیدیم، برخلاف آن چیزی بود که اینها به زبان، به‌ظاهر ابراز میکنند. صورت قضیه این است که بیائید مذاکره کنیم؛ اما در کنار مذاکره، تهدید؛ که اگر مذاکره به این نتیجه‌ی مطلوب نرسد، پس چنین و چنان! این شد مذاکره؟! این همان رابطه‌ی گرگ و میش است که امام گفت: رابطه‌ی گرگ و میش را ما نمیخواهیم. بیائید بنشینید با ما سر میز، مذاکره کنید بر سر فلان موضوع؛ مثلاً بر سر موضوع هسته‌ای، لیکن شرطش این است که این مذاکره، به فلان نتیجه‌ی معین برسد! مثلاً دست برداشتن کشور از فعالیت هسته‌ای، اگر به این نتیجه نرسد، پس چنین و چنان؛ تهدید.

من تعجب میکنم. چرا از وضع گذشته عبرت نمیگیرند؟ چرا حاضر نیستند ملت ما را بشناسند؟ مگر میدانند که این ملت، ملتی است که در روزی که دو ابرقدرت در این دنیا بودند که تقریباً در همه‌ی موضوعات با هم مخالف بودند، جز در دشمنی با جمهوری اسلامی - فقط در دشمنی با جمهوری اسلامی این دو ابرقدرت: ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق، با هم متحد بودند - ایستاد و هر دو ابرقدرت را به زانو درآورد. چرا شما عبرت نمیگیرید؟ امروز شما قدرت آن روز را هم ندارید. جمهوری اسلامی امروز چندین برابر قدرتمندتر از آن روز است، باز با این زبانها حرف میزنید؟

استکبار یعنی این. از موضع تکبر حرف زدن با یک ملت، کار را با تهدید پیش بردن؛ اگر چنین نکنید، چنان خواهد شد. ملت ما هم میگوید که ما می‌ایستیم.

آنچه که جمهوری اسلامی میخواهد، بیش از حق معقول خودش نیست. جمهوری اسلامی دنبال استقلال خودش است، دنبال آزادی خودش است، دنبال منافع ملی خودش است، دنبال پیشرفت علم و فناوری در کشور است؛ اینها حقوق این ملت است. به این حقوق هر کسی تعرض نکند، ملت ایران با همه‌ی وجود در مقابل او قرار خواهد گرفت و او را به زانو در خواهد آورد. آن روزی که آمریکا دست از استکبار بردارد، آن روزی که از دخالت‌های بیجا در امور ملتها دست بردارد، یک دولتی مثل بقیه‌ی دولتهاست، برای ما هم دولتی مثل بقیه‌ی دولتها خواهد بود؛ اما تا روزی که آمریکائی‌ها هنوز به طمع برگشتن به ایران و تجدید روزگار گذشته و عوض کردن تاریخ و به عقب بردن زمان باشند و بخواهند بر کشور ما مسلط بشوند، با هیچ وسیله‌ای نخواهند توانست ملت ما را به عقب‌نشینی وادار کنند؛ این را بدانند. و به این غائله‌هایی هم که بعد از انتخابات پیش آمد، دل خوش نکنند؛ جمهوری اسلامی قوی‌تر از این حرفهاست، عمیق‌تر از این حرفهاست، ریشه‌دارتر از این حرفهاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت‌تری هم مواجه شده، که بر همه‌ی اینها فائق آمده؛ حالا چهار نفر آدم‌هایی که یا ساده‌لوح - حالا هرچه و با هر انگیزه‌ای؛ قضاوت نکنیم - هستند، یا با نیت بد و خباثت‌آلود، یا با نیت نه آنچنان بد، اما همراه با ساده‌لوحی و بد فهمیدن قضایا، با جمهوری اسلامی مواجه شده‌اند، اینها نمیتوانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند؛ این را بدانند: ملت ایران ایستاده است.^۱

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۸۸/۸

۵،۲. شناخت جمهوری اسلامی و سخن تازه‌ای که در عرصه سیاسی جهان

مطرح کرد

جمهوری اسلامی یک سخن تازه را به عرصه‌ی سیاست جهان آورد. این سخن تازه امروز و هنوز بعد از گذشت سی سال، در فرهنگ سیاسی دنیا یک سخن جدید و تازه و جذاب است. لذا می‌بینید ملت‌ها نسبت به جمهوری اسلامی احساس اهتمام میکنند، احساس علاقه میکنند. وقتی انتخابات شما با شرکت هشتاد و پنج درصد مردم اتفاق می‌افتد، مردم در بخش‌های مختلف، در کشورهای مختلف، علاقه‌مندان جمهوری اسلامی خوشحال میشوند، شعار میدهند و این را منتقل میکنند؛ ما از راه‌های مختلف آن را می‌فهمیم. وقتی دشمن برای اینکه این انتخابات را، این حضور عظیم را، این پیروزی بزرگ سیاسی را خراب بکند، به شایعه‌افکنی، به تهمت‌زنی، به ایجاد اغتشاش در گوشه‌ای از کشور دست می‌زند، می‌بینیم نگران شدند؛ ملت‌ها نگران میشوند؛ در لبنان، در پاکستان، در افغانستان، در مناطق گوناگون، هر جا شیعه هست، هر جا مسلمان مخلص هست، می‌بینیم از وضع کشور نگران میشوند. این نشان‌دهنده‌ی حضور زنده‌ی تفکر جمهوری اسلامی در دنیای اسلام است. جمهوری اسلامی دو جزء دارد: جمهوری است، یعنی مردمی است؛ اسلامی است، یعنی بر پایه‌ی ارزش‌های الهی و شریعت الهی است.

مردمی است، یعنی مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت میکنند؛ مردم برکنار نیستند. مردمی است، یعنی مسئولان نظام از مردم و نزدیک به مردم باشند، خوی اشرافیگری، خوی جدائی از مردم، خوی بی‌اعتنائی و تحقیر مردم در آنها نباشد. ملت ما قرن‌های متمادی خوی اشرافیگری را، استبداد و دیکتاتوری را در حاکمان نابحق این کشور تجربه کرده و دوران جمهوری

اسلامی دیگر نمیتواند اینجور باشد. دوران جمهوری اسلامی یعنی دوران حاکمیت آن کسانی که از مردمند، با مردمند، منتخب مردمند، در کنار مردمند، رفتارشان شبیه رفتار مردم است. این، معنای مردمی است. مردمی است، یعنی باید به عقاید مردم، به حیثیت مردم، به هویت مردم، به شخصیت مردم، به کرامت مردم اهمیت گذاشته بشود. اینها مردمی است.

اسلامی است، یعنی همه‌ی آنچه که گفتیم، پشتوانه‌ی معنوی پیدا میکند. حکومت‌های دموکراسی سکولار، بیگانه‌ی از دین، جدای از دین، و در مواردی ضد دین، میروند کنار. اسلامی است، یعنی مردم در کار دنیایشان هم که کار میکنند، تلاش میکنند، در واقع دارند کار خدائی میکنند. آن کسانی که برای جامعه کار میکنند، آن کسانی که برای استحکام نظام کار میکنند، آن کسانی که برای پیشبرد کلمه‌ی این نظام و این کشور و اعلامی کلمه‌ی این نظام کار میکنند، برای خدا دارند کار میکنند. خدائی است. این خیلی ارزش دارد، این یک نسخه‌ی جدید است؛ این نسخه‌ی جدیدی است که دنیا این را بعد از زمان پیامبران و بعد از صدر اسلام تا امروز، دیگر ندیده. این، چیز کمی نیست. این، دشمن دارد. دیکتاتورهای عالم هم دشمن این نظامند؛ سلطه‌گران و متجاوزان به حقوق ملتها هم دشمن این نظامند؛ باید منتظر دشمنی بود. متتها این ملت نشان داده است که این دشمنی‌ها در ایستادگی او اثری ندارد. سی سال است دشمنها، دشمنی میکنند و ملت ایران ایستادگی میکند و نتیجه‌ی این چالش، پیشرفت شگفت‌انگیز ملت ایران شده و این پیشرفت بعد از این هم ادامه خواهد داشت.^۱

۵.۳. غافل نشدن از تلاش دشمن برای ایجاد اختلاف

یکی از خطوط کاری اصلی دشمن، همین مسئله‌ی تفرقه است. مسئله‌ی

۱. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۸۸/۷/۱۵

اتحاد ملت و کاری که برای ایجاد تفرقه دارد انجام میگیرد، بسیار مسئله‌ی مهمی است. ما نشانه‌های وحدت عمومی مردم را داریم می‌بینیم. شما نماز جمعه‌ها را در ماه رمضان دیدید، روز قدس را دیدید، نمازهای عید فطر را دیدید؛ چه عظمتی! انسان وقتی نگاه میکند - نه فقط در تهران، در مشهد، در اصفهان، در کرمان، در تبریز، در مناطق مختلف - منظره، منظره‌های بی‌نظیری است؛ اصلاً شاید در طول تاریخ اسلام، هرگز نماز عید فطر با این عظمت، با این شکوه‌های عجیب - در نقاط مختلف یک کشور، نه فقط در یک شهر - دیده نشده! ما امروز اینها را داریم؛ اینها همه نشانه‌ی وحدت است؛ نشانه‌ی همدلی مردم است؛ نشانه‌ی این است که یک مرکز مشترکی وجود دارد که مردم علی‌رغم اختلافات جزئی و فرعی‌ای که با هم دارند، در گرایش و انتماء به این اصل، متفق‌اند؛ دلشان متوجه این مرکز است؛ که این مرکز هم دین است، اصول اسلامی است، ارزشهای والاست، دین خداست. این، خیلی چیز مهمی است.

خوب، همه باید در مقابل این وحدت سر فرود بیاورند، وقتی این وحدت را می‌بینند. می‌بینیم که متأسفانه بعکس، بعضی دم از تفرق میزنند، از روی جهالت، غفلت؛ واقعاً محمول بر غفلت است این چیزها، بیش از آنچه که بر چیزهای دیگری انسان بخواهد اینها را حمل کند. این، مسئله‌ی مهمی است. مسئله‌ی ایجاد وحدت؛ وحدت مذهبی، وحدت قومی، وحدت سلاطین سیاسی، اینها مهم است؛ باید سعی کرد. یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است؛ هر چه بتوانند، در هر جا بتوانند، در هر سطحی که بتوانند؛ در سطوح مختلف؛ از مسئولین، غیر مسئولین، آحاد مردم، بین خود گروه‌های روحانی، بین خود گروه‌های دانشگاهی، بین خود جمعها و جمعیت‌های واحدهای دیگر اجتماعی، و بین اینها با یکدیگر ایجاد اختلاف کنند، و بین مذاهب.

نمونه‌های فراوانش را دارید مشاهده میکنید که در جامعه هست. این یک مسئله است. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است.^۱

۵.۴. خطا نکردن در شناخت دوست از دشمن

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه‌ی جناحهاست.

نظام اسلامی با اخلاصگران در امنیت مردم طبعاً برخورد میکند. این، وظیفه‌ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمیدهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه‌ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد؛ اما این را هم باید همه توجه داشته باشند:

مبادا دشمن را با دوست اشتباه نکنیم. دوست را به خاطر یک خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف یک عده‌ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند.

این فتنه‌هایی که دشمن بر پا کرده بود، امید بسته بود که شاید بتواند از این آب گل‌آلود ماهی بگیرد. بحمدالله این فتنه‌ها تمام شد. هر فتنه‌ای در مقابل حق، در مقابل ملت هوشیار از بین خواهد رفت؛ گرد و غبار فرو خواهد نشست. همیشه همین جور است.

حواشی ایجاد شده به وسیله‌ی یک عده دشمن، یک عده غافل، از بین میروند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در یک انتخابات

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۸۸/۲

پرشکوه، تقریباً چهل میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده‌اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهل میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس‌جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گرد و غبارها، پیرایه‌ها، کارها و حرفهای دشمن‌شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَّ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»^۱.

۵,۵. لحظه‌شناسی

مشکل برخی از افراد و مجموعه‌ها این است: بی‌ایمان نیستند، بی‌شوق و بی‌محبت هم نیستند؛ اما لحظه‌شناس نیستند. لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل‌بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه‌شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را نشناختند؛ عاشورا را نشناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که تواین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسایی لحظه‌ها و انجام کار در لحظه‌ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.

راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه‌ی عظمتی که دارد - که حالا عرض خواهم کرد - یک کار متعارف است، یک کار روان‌شده است،

۱. بیانات در زادروز امیرالمؤمنین ۸۷/۴/۱۵

شناخته‌شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه‌ی تیر در سال ۷۸، یک کار متعارف نبود، یک کار متوقع نبود؛ اهمیت داشت که این مجموعه بداند و بفهمد که این کار در آن شرایط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماه امسال هم همین جور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه‌ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد.

الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه‌ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبت‌های مختلف که قله‌هایی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله‌های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود.

۵.۶. پرهیز از افراط و تفریط

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوانهای پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده‌ی کشور شماها هستید؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه میزند، زیاده‌روی هم ضربه میزند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به

بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع یک وقتی مثلاً اهانتی شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابیگری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست میدارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام میگیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف.^۱

۶. نتیجه فقدان بصیرت

۶.۱. وارد شدن بلاهایی بر ملتها و خطا بر اثر بی‌بصیرتی

بلاهایی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. خطاهائی که بعضی از افراد میکنند - می‌بینید در جامعه‌ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه‌ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی میکنند. نخبگان

۱. بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۸۹/۷/۲۹

که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر باشد، بیشتر نباشد، کیفیاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی هایش، نمی‌گوئیم همه‌اش.^۱

۵.۲. احتمال قدم گذاشتن در راه بد ولو با نیت خوب

اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما همان بصیرت است.^۲

۶.۳. صحبت به نفع دشمن در عین نداشتن نیت بد

نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یک‌هوا به نفع دشمن می‌پراندند؛ به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدمهای بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر. بی‌بصیرتی است دیگر. این بی‌بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی - که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمی‌خواهم - از بین ببرید. کسانی

۱. بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر ۸۸/۵/۵

۲. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۸۸/۷/۱۵

هستند که میتوانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع نکند.^۱

۷. الزامات کسب بصیرت

۷.۱. حفظ هوشیاری بیش از پیش

بعضی از سردمداران دنیا - از آمریکائی گرفته تا بعضی از کشورهای اروپائی - همه‌ی مشکلاتشان تمام شده، مشکل ایران برای اینها باقی مانده است! در یک مسئله‌ی داخلی مردمی صددرصد مرتبط به ملت ایران، چانه تکان میدهند و اظهارنظرهای سخیف میکنند؛ غافل از اینکه هر جا آنها پا گذاشتند از مواضع سیاسی، از نظر ملت ایران آنجا نجس خواهد شد.

جانبداری‌های آنها درست بعکس نتیجه میدهد. مردم از خودشان میپرسند چه چیزی موجب شده است که این دشمنانی که سی سال است علیه انقلاب اسلامی دارند تلاش میکنند و از همه‌ی ابزارها و امکاناتشان علیه این کشور و علیه این ملت استفاده کردند، حالا شده‌اند دلسوز؟! مردم توطئه را میفهمند؛ مردم ما خباثت را درک میکنند. مشکل آنها هم همین است. اگر با یک ملت بیهوش بی‌حواسی مواجه بودند، مشکلی نداشتند؛ اما با یک ملت هوشیار مواجه‌اند، با یک ملت مجرب مواجه‌اند.

تجربه‌های سی‌ساله‌ی ما، ملت را آگاه کرده است. اینها میدانند. اینها همان دولتها و حکومت‌هایی هستند که هشت سال در دوران دفاع مقدس که علیه این ملت جنایت شد، شهرها بمباران شد، خانه‌ها ویران شد، بمبهای شیمیائی زدند، انسانهای بی‌گناه را کشتند، نه فقط دلشان برای ملت ایران نسوخت، بلکه به دشمن ملت ایران کمک هم کردند. مردم ما این را دیده‌اند. اینها که فراموش‌شدنی نیست. حالا شده‌اند دلسوز! مردم رفتار اینها را با

۱. بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر ۸۸/۵/۲۱

ملتهای مظلومی که پنجه‌ی اینها در آنها جاگیر شده است، می‌بینند؛ مثل ملت افغانستان، مثل ملت عراق، مثل پاکستان، مثل ملت فلسطین. هر جا اینها پنجه‌شان جاگیر شد، ناخنشان بند شد، هرچه توانستند، ضربه زدند. اینها به مردم رحم نمیکنند؛ مردم‌دوستی، دور از جناب آنهاست. حالا نسبت به ملت ایران، نسبت به کسی یا کسانی در داخل کشور، طرفدار شده‌اند!

خب معلوم است که این غرض و مرض آنها از این کارها چیست. این را مردم می‌فهمند. شما اگر متحد باشید، شما اگر با هم باشید، شما اگر این روحیه‌ی استحکامی را که انقلاب به ملت ما داد و در طول این سی سال ملت ما آن را حفظ کرده است، نگه دارید، «لایضرکم کیدهم شیئا»؛ هرگز دشمنی آنها به شما اثری نخواهد کرد، و آنها نخواهند توانست به ملت ایران آسیبی وارد کنند.^۱

نخبگان ما هوشیار باشند. نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه‌ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع‌گیری کردن، مراقب گفتن‌ها، مراقب نگفتن‌ها. یک چیزهائی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده‌ایم. یک چیزهائی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده‌ایم. نخبگان سر جلسه‌ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت می‌کند، معیار و ملاک قرار دهیم.^۲

۱. بیانات در دیدار قوه قضاییه ۸۸/۴/۷

۲. بیانات در سالروز عید سعید مبعث ۸۸/۴/۲۹

دانشگاه باید بهوش باشد. دانشجوی مؤمن و مسلمان و دانشجویی که به کشورش علاقه‌مند است و دانشجویی که به آینده‌ی کشور و آینده‌ی نسل خودش دل بسته است، باید هوشیار باشد. بدانید اینها دارند طراحی میکنند؛ البته شکست میخورند. من الان به شما عرض میکنم، اینها در نهایت شکست میخورند؛ اما درجه‌ی بیداری و هوشیاری من و شما میتواند در میزان خسارت و ضرری که وارد میکنند، تأثیر بگذارد. اگر هوشیار باشیم، نمیتوانند صدمه و ضرری بزنند. اگر غفلت کنیم، احساساتی بشویم، بی‌تدبیر عمل کنیم، یا خواب بمانیم و اینجور عوارض به سراغمان بیاید، ضرر و زیان و هزینه بالا خواهد بود؛ ولو در نهایت موفق نخواهند شد.

مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاه‌های ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاه‌هاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که دانشگاه ما یک مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان یک نقطه‌ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.^۱

باید بصیر بود؛ باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. ملتها در مسیر خودشان، در موارد حساس باید بفهمند دشمن دارد چه کار میکند. وقتی می‌بینند از عهده‌ی یک ملت با برخورد نظامی بر نمی‌آیند، با برخوردهای تهدیدآمیز و ارباب‌آمیز بر نمی‌آیند، آن وقت شروع میکنند از طرق دیگر اخلال کردن؛ این

۱. بیانات در دیدار دانشجویان ۸۸/۶/۴

را بفهمیم. ایجاد اختلاف، ایجاد دشمنی، بهانه‌جویی. امروز تبلیغات استکبار جهانی از جمله‌ی چیزهایی که بر آن تمرکز میکند، همین وجود اختلافات در داخل کشور است. یک عده‌ای پیش خدا باید جواب بدهند؛ پیش خدا جواب بدهند که کاری بکنند که دشمن از او برداشت تفرق بکند در داخل کشور و جری بشود. مسئله این است که دشمن را بشناسیم؛ ترفند دشمن را بفهمیم؛ بدانیم که چه داریم می‌گوئیم و دشمن چگونه ممکن است از هر کلمه‌ی ما استفاده بکند و جری بشود، تشویق بشود، روحیه پیدا کند و راه‌ها را برای دخالت خود، نفوذ خود، باز کند؛ اینها چیزهایی است که باید توجه داشت.^۱

۷،۲. شجاعت در فهم و نترسیدن از اهل فتنه

۷،۲،۱. اختلال در فهم انسان در صورت وجود ترس

ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد. درک روشن از کُبریات و صُغریات؛ گاهی انسان کُبریات را درست می‌فهمد، در صُغریات اشتباه میکند. این درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ والا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جو، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترسها فهم انسان را هم مختل

۱. بیانات در عید غدیر ۸۸/۹/۱۵

میکند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمیفهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «و لا یخشون احدا الا الله» خیلی مهم است؛ در این آیهی شریفه‌ی «الَّذین یبألغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احدا الا الله و کفی بالله حسیبا» معلوم میشود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «و لا یخشون احدا الا الله». میگوئی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خوب، «و کفی بالله حسیبا»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند.^۱

۲،۲،۷. ضرورت تقوا و نترسیدن از اهل فتنه

«و کفی بالله حسیبا»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر پروای قضاوتهای مردم، داوریهای گوناگون مردم را به جای پروای از خدا گذاشتیم، مشکل درست خواهد شد؛ چون پروای از خدای متعال تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آنوقت فرقانی هم که خدای متعال گفته، پیدا نخواهد شد؛ «ان تَتَّقُوا الله یجعل لکم فرقانا»؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست. و به نظر من این مسئله خیلی مهم است؛ مسئله‌ی خشیت از مال و جان و حرف مردم و آبرو و زمزها و حرفها و حدیثها و تهمت‌ها و اینها، خیلی مهم است؛ اینقدر این مسئله مهم است که خدای متعال به پیغمبرش خطاب میکند و او را برحذر میدارد: «و اذ تقول للذی أنعم الله علیه و انعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله و تخفی فی نفسک ما الله مبذیه و تخشی الناس و الله احق أن تخشاه»؛ ملاحظه‌ی حرف مردم،

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۸۸۷/۲

ملاحظه‌ی این تهمتی که خواهند زد، ملاحظه‌ی چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد؛ «و الله احقّ ان تخشاه»^۱.

۷،۲،۳. شجاعت امام خمینی (ره) و ملاحظه‌کار نبودن او

به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دلها به آن بزرگوار را - که واقعاً چیز عجیبی بود - به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه‌ی هیچ چیزی را نمیکرد.^۲

۷،۲،۴. تلاش اهل فتنه و دشمن برای نشان دادن ترس خود در دل نخبگان

بالاخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ فَمَا بِهِمْ فَرَادَهُمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». یعنی اینکه دائماً دارند به ما میگویند: آقا! «إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ»، جوابش همین است: «فَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». نتیجه‌اش هم این است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مِنْ اللَّهِ وَفَضَّلُوا لِمِ يَمْسَسُهُمْ سَوْءٌ». نتیجه‌ی این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی همین است که: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مِنْ اللَّهِ وَفَضَّلُوا لِمِ يَمْسَسُهُمْ سَوْءٌ». بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت. دشمن انواع و اقسام کار را میکند؛ انواع و اقسام فعالیت را میکند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن،

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۸۸/۲

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۸۸/۲

خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم انشاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.

و انقلاب اسلامی، خیلی ریشه‌دار است؛ خیلی قوی است؛ خیلی ارکان مستحکمی دارد؛ و خدای متعال هم پشتیبان ماست؛ همین طور که من بارها از قول امام (رضوان الله علیه) نقل کرده‌ام که فرمودند: من از اولی که وارد این قضیه شدیم، دیدم - یا احساس کردم - یک دست قدرتی دارد کارها را پیش میبرد. حقیقتاً همین جور است؛ و این را ایشان به من فرمودند. انسان این دست قدرت الهی را می‌بیند. البته این دست قدرت الهی، قوم و خویشی‌ای با ما ندارد - «من كان لله كان الله له»، «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، «و لينصرنَّ الله من ينصره» - باید در خدمت این راه باشیم؛ خالصانه؛ آنچه که داریم، بیاوریم میدان و برای این راه تقدیم کنیم؛ تلاشمان و کارمان را برای این راه تقدیم کنیم. خدای متعال هم تفضل خواهد کرد؛ لطف خواهد کرد؛ امروز هم همین کار شده و خدای متعال تفضل کرده و سنگ دشمن به سوی خودش برگشته؛ تیرش کمانه کرده به طرف خودش؛ و نتوانستند از توطئه‌ای که کردند، طرفی ببندند.

قطعاً این بلوهای بعد از انتخابات، به نظر آدمهای خبره و آگاه، برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می‌گذارد، می‌فهمد. پریروز من به ایشان همین را عرض کردم؛ گفتم اینها برنامه‌ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً.

یعنی همه این را میفهمند که این کار برنامه‌ریزی شده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوئیم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه‌ریزی شده بود؛ از یک مرکزی هدایت میشد. خوب، شکست خوردند دیگر؛ ان‌شاءالله این شکست‌شان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه میکنند.^۱

۷،۲،۵. کنار کشیدن به هنگام فتنه

این را هم عرض بکنیم؛ بعضی‌ها در فضای فتنه، این جمله‌ی «کن فی الفتنة کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد میفهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود. در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم - آثار صفین را نگاه کنید - مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه‌های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه‌ی عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ این طرف میرفت، آن طرف میرفت، برای گروه‌های مختلف سخنرانی میکرد - که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست - از آن طرف هم آن عده‌ای که «نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین - یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است - انا قد شککنا

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان - ۸۸/۷/۲

فی هذا القتال» ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یُحلب؛ همان ظهری است که یُرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال ما را و شما را به آنچه میگوئیم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند.^۱

۷،۳. توکل، اعتماد و حسن ظن به خدای متعال

بدانید پیروزی با شماست، نصرت الهی با شماست. همین ابرقدرتهای تهدیدکننده - حالا دنباله‌های داخلی‌شان که جای خود دارند - و مراکز قدرت استکباری و تهدیدها، چاره‌ای جز عقب‌نشینی در مقابل یک ملت مقتدر و باایمان ندارند. به خدای متعال اعتماد داشته باشید، حسن ظن داشته باشید. اینی که خدا با تأکید میفرماید: «و لینصرنَّ الله من ینصره انَّ الله لقوی عزیز!»؛ بی‌شک، بدون تردید خدای متعال آن کسانی را که دین او را و اهداف صادق او را یاری کنند، یاری خواهد کرد، این سخن راستی است، این وعده‌ی صادق است. به این اعتماد کنید. با اقتدار، با عزم کافی، با تهذیب نفس، با خودسازی - هم خودسازی علمی و هم خودسازی اخلاقی - پیش بروید.^۲

۷،۴. تلاش برای افزایش آگاهی

بی‌بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی - که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمیخواهم - از بین ببرید. کسانی هستند

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان - ۸۸/۷/۲

۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۸۸/۸/۱۲

که میتوانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع نکند.^۱

۷.۵. تلاش و مجاهدت

وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است، «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»؛ این یک معیار است؛ حقیقتی را که درک میکنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه که میفهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که میفهمید، بگوئید. البته برای اینکه آنچه میفهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادثِ فتنه‌گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است.^۲

۷.۶. شاخص قرار دادن عقل و خرد

نخبگان سر جلسه‌ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما یک سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت میکنند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.

عقل، این سیاسی‌بازی‌ها و سیاسی‌کاری‌های متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است. «العقل ما عبد به الرَّحْمَنُ وَ اکتسب به الجنان»؛ عقل این است که

۱. بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر ۸۷/۵/۲۱

۲. بیانات در دیدار جمعی از شعرا ۸۸/۶/۱۴

انسان را به راه راست هدایت میکند. اشتباه میکنند آن کسانی که خیال میکنند با سیاسی کاری، عقلانی عمل میکنند؛ نه، عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار میکند. شاخصش هم برای ما، بین خودمان و خدا، این است که نگاه کنیم ببینیم در بیان این حرف اخلاص داریم یا نه؟ به فکر خدائیم یا نه؟ من دارم برای خاطر خدا، رضای خدا حرف میزنم یا برای خاطر جلب توجه شما دارم حرف میزنم؟ برای خاطر خداست یا برای خاطر دل مستمع و غیر مستمع است؟ معیارش این است. به خودمان مراجعه کنیم؛ اقصی القضاة نسبت به انسان، خود انسان است. خودمان را فریب ندهیم؛ بفهمیم چه کار میکنیم؛ بفهمیم چه میگوئیم؛ چه حرکتی میکنیم.^۱

۷،۷. لحظه شناسی

مشکل برخی از افراد و مجموعه‌ها این است: بی‌ایمان نیستند، بی‌شوق و بی‌محبت هم نیستند؛ اما لحظه‌شناس نیستند. لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه‌شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را نشناختند؛ عاشورا را نشناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که تو این در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسایی لحظه‌ها و انجام کار در لحظه‌ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.

آخری‌اش همین نهم دی است؛ قبلش - ده سال قبل از این - ۲۳ تیر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالروز عید سعید مبعث ۸۸/۴/۲۹

است. آن روز هم نیاز لحظه‌ها بود؛ این کار متعارف و معمولی نبود. راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه‌ی عظمتی که دارد یک کار متعارف است، یک کار روان‌شده است، شناخته‌شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه‌ی تیر در سال ۷۸، یک کار متعارف نبود، یک کار متوقع نبود.

کار نهم دی ماه امسال هم همین جور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه‌ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه‌ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبت‌های مختلف که قله‌هایی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله‌های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود.^۱

۷۰۸. برنامه‌ریزی بلندمدت برای بصیرت یافتن

جبهه‌ی دشمن برنامه‌ی بلندمدت دارد. آنها مایوس نمیشوند که ببینند حالا امروز شکست خوردند، دست بردارند؛ نه، طراحی میکنند برای ده سال دیگر، بیست سال دیگر، چهل سال دیگر. باید آماده باشید. ما باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. البته این برنامه‌ی بلندمدت جای طرحش اینجا نیست - مراکز فکر، کانونهای فکر، مراکز سیاسی و فرهنگی دنبال این حرفها هستند و این کارها را باید بکنند و میکنند هم - آن

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۸۸/۱۰/۲۹

چیزی که من در مجموعه میتوانم عرض کنم، این است که یک زمینه‌ی اساسی برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هست که این را من بارها تذکر دادم، اینجا هم لازم میدانم یک قدری درباره‌اش بیشتر صحبت کنم و آن، مسئله‌ی بصیرت‌یافتن است.

در باب بصیرت، بنده در سال اخیر و قبل از آن خیلی صحبت کردم؛ دیگران هم مسائل زیادی گفتند؛ دیدم بعضی از جوانها هم کارهای خوبی در این زمینه انجام دادند. من میخواهم روی مسئله‌ی بصیرت باز هم تأکید کنم. این تأکید من در واقع با این انگیزه است که شما که خودتان مخاطبید، خودتان میداندارید، کار بر دوش شماست، بروید سراغ کارها و برنامه‌ریزی‌هایی که با بصیرت‌یافتن ارتباط دارد؛ این نیاز مهم را تأمین کنید.^۱

۸. معیار؛ توجه به خشمگینی و شغف دشمنان

امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قله‌ی اسلام‌طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته‌اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. اینها به طور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی‌اند. این شد یک معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط می‌رویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین میکند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین میشود، از موفقیت‌های شما خشمگین میشود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین میشود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین میشود؛ آن چیزی که دشمن

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم ۸۹/۸/۴

را خشمگین میکند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف میکند، ذوقزده میکند، سعی میکند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست‌ورزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه‌داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آن جایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها میشود آن اشتباه را برطرف کرد.^۱

۹. وظیفه خواص؛ فهم و تبیین حقایق و ایجاد بصیرت در خود و دیگران

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مضر است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همینکه حالا امروز به آن جنگ روانی می‌گویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه‌هاش فرق کرده؛ این از اول بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه میکند کارهایشان را، می‌بیند که در جنگ روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسانتر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنی یک جا پیدا کنید، وارد شدن سوءظن به ذهن آسان است، پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه‌افکنی میکردند، سوءظن را وارد میکردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف

۱. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۸۸/۱۵

دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمار یاسر بود، که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی میرفت و همین طور این گروه‌هائی را که - به تعبیر امروز، گردانها یا تیپهای جدا جدای از هم - بودند، به هر کدام میرسید، در مقابل آنها می‌ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت میکرد؛ حقائقی را برای آنها روشن میکرد و تأثیر میگذاشت. یک جا میدید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگو مگو توی آنها هست، خودش را بسرعت آنجا میرساند و برایشان حرف میزد، صحبت میکرد، تبیین میکرد؛ این گره‌ها را باز میکرد.^۱

۱. بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر ۸۸/۵/۲۱

فصل پنجم

جنگ نرم

۱. جنگ نرم؛ دارای خطری برابر با جنگ نظامی

ما باید جوانب این توطئه را بروشنی بشناسیم و بشناسانیم؛ وظیفه‌ی ما این است. امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمیگوئیم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمیخواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف

تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند.^۱

۲. منشأ جنگ نرم؛ شکست دشمن در مواجهه سخت با نظام و عمیق و پیچیده شدن ریشه‌های نظام اسلامی

این قدرت [ایران] با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده‌ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس‌جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپائی نیست؛ دستگاه استکبار یک شبکه‌ی عظیم‌تری است که شامل اینهاست؛ شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه‌ی تجار اساسی بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولتها را اینها می‌آورند، اینها می‌برند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولتهای اروپائی هستند، خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند، با یک چنین قدرت رو به رشد رو به اعتلای در حال قدکشی بشدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار میکنند.^۲

معارضه‌ی با نظام، یک سابقه‌ی سی ساله در این انقلاب دارد؛ چیز جدیدی نیست. اشکال معارضه گوناگون بوده است، اما همیشه بوده است؛ شدتاً، ضعیفاً، متناسب با وضعیت ما در داخل بوده. هر جا احساس کردند و هر وقت احساس کردند میتوانند حضور قوی‌تری پیدا کنند، ضربه‌ای را

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۸/۷/۲

۲. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

که میتوانند - به خیال خود - وارد کردند. و انقلاب هم در طول این سی سال در مقابل این ضربات ایستاده است؛ نه فقط ضعیف نشده، بلکه روز به روز بحمدالله کشور و نظام جمهوری اسلامی قوی تر هم شده. منتها یک نکته وجود دارد و او این است که هر چه ما در نظام جمهوری اسلامی، توانستیم ریشه‌ی خودمان را عمیق تر کنیم و بیشتر برویم و کارهایمان را پیچیده تر بکنیم، توطئه‌ی دشمن هم پیچیده تر شده است؛ این را باید توجه داشت.^۱

۳. معنای جنگ نرم

همیشه هشیاری نسبت به همه‌ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه‌ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن میگویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله‌ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی دروغ، به وسیله‌ی شایعه‌پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی‌ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم.^۲

دشمن، «من نام لم ینم عنه»؛ بیدار است؛ خبرهایی که از مراکز حساس سیاسی و امنیتی دنیا به دست ما میرسد، نشان میدهد که دستگاه‌های عظیمی، گسترده‌ای، با بودجه‌های کلانی، به طور دائم متوجه به نظام جمهوری اسلامی هستند؛ با انگیزه‌هایی که دارند، که گفته شده است و معلوم است برای ما و شما. دارند کار میکنند؛ هر روز طرحی را به میدان می‌آورند و هر روز عرصه‌ی جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می‌آیند... این

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۸/۷/۲

۲. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۸۸/۹/۴

کارهائی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست.^۱

۴. هدف دشمن از جنگ نرم

در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای یک نظام را به تهدید تبدیل کند.^۲

۵. خطوط اصلی در جنگ نرم

۵.۱. غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور

امروز کار عمده‌ی دشمن در جنگ نرم، غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور است؛ این را توجه داشته باشید. امروز مهمترین کار دشمن این است. افرادی که در کار سیاسی و مسئله‌ی سیاسی واردند و مطلعند، میدانند امروز قدرت ابرقدرتها بیش از آنچه که در بمب هسته‌ای‌شان باشد، در ثروتهای انباشته‌ی در بانکهاشان باشد، در قدرت تبلیغاتی آنهاست، در صدای بلند آنهاست که به همه جا میرسد. شیوه‌های تبلیغاتی را هم خوب بلدند. در کار

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۸/۲

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۸/۲

تبلیغات انصافاً پیشرفت هم کرده‌اند. امروز غربی‌ها - چه در اروپا، چه در آمریکا - در کار تبلیغات، شیوه‌های مدرن و بسیار پیشرفته‌ای را یاد گرفته‌اند و بلد شده‌اند؛ ما در این جهت عقبیم. یکی از اساسی‌ترین کارهای آنها این است که تبلیغ کردن را بلدند. با این شیوه‌های تبلیغی، با جنجال، با فرستادن انبوه حرفه‌ای خلاف واقع، سعی میکنند فضای جوامع را دگرگون کنند و تأثیر بگذارند؛ باید به این نکته توجه داشت، باید این را مراقب بود. امروز وظیفه‌ی جوانهای ما از این جهت سنگین است. نه فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آنها هم قضایا را روشن کنید.

یک نکته‌ی اساسی این است که باطل در مقابل انسان همیشه عریان ظاهر نمیشود تا انسان بشناسد که این باطل است؛ غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان میشود. امیرالمؤمنین فرمود: «انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تتبدع یخالف فیها کتاب الله»، بعد تا میرسد به اینجا: «فلو ان الباطل خلص من مزاج الحق لم یخف علی المرتدین و لو ان الحق خلص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندین»؛ اگر باطل و حق صریح و بی‌شائبه وسط میدان بیایند، اختلافی باقی نمیماند؛ همه حق را دوست دارند، همه از باطل بدشان می‌آید؛ «و لیکن یؤخذ من هذا ضغث و من ذاک ضغث فیمزجان فحینئذ یشبهه الحق علی اولیائه». بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط میکنند، نمیگذارند صرف باطل و صریح باطل باشد؛ لذا مخاطبان دچار اشتباه میشوند؛ این را باید خیلی مراقبت کرد. امروز در تبلیغات جهانی، همه‌ی تکیه بر روی این است که حقایق را در کشور شما، در جامعه‌ی شما، در نظام اسلامی شما دگرگون جلوه دهند؛ امکانات تبلیغاتی‌شان هم فراوان است، به طور دائم هم مشغولند. البته افرادی هم هستند که بعضی دانسته،

بعضی ندانسته، در داخل، همان حرفها را تکرار میکنند و همانها را بازتاب میدهند.^۱

۵.۲. اختلاف و تفرقه در جامعه

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دل‌های مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه‌ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دل‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرحهای اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند.^۲

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخشهای گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد یک تزلزلی

۱. بیانات در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم ۸۹/۸/۴

۲. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۸۸/۹/۴

ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و کرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند.

با همه‌ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی که ما به آن میگوئیم بصیرت. بدانیم کجائیم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در یک سنگر حساسی قرار گرفته و میداند که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را میداند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمیداند چقدر مهم است؛ خوایش میبرد، غفلت میکند، سنگر را رها میکند، در داخل سنگر با همسنگری‌اش دعوا میکند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است.^۱

۵،۳. خدشه در نشانه‌های امید و القای یأس به جامعه

دشمنان ما؛ دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، چند خط را دارند دنبال میکنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام میدهند، واضح هم هست؛ اینها چیزهای پوشیده و پنهانی نیست؛ باید در ذهن خودمان اینها را جمع‌بندی کنیم:

یکی این است که نشانه‌های امید را مخدوش کنند؛ مورد خدشه قرار بدهند، که از جمله همین انتخابات بود. حضور هشتاد و پنج درصدی مردم، یک چیز امید بخشی است، یک چیز مهمی است؛ همانطور که عرض کردیم، سی سال بعد از یک انقلاب، مردم کشور بیایند به نظام برآمده‌ی این انقلاب

۱. بیانات در دیدار با فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش ۸۹/۱۱/۱۹

یک چنین آراء وسیعی را تقدیم نکنند، این جز اعتماد به این نظام و دل بستن به این نظام، معنای دیگری ندارد؛ و این اتفاق افتاد. یا رئیس جمهوری را با این رأی بالا انتخاب نکنند، این یک چیز بی سابقه است. این اتفاق افتاد؛ این کار در کشور شد. این خیلی نقطه‌ی قوت مهمی است. سعی شد این نقطه‌ی قوت را تبدیل کنند به نقطه‌ی ضعف؛ این مایه‌ی امید را تبدیل کنند به مایه‌ی تردید، مایه‌ی یأس. این کار خصمانه‌ای است. در کشور، مایه‌های امید فراوان است؛ زیرساختهای کشور، امروز زیرساختهای بسیار مستحکمی است؛ کارهای مهمی در طول این سالها انجام گرفته و امروز کشور آماده‌ی یک حرکت جهش وار به جلوست. پیشرفتهای علمی، امروز خیلی چشم‌نواز و چشم‌گیر است؛ به طوری که دیگران - دانشمندان کشورهای دیگر، آنهایی که انگیزه‌ی سیاسی ندارند - اعتراف میکنند؛ که یک نمونه‌اش را دیشب توی تلویزیون دیدید. در مورد همین سلولهای بنیادی، اعتراف کردند که باور نمیکردند در ایران این حد پیشرفت وجود داشته باشد. میگوید: من پارسال هم در این کنفرانس علمی شرکت کردم، امسال هم شرکت کردم؛ امسال تا پارسال تفاوت زیادی به وجود آمده، پیشرفت زیادی شده! این یک نمونه‌اش است؛ ده‌ها نمونه از این قبیل داریم که اینها پیشرفتهای علمی است؛ مایه‌های امید است. خود تجربه‌ی سی ساله - سی سال تجربه پشت سر ماست؛ در اختیار ماست - نسل جوان پر انرژی و تحصیلکرده‌ای در وسط میدان است؛ اینها همه مایه‌های امید و نقاط قوت است. نسل جوانی که هم تحصیلکرده است، هم اعتماد به نفس دارد، هم احساس میکند که میتواند کشور خودش را پیش ببرد. ما یک سند چشم‌انداز داریم که تا سال ۱۴۰۴، مشخص کرده که خط ما از لحاظ پیشرفتهای کشوری و مادی کجاست؛ خیلی چیز مهمی است. معلوم کردیم که به کجا باید برسیم و از چه طریقی باید حرکت

بکنیم. اینها عوامل امید است، اینها نقطه‌های قوت است. می‌خواهند اینها را به موجبات یأس تبدیل کنند؛ راجع به سند چشم‌انداز صحبت بشود، می‌گویند آقا به این سند توجهی نشده؛ راجع به پیشرفتهای علمی بحث بشود، می‌گویند اینها خیلی اهمیتی ندارد؛ راجع به انتخابات بحث بشود، این شبهه‌ها و خدشه‌ها را پیش می‌آورند؛ راجع به جوانها صحبت بشود، اشاره می‌کنند به تخلف چند تا جوان در یک طرفی! یعنی همه‌ی این نقاط مثبت، این قلعه‌های برجسته‌ای که همه‌اش امیدافزا هست، اینها را سعی می‌کنند در چشمها کم‌رنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را - نمی‌گوئیم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد - بزرگ‌نمایی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقی‌های بدبینانه‌ی نسبت به نظام را گسترش بدهند. می‌بینید دیگر؛ به‌زور می‌خواهند این یأس را به جامعه القاء کنند. وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویایی خواهد افتاد؛ افراد مبتکر، افراد نخبه، افراد جوان و پُر نشاط منزوی میشوند، کناره‌گیری می‌کنند، دست و دلشان به کار نمی‌رود، مشارکتها کم میشود، پویایی جامعه از دست می‌رود. این یکی از خطوط کاری دشمن است؛ مرتباً القای بن‌بست کردن. شما اگر ببینید این تبلیغات رادیوها را - حالا امروز رادیوها دیگر نیست. یک وقتی می‌گفتیم ده‌ها رادیو، امروز مسئله‌ی هزارهاست؛ رادیو هست، تلویزیون هست، این وسائل اینترنتی هست - به‌طور دائم از مراکز مشخصی، مرتباً القای بن‌بست، القای بحران، القای سیاه بودن وضعیت میشود؛ هر مقداری که بگیرد، هر مقداری که مستمع و شنونده پیدا بکند و باورپذیر باشد برای آنها؛ دارند در این زمینه کار می‌کنند. این یکی از خطوط کاری دشمن است.^۱

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۸/۷/۲

۵.۴. انصراف ذهن مردم از دشمنی دشمن

این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه‌گذاری میکند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسائی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما أصابك من حسنة فمن الله و ما أصابك من سيئة فمن نفسك»؛ اینکه معلوم است؛ دشمن هم اگر ضربه‌ای به ما زد و این ضربه کاری شد، این هم «من نفسك» است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، میگویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید! خوب، هست دشمن؛ چرا نمی‌بینیم دشمن را؟ چرا نمی‌بینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا میکند از آنچه که اینجا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آنجا، رئیس یک کشور بزرگ از آدمها اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می‌آورد و تمجید میکند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم. چرا؟ چون یک کلمه‌ای گفته که آنها خوششان آمده. اینها را باید دید؛ اینها را باید متوجه شد و نبایستی از دشمنی دشمن غفلت

کرد. البته دشمنی او خلاف انتظار نیست، غفلت ما خلاف انتظار است.^۱

۶. راههای مقابله با جنگ نرم دشمن

۶.۱. ایجاد بصیرت و تدبیر

دشمن یک جدولی این جوری درست کرده، برای اینکه یک حرفی از تویش در بیاورد؛ چند تا از این حروف را هم ما بگذاریم! این را باید مراقبت کرد؛ بحث سر این است؛ باید جدول دشمن را کامل نکنیم؛ پازل دشمن را کامل نکنیم؛ ببینیم دشمن چه کار دارد میکند و چه کار میخواهد بکند؛ اهداف و حضور واضح او را ببینیم.

... امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. این سلاح دشمن را شما در بلوهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «و انّ الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم»؛ دائم به اولیاء خودشان ایحاء میکردند. خوب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر میشود فرض کرد؟

باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریان‌های سیاسی و گروه‌های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۸/۷/۲

آنوقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.^۱

۶.۲. اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده‌ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه‌ی مردم - اینها را باید از آن عناصر معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می‌بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسئولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست.^۲

۷. دانشجویان؛ افسران جوان جبهه جنگ نرم

۷.۱. معنای افسری

ما با جنگ نرم، با مبارزه‌ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را می‌گویند؛ مکرر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم می‌گویند و همه این را میدانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتیم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، افسران جوان این جبهه‌اید. نگفتیم

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸۷/۲

۲. بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۸۷/۹/۴

سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم‌گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه‌ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی‌های کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست می‌بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می‌آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می‌بینند، در چهارچوب هم کار میکنند.^۱

۷.۲. الزامات افسری در جبهه جنگ نرم

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهائی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهائی است که خود شماها باید در مجامع اصلی‌تان، فکری‌تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله‌ی با یک حرکت همه‌جانبه‌ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته‌ی علمی رسانه‌ای. باید با این جریان شیطنانی خطرناک مقابله شود.

...همین جا به شما بگویم، مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاه‌های ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما،

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸/۶/۸۸

حفظ حرکت علمی در دانشگاه‌هاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که دانشگاه ما یک مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان یک نقطه‌ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.

حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله‌ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله‌ی با نفاق جدید، یا تعریفی عدالت. من اینجا بیایم بنشینم یک بحث فلسفی بکنم، عدالت چند شعبه دارد، چه جوری است.^۱

۸. نقش اساتید در فرماندهی جبهه جنگ نرم

اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی کنید؛ هدفهای دشمن را کشف کنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

خوب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته‌ی

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۸۸/۶/۴

حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و ... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمی‌کند. به اینها قدرت تحلیل بدهید. به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلائی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. اینکه می‌گویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده‌ای ندارد. این روحیه‌ی «فایده‌ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلک همه‌ی فعالیتهاست؛ چه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی. این کسانی که کشفیات بزرگ را در زمینه‌های علوم تجربی و دانش‌های گوناگون انجام دادند، اینها اگر ناامید از نتیجه بودند، قطعاً به اینجا نمی‌رسیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می‌برد. جوان ما را ناامید کنند از کشورش، از انقلابش، از آینده‌اش، از دولتش، از دانشگاهش، از آینده‌ی علمی‌اش، از آینده‌ی شغلی‌اش. این خیلی مضر است. این کاری است که تو برنامه‌های دشمنان ما و مخالفین نظام وجود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.

یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه‌ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجویست برای اظهار نظر. از اظهار نظر هیچ نباید بیمناک بود. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه‌ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنانچه بحث‌های مهم تخصصی در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های گوناگون

حتی فکری و مذهبی، در محیط‌های سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحثها به محیط‌های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد. وقتی که با عامه‌ی مردم، افراد مواجه میشوند، همه نمیتوانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم، انسانها را دچار انحرافها و انحطاطها و لغزشهای زیادی میکند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می‌بینید در مواجهه‌ی با عامه‌ی مردم یک حرفی میزنند، یک چیزی میگویند، در اعماق دلشان ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضی‌ها جوگیر میشوند؛ این خیلی چیز بدی است. اگر در محیط‌های خاص، محیط‌های آزداندیشی و آزادفکری، این مسائل مطرح بشود - مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش برانگیز - مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد.^۱

۹. نقطه پایان؛ پیشرفت و رسیدن ما به اقتدار همه‌جانبه

پیشرفت در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه‌جانبه است. از همه‌ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه‌ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۸/۶/۸۸

هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرائی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقاء ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلوترند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود.^۱

نکته‌ی اصلی که هم دانشجویها، هم دانشگاهیان عزیز، هم همه‌ی آحاد ملت، بخصوص نخبگان و هوشمندان باید به او توجه کنند، این است که نظام جمهوری اسلامی این «توانائی» و این «اقتدار ذاتی» را دارد؛ همچنانی که تا امروز در طول این سی سال توانسته ایستادگی کند. آنها همه‌ی هم‌میشان این بود که جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند؛ اما نه فقط نابود نشد، بلکه روزبه‌روز در بخشهای مختلف قوی‌تر شد. سیاستهای استکبار، سیاستهای آمریکا، سیاستهای شبکه‌ی صهیونیستی عالم که آماج اولش برای دشمنی، به دلایل روشن، جمهوری اسلامی است، نمیتوانند جمهوری اسلامی

۱. بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) ۸۸/۱

را از پا در بیاورند. نه فقط نمیتوانند از پا در بیاورند، نمیتوانند کند کنند. ما میتوانیم با سرعت حرکت خودمان را پیش ببریم. البته منتظر توطئه‌ی دشمن هستیم. این توطئه‌ها ادامه پیدا خواهد کرد، تا یک مقطعی؛ آن مقطع عبارت است از اقتدار همه‌جانبه‌ی کشور که این، کار شما دانشجوها، کار شما نسل جوان است. آن وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و به اقتدار اقتصادی برسانید و آن وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه‌ها کم خواهد شد؛ مأیوس خواهند شد. تا وقتی به آن نقطه نرسیده‌ایم، منتظر توطئه‌ها باید بود و آماده‌ی مقابله‌ی با این توطئه‌ها باید بود. و ان‌شاءالله هر روزی که بگذرد، شما قوی‌تر خواهید بود، دشمن شما ضعیف‌تر خواهد شد و آن روزی که پیروزی نهائی نصیب ملت بشود، ان‌شاءالله روز دوری نخواهد بود.^۱

کتابخانه اسلامی